

یکصد سند تاریخی

دوران قاجاریه

ابراهیم صفائی

نهمین کتاب اسناد سیاسی

یکصد سند تاریخی

تألیف و تحقیق از :

ابراهیم صفائی



انتشارات بامک

-
- ☐ یکصد سند تاریخی
 - ☐ تألیف ابراهیم صفائی
 - ☐ چاپ دوم اسفند ماه
 - ☐ حق چاپ برای ناشر محفوظ است
 - ☐ چاپخانه حیدری
 - ☐ شماره ثبت کتابخانه ملی
 - ☐ انتشارات بامک
 - ☐ تهران میدان ۲۴ اسفند اول آیزنهاور بازار ایران طبقه سوم پلاک ۹۳
 - ☐ تلفن : ۹۲۷۶۱۷

مقدمه

در این سخن جای تردید نیست که تنظیم يك تاريخ صحيح و مستند نیاز بآن دارد که اسناد معتبر تاریخی منتشر شود و در دسترس تاریخ نگاران قرار گیرد ، از اینرو می بینیم برخی از کشورها که تاریخ را بگونه يك کار دقیق علمی و پژوهشی می نگرند هر سی سال یکبار اسناد سیاسی خود را منتشر می کنند و در دسترس پژوهندگان تاریخ قرار میدهند .

در کشور ما این کار انجام نشده و هنوز هم عملاً سازمانی برای صورت یافتن این امر مهم وجود ندارد .

من از سالیان پیش که بی پایگی بسیاری از مندرجات کتب مربوط به تاریخ دوران قاجاریه و عصر مشروطه را دریافتم و بیشتر نوشته های اینگونه کتب را آکنده از تملقات بیجا و شایعات ناروا و آمیخته باغرض و دور از روش تحقیقی دیدم بران شدم که در انتشار اسناد تاریخی و سیاسی این دوران کوشش کنم تا زمینه مطمئن برای تنظیم يك تاريخ مستند و معتبر فراهم گردد .

من این خدمت را هدف کارهای پژوهشی خود قرار دادم و با شوق سرشار ، جویان و پویان در این راه گام نهادم و سالها در جستجوی اسناد سیاسی و تاریخی به کتابفروشی ها ، فروشندگان خطوط قدیمی ، مغازه های عتیقه فروشی و به خانواده ها و افرادی که احتمال میدادم سندی در اختیار داشته باشند در طهران و شهرستانها مراجعه نمودم و پس از گردآوری اسناد تدریجاً به بررسی و تنظیم آنها پرداختم و از هفت سال پیش باین سو هشت جلد کتاب محتوی اسناد تاریخی با هزینه شخصی خود منتشر ساختم .

انتشار کتب اسناد در ایران کاری بود که من آغاز کردم ، مندرجات این کتب بسیاری از حقایق تاریخی دوران قاجاریه و عصر

مشروطه را روشن ساخت و نه تنها از چهره تاریخ سیاسی بلکه از چهره تاریخ اجتماعی آن عصر نیز پرده ابهام را بیکسوزد و خوشامد گوئی های نابجا و شایعات بی اساس را که در کتب تاریخی بعنوان واقعیت ثبت شده بود از ارزش و اعتبار بینداخت و نکته های مهم و ناگفته تاریخ عبرت آمیز گذشته را مطرح ساخت .

کتب هشنگانه یاد شده از لحاظ ارزش و اهمیت اسناد بزودی در شمار مآخذ معتبر تحقیق درآمد و مورد استناد پژوهندگان ایرانی و غیر ایرانی که (در رشته تاریخ قاجاریه کار می کنند) قرار گرفت و نیز زمینه مقایسه همه جانبه ئی بین گذشته و حال به دست داد و دورنمای گذشته تاریخ و نابسامان کشور را برای جوانان ترسیم نمود . با آنکه کار من کاری تحقیقی و ملی و خدمت بتاریخ کشور میباشد ، در این راه تنها پیش رفتم و خسارت و رنج بسیار دیدم و در این میان کسانی که از انتشار این اسناد خشنود نبودند برایم دشواری های ایجاد کردند و زحماتی فراهم ساختند و حتی آنان که در مراکز تحقیقی نشسته و باید کار مرا ترویج کنند ، به تحریک بداندیشان مواعی در کارم پدید آوردند ، با این حال من از پای ننشستم و اینک بیاری خدا نهمین کتاب اسناد سیاسی را انتشار میدهم

در این کتاب یکصد سند عرضه شده است و در این اسناد مطالب مهم و پرارج (درباره وقایع چند سال آخر سلطنت فتحعلیشاه ، پادشاهی علیشاه ظل السلطان ، چگونگی سلطنت رسیدن محمد شاه ، سه بارار دوکشی بیهوده به هرات ، معاهده زیانخیز پاریس ، اسرار برکناری میرزا آقاخان اعتمادالدوله ، اختلافات مرزی و مناسبات سیاسی با روس و انگلیس و عثمانی ، سازمان

لشکری و کشوری ایران و صدها مطلب دیگر (از گذشته تاریخ ایران بنظر میرسد و نیز چهره معدودی از بزرگان لایق و خدمتگذار و مردم اندیش و همچنین رخسار بسیاری از رجال نالایق و زبون و آزمند و خوداندیش از میان سطور این اسناد شناخته می شود .

این اسناد نه تنها روشنگر نیم قرن تاریخ سیاسی ایران می باشد بلکه آئینه‌ای است که تاریخ اجتماعی و اقتصادی و زندگی رنج آور نوده‌های مردم و آداب و رسوم ملی و خلیقات قومی نیاکان ما در آن جلوه گراست و ما از مطالعه این اسناد بطرز فکر و اندیشه و چگونگی شرایط سخت زندگی مردم آن زمان آشنا می شویم و دشواریهای گوناگون آنان را درک می کنیم و مقدرات اندک و محظورات فراوان گذشتگان را در می یابیم .

اصول این اسناد متعلق به وزارت امور خارجه می باشد و شایسته یادآوری است که بیش از یکصد و پنجاه جلد کتاب بزرگ اسناد در زمان ناصرالدین شاه از مکاتبات درباری و دیوانی بدستور آن پادشاه گردآوری گردیده و در کتابخانه اندرون سلطنتی نگهداری می شده و در سال دوم تاجگذاری سلطان احمد شاه کتب مزبور به وزارت امور خارجه انتقال یافته است .

یکصد سند تاریخی که در این کتاب عرضه می گردد پس از شش ماه مطالعه از روی کتب یاد شده تهیه گردیده و چند ماه هم برای تنظیم و نوشتن حواشی و توضیحات بایسته صرف وقت شده و اینک بصورت کتابی درآمده است .

بسیار خوشوقتم که در این عصر شکوهمند نهضت اجتماعی و فرهنگی ایران در تألیف نهمین کتاب اسناد سیاسی موفق شدم و از ادامه خدمت بتاریخ کشور عزیزم باز نماندم . **ایراهم صفائی**

فهرست اسناد این کتاب

- ۱ - نامه ژنرال پاسکویچ درباره تخلیه آذربایجان صفحه ۹
- ۲ - نامه محمد میرزا درباره فتح هرات « ۱۱
- ۳ - نامه اللهیارخان آصف‌الدوله درباره فوت عباس میرزا « ۱۳
- ۴ - نامه اللهیارخان آصف‌الدوله درباره علیشاه ظل‌السلطان « ۱۶
- ۵ - نامه علی‌شاه ظل‌السلطان در اعلام سلطنت خودش « ۲۰
- ۶ - نامه ضیاء‌السلطنه درباره پشیمانی ظل‌السلطان « ۲۴
- ۷ - نامه بانو دُرّه درباره گرفتاری خسرو میرزا و جهانگیر میرزا « ۲۵
- ۸ - نامه شیخ‌علی میرزا درباره سلطنت محمد شاه « ۲۷
- ۹ - نامه قهرمان میرزا درباره امنیت خراسان « ۲۹
- ۱۰ - نامه مزینانی درباره امنیت خراسان « ۳۰
- ۱۱ - نامه دونفر از بزرگان گیلان به قائم مقام « ۳۲
- ۱۲ - نامه مکنیل وزیر مختار انگلیس درباره جنگ هرات « ۳۴
- ۱۳ - گزارش سمنو مهندس روسی درباره محاصره هرات « ۳۵
- ۱۴ - گزارش افسران اردوی محمدشاه درباره محاصره هرات « ۳۶
- ۱۵ - پیشنهادهای فرمانفرمای فارس درباره بحرین و خارک « ۳۷
- ۱۶ - نامه حاجی میرزا آقاسی در دلتنگی از شغل صدارت « ۳۹
- ۱۷ - نامه حاجی میرزا آقاسی درباره وزیر مختار روسیه « ۴۰
- ۱۸ - نامه حاجی میرزا آقاسی درباره اختلاف باروس و عثمانی « ۴۱
- ۱۹ - نامه حاجی میرزا آقاسی درباره عهدنامه ایران و عثمانی « ۴۴
- ۲۰ - نامه دیگر از حاجی میرزا آقاسی درباره عهدنامه ایران و عثمانی « ۴۵
- ۲۱ - نامه امیر کبیر بنمایندگان روس و انگلیس « ۴۶

- ۲۲ - گزارش میرزا آقاخان نوری درباره شکست خان خیوه صفحه ۴۸
- ۲۳ - گزارش حسام السلطنه درباره فتح هرات « ۵۰
- ۲۴ - گزارش حسام السلطنه درباره تصرف فراه « ۵۳
- ۲۵ - نامه فرخ خان امین الدوله درباره مناسبات باروس وانگلیس « ۵۶
- ۲۶ - گزارش میرزا آقاخان نوری درباره وزیر مختار انگلیس « ۵۹
- ۲۷ - نامه وزیر مختار ایران در روسیه درباره عزل میرزا آقاخان « ۶۲
- ۲۸ - نامه دیگر از وزیر مختار ایران در روسیه درباره عزل « « ۷۲
- ۲۹ - « « « « « « « ۷۳
- ۳۰ - مقاله روزنامه سنت پترزبورگ « « ۷۴
- ۳۱ - گزارش وزیر امور خارجه درباره بحرین « ۷۶
- ۳۲ - گزارش درباره کارخانه کاغذسازی و ریسمانریسی « ۷۹
- ۳۳ - گزارش دیگر از وزیر خارجه درباره بحرین « ۸۱
- ۳۴ - نامه میرزا جعفر خان مشیر الدوله درباره سختی زندگی خودش « ۸۳
- ۳۵ - گزارش وزیر امور خارجه درباره هرات « ۸۶
- ۳۶ - نامه کارگذار بوشهر درباره خرید کشتی جنگی « ۸۸
- ۳۷ - گزارش کارگذار بوشهر درباره بحرین « ۹۰
- ۳۸ - گزارش میرزا محمد خان وزیر جنگ درباره ارش « ۹۲
- ۳۹ - گزارش دیگر از سپهسالار درباره قانون سربازگیری « ۹۴
- ۴۰ - گزارش يك راپرت نویس درباره شبنامه های ضد دولتی « ۹۶
- ۴۱ - گزارش وزیر امور خارجه درباره قرارداد تلگراف « ۹۷
- ۴۲ - گزارش اعتضاد السلطنه درباره کارخانه قند « ۱۰۰
- ۴۳ - گزارش عماد الدوله درباره ملکم و بهاء الله « ۱۰۱

- ۴۴ - گزارش میرزا محمدخان وزیر جنگ درباره ارتش صفحه ۱۰۳
- ۴۵ - گزارش میرزا محمدخان وزیر جنگ درباره سپاه خوزستان ۱۰۶
- ۴۶ - گزارش وزیر امور خارجه درباره هرات ۱۰۷
- ۴۷ - یادداشت وزارت خارجه درباره سیستان ۱۰۸
- ۴۸ - گزارش وزیر امور خارجه درباره رویدادهای مرزی ۱۰۹
- ۴۹ - گزارش تذکره چی خرمشهر درباره کودتای شیخ فارس خان ۱۱۲
- ۵۰ - نامه کنسول حاجی ترخان درباره جعل گذرنامه ۱۱۴
- ۵۱ - نامه دیگر از کنسول حاجی ترخان درباره جعل گذرنامه ۱۱۶
- ۵۲ - مقاله روزنامه روسی درباره تاشکند و بخارا ۱۱۸
- ۵۳ - نامه ساعد الملك درباره راه تجارتي ايران و قفقاز ۱۲۱
- ۵۴ - نامه ساعد الملك درباره خطوط تلگرافي ايران ۱۲۲
- ۵۵ - گزارش تلگرافي درباره اوضاع افغانستان ۱۲۵
- ۵۶ - گزارش تلگرافي از مشهد درباره اوضاع هرات ۱۲۸
- ۵۷ - گزارش محرمانه درباره اسرار سفارتخانه‌ها ۱۲۹
- ۵۸ - گزارش درباره مسافرت ناصرالدین شاه به خراسان ۱۳۱
- ۵۹ - گزارش محرمانه درباره رویدادهای سفارتخانه‌ها ۱۳۳
- ۶۰ - گزارش درباره اوضاع استرabad ۱۳۴
- ۶۱ - گزارش وزیر خارجه درباره گسترش تلگراف ۱۳۶
- ۶۲ - نامه کنسول حاجی ترخان در انتقاد از سیاست وزارت خارجه ايران ۱۳۸
- ۶۳ - گزارش کنسول حاجی ترخان درباره ترکمن صحرا ۱۳۹
- ۶۴ - گزارش درباره پیشنهاد عشایر عثمانی ۱۴۲

- ۶۵ - نامه ساعد الملك درباره اختلاف مرزی با روسیه صفحه ۱۴۳
- ۶۶ - گزارش والی کردستان درباره یکی از باغیان مرزی « ۱۴۵
- ۶۷ - گزارش مشیرالدوله درباره بحرین « ۱۴۷
- ۶۸ - گزارش عیسی خان قاجار درباره مرزهای گرگان « ۱۴۸
- ۶۹ - گزارش درباره اختلافات تیره شاهسون « ۱۴۹
- ۷۰ - گزارش فرماندار بوشهر در شکایت از کارکنان
کشتی های انگلیسی « ۱۵۱
- ۷۱ - گزارش کارگذار گیلان در شکایت از مجدالدوله « ۱۵۳
- ۷۲ - گزارش کارگذار فارس درباره تلگرافچیان انگلیسی « ۱۵۵
- ۷۳ - گزارش وزیرمختار ایران در روسیه درباره گرگان « ۱۵۷
- ۷۴ - گزارش کارگذار تبریز درباره خریداری تفنگ « ۱۵۹
- ۷۵ - گزارش شجاع الدوله درباره تصرفات عثمانی در قطور « ۱۶۱
- ۷۶ - پیشنهاد يك روحانی درباره روش سربازگیری « ۱۶۳
- ۷۷ - گزارش وزیرمختار ایران در روسیه درباره اعتراض انگلیس « ۱۶۵
- ۷۸ - گزارش امیر نظام گروسی درباره اختلاف مرزی مغان « ۱۶۷
- ۷۹ - گزارش کارگذار شیراز درباره کنسول هلند « ۱۷۰
- ۸۰ - گزارش کارگذار استرآباد درباره اختلافات مرزی « ۱۷۲
- ۸۱ - گزارش کارگذار فارس درباره بتدرلنگه « ۱۷۳
- ۸۲ - گزارش کارگذار سنندج درباره کنسول عثمانی « ۱۷۵
- ۸۳ - گزارش مستوفی الممالك درباره نرخ گندم « ۱۷۷
- ۸۴ - تعهد میرزا عیسی وزیر درباره ساختن خندق و دروازه های طهران « ۱۷۹

- ۸۵ - گزارش مشیرالدوله درباره تشریفات سفر ناصرالدین شاه
به عتبات صفحه ۱۸۰
- ۸۶ - گزارش دیگر از مشیرالدوله درباره مسافرت ناصرالدین شاه به عتبات ۱۸۳
- ۸۷ - گزارش روزانه مدرسه عالی دارالفنون ۱۸۵
- ۸۸ - نامه گلداسمیت درباره امور مرزی ۱۸۷
- ۸۹ - پاسخ میرزا معصومخان به گلداسمیت انگلیسی ۱۸۹
- ۹۰ - گزارش میرزا معصومخان درباره گلداسمیت ۱۹۰
- ۹۱ - نامه میرزا معصومخان به گلداسمیت ۱۹۲
- ۹۲ - پاسخ گلداسمیت به میرزا معصومخان ۱۹۴
- ۹۳ - گزارش میرزا معصومخان درباره خطوط مرزی بلوچستان ۱۹۵
- ۹۴ - گزارش میرزا حسینخان سپهسالار درباره خرید اسلحه ۱۹۶
- ۹۵ - گزارش میرزا حسینخان سپهسالار درباره امور مرزی ۲۰۰
- ۹۶ - گزارش میرزا حسینخان سپهسالار درباره خرید تفنگ ۲۰۳
- ۹۷ - فرمان ناصرالدین شاه درباره تأسیس مشورتخانه وزیران ۲۰۵
- ۹۸ - یادداشت ناصرالدین شاه درباره امور کشوری ۲۰۷
- ۹۹ - گزارش سپهسالار درباره قرارداد روپتر ۲۰۹
- ۱۰۰ - گزارش معتمدالدوله درباره حسینقلی خان ایلخانی ۲۱۲

یکصد و نود و پنج

یادآوری : تاریخ ذیل سند پنجاه و یکم در صفحه یکصد و
هفدهم این کتاب ۱۲۸۲ (ق) درست و ۱۲۸۳ - اشتباه میباشد.

سند یکم

نامه ژنرال پاسکویچ (۱) - به عباس میرزا
درباره تخلیه آذربایجان

اعلی‌جاه ضیاء بخش اریکه شهرت و احتشام فرزانه یگانه کامران شاهزاده
نامدار جمیل‌العنوان ولی عهد گرام‌معین از حضرت شهریار مالک بالاقتدار ممالک
ایران عباس میرزا ادام‌الله شوکته .

ایلچی انگلیس جناب پولکونیک مکدانیل (۲) اظهار نمود که جناب
مستطاب والا بنا بر شدت ناخوشی احوال خودشان خواهشمند میباشند مهم‌امکن
بزودی وارد دارالسلطنه تبریز شده الی تخلیه کردن شهر از قشون ما ، در خانه
تابستانی نزدیک شهر تبریز اقامت نمایند .

طالب سلامتی و استقامت مزاج مبارک بوده مخلص قبول می‌نماید که
نواب والا تشریف شریف را بمکان مزبور بیاورند ، لکن واجب شمرده اظهار
می‌شود چنانکه به نواب مستطاب والا معلوم است مخلص بهر وضع در تخلیه
آذربایجان کمال سعی و اهتمام را مرعی میدارد و شاید تا روز جمعه چهارم
ماه رمضان المبارک قشون تبریز را بیرون نماید ، اما در جاهائی که قشون ما
می‌ماندالی برون رفتن آنها باید که آنها را در تصرف ما بوده موافق عهدنامه
مداخل و همه تحمیلات برای نفع روسیه عاید شود .

باقی با اعلی‌مراتب احترام و توقیر گزاری مخلص اطمینان مکرر بنواب
مستطاب والا میدهد که در مقام صدق ارادت و خیرخواهی آماده میباشد .
امر فرمای (فرمانفرما) عساکر و ولایات واقعه بین البحرین‌الخضر

والاسود - جنرال انشف صاحب حمایلات - پاسکویچ - می ۲۸ شهر شعبان
سنه ۱۲۴۳ تبریز . (۳)

۱ - ژنرال پاسکویچ فرمانده قوای روس در قفقاز بود که در جنگ دوم ایران و روس در زمان فتحعلی شاه قوای ایران را درهم شکست و تبریز و چند شهر آذربایجان را تصرف کرد و پیروزی او منجر به قرارداد ترکمانچای مورخ پنجم شعبان ۱۲۴۳ ق گردید .
۲ - سرجان مکدونالد وزیر مختار انگلیس در ایران که واسطه گفتگوی صلح میان عباس میرزا و ژنرال پاسکویچ بود .

۳ - از اسناد وزارت امور خارجه کتاب ۵۶ ،

توضیح - دلاوریها و فداکاریهای عباس میرزا و سرداران و سربازان ایرانی را در جنگ های طولانی ایران و روس نباید از یاد ببریم و نیز نباید نادیده بگیریم که سپاه ایران در برابر سپاه روس از حیث شماره و تعلیمات و هم از جهت داشتن جنگ افزار بسیار ناچیز بود و مقاومت رشیدانه و طولانی و گاهی پیشرفت های سپاه ایران نتیجه ایمان پاک و وطنخواهی سپاهیان و فرماندهان آنان بود .

سند دوم

نامه محمد میرزا به قائم مقام

درباره فتح هرات (۱)

جناب اتابك اعظم قائم مقام بدانند، امشب که شب پنجشنبه است این ملفوفه رانوشتم، دیشب باقاصد حامل کاغذهای مفصل نزد آنجناب فرستادیم امشب هم دونفر روانه کردیم، امروز در شهر شهرتی بوده که سواره و پیاده هزاره و افغان بسر آن اردو میآیند، کل جمعیت آنها زیاده از چهار هزار نخواهد بود و بفضل خدا خاطر جمع هستیم که قشون پادشاهی که همراه آنجناب میباشد جواب ده مقابل آن قشون را می تواند داد لیکن چون خبرداری آن جناب لازم بود کیفیت را بآن جناب اعلام داشتیم، امروز سه نفر از شهروارد شدند یکی مذکور ساخت که دیشب یک هزار و پانصد نفر مقابل آن اردو رفته اند، دونفر دیگر گفتند که سواره و پیاده از شهر حرکت نکرده اند، بالجمله احتیاط بنه و علف چین را داشته باشید بهتر است.

دیگر می باید زودتر بما خبر برسانید که کدام روز وارد سنگ بست (۲)

می شوید، بسیار دیر از شما خبر میرسد تا حال همین دو کاغذ است که امشب رسیده است یکی از سنگ بست مشهد دیگری از باغ سنگان (۳) دیگر کاغذی نرسیده است، ماهم در مشرق شهر (۴) اردو زده ایم اراده ما این است روبرف مغرب (۵) دو اردو بهم ملحق شوند و فردا شب منتظر خبر از جانب آن جناب باشیم (۶) دیگر این صلاح و درست تر بنظر میآید که آن

جناب به غوریان (۷) پردازید و دو اردو بهم ملحق شود و بمحاصره شهر (۸) اقدام شود و صلحه بشهرنزنیم آنوقت اگر صلاح باشد جمعیت به غوریان بفرستیم، البته آن جناب هرطور صلاح داند اعلام و عرض کند تا از آن قرار معمول شود. حرر فی شهر جمیدی الاولی سنه ۱۲۴۹ - بالای کاغذ مهر - طراز افسر شاهی محمد (۹) .

۱ - محمد شاه دوبار برای تسخیر هرات کوشید ، بار اول از طرف پدرش عباس میرزا نایب السلطنه مأمور فتح هرات شد و هرات را محاصره کرد ولی در اثر مرگ عباس میرزا (در جمادی الاخر ۱۲۴۹) با کامران حکمران هرات صلح کرده کامران به اطاعت ایران کردن نهاد و محمد میرزا به مشهد و سپس به طهران بازگشت و مقام ولایتعهدی به او تفویض شد و به آذربایجان رهسپار گردید . بار دوم در زمان پادشاهی خودش بسال ۱۲۵۳ - که سرانجام در اثر مداخله نظامی انگلیس ناگزیر بترك هرات گردید .

۲ - سنگ بست = محلی در چهار فرسخی هرات .

۳ - سنگ بست مشهد و باغ سنگان از آبادیهای بین راه مشهد بسوی غوریان .

۴ - شهر = هرات .

۵ - و ۶ چند کلمه از اصل سند پاره شده و افتاده است .

۷ - غوریان = شهر مرزی افغانستان با ایران که در جنگهای ایران و افغان دوبار به تصرف ایران درآمد .

۸ - = هرات ۹ - کتاب ۷۴ اسناد وزارت امور خارجه .

سند سوم
نامه اللهیار خان آصف الدوله به قائم مقام
درباره محمد شاه

اللهیار خان آصف الدوله دانی محمد شاه پس از مرگ عباس میرزا
نایب السلطنه برای سلطنت خواهرزاده خود (محمد شاه) کوشش بسیار کرد
و پس از مرگ فتحعلیشاه و جلوس محمد شاه بفرمانفرمائی خراسان منصوب
شد (۱) در اینجا نامه‌ئی از او می‌خوانیم که پس از مرگ عباس میرزا (ج ۲-
۱۲۴۹ ق) بمیرزا ابوالقاسم قائم مقام نوشته و از او برای حفظ موقعیت
محمد میرزا استمداد کرده است .

متن نامه :

برادر جان من ، چه نویسم کاشکی من وشما هردو مرده بودیم واین روزها
را نمیدیدیم لکن چه چاره با مقدر الهی چه میتوان کرد؟ حالا وقت مردانگی و
اول زحمت آن برادر است الحمد لله خوب درخاطر داری بلکه آنوقت هم
درمیان کار بودی که سرکار ولیعهد (۲) که خداوند عالم درجات ایشان را
عالی بدارد در سن هشت سالگی قائم مقام مرحوم مشغول (۳) خدمتگذاری آن
سرکار مرحوم شد ، خود مطلعید که چه زحمت‌ها کشید و بادولت های بزرگ
زد و خورد کرد ، از تصدق خاکپای مبارک شاهنشاه روحیفداه (۴) بجائی
رسید که پادشاهان افسوس می‌خوردند، خلاصه اگر خواهد از این مقوله (۵)

چیزها بشما بنویسد بیهاصل است، حال قریب بیست سال است که خود آن برادر وزیر و قائم مقام دولت است، زحمت ها کشیدید، مرارت ها کشیدید تا آنکه الحمد لله آقا و ولیعهد خود را (۶) صاحب اسم و رسم کردید خود هم نیکنامی در همه دولت ها بهم رسانیدید، بعد از این همه زحمت ها و مرارت ها مملکتی بنظم آوردید، از نظم مملکت آذربایجان از تصدق خاکپای مبارک شاهنشاه روحفداه تصرف در ولایت ها و مملکت ها نمودید آلان را الحمد لله سپاه آذربایجان و سپاه رکابی به تسخیر هرات (۷) مشغولند، از حق نمیتوان گذشت، اینها همه بعد از فضل خدا و توجه سایه خدا بکارگذاری قائم مقام مرحوم و آن برادر مکرم بوده اگرچه سرکار ولیعهد (۸) جان خود را در راه خدمت و دولت شاهنشاه روحفداه گذاشت لیکن شاهنشاه روحفداه در التفات و توجه ملوکانه نسبت بسرکار شاهزاده معظم فروگذار نفرمودند (۹) بزیارت فرمانهای مبارک سرافراز خواهند شد.

آنچه لازمه مرحمت و التفات بود از سرکار اقدس مرحمت شد حالا بسته باین است که آن برادر زحمت را بخود بیشتر از پیشتر راه دهند، انشاء الله کاری بکنند که دوست و دشمن بشما و ما نخندد امان است برادر جان من، حالا وقت همت و مردانگی است خدا شاهد است، مرا توجان عزیزی و یار محترمی - بهرچه حکم کنی بروجود من حکمی.

حالا روز روز دیگر است و کار کار دیگر، همین نوشته من حجت است مرا در خود اختیاری نیست، آنچه بگوئی و بکنی مختاری، من در برادری سر تسلیم دارم در حقیقت توقع پدری دارم از آن برادر که بسرکار شاهزاده (۱۰) بکینده نوکری.

حالا اگر کاری کردی حقوق های ولیعهد را به نسبت بجانشین ولیعهد بجای آوردی آن درایت (۱۱) و طریقه مردانگی و نمک شناسی خود را آشکار بکنی. دیگر چه بنویسم که ندانی، تو دانی و آن مردانگی های خودت والسلام (۱۲).

۱ - آصف الدوله در آغاز سلطنت محمدشاه دعوی صدارت داشت ولی چون حریفی مانند قائم مقام در میان بود موفق نشد و به حکومت خراسان منصوب گردید، و کار حکومت مشهد را برای پسرش «سالار» فرمان گرفت، سالار در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه طغیان کرد و اسباب زحمت و گرفتاری دولت شد و عاقبت سپاه دولتی بفرماندهی سلطان مراد میرزا حسام السلطنه او را مغلوب نمود.

۲ - ولیعهد = عباس میرزا نایب السلطنه.

۳ - مشغول = در متن سند « مشغول ».

۴ - شاهنشاه = فتحعلیشاه.

۵ - مقوله - در متن سند « معقوله ».

۶ - آقا و ولینعمت = محمد میرزا = محمد شاه قاجار.

۷ - الان - در متن سند « العان ».

۸ - سرکار ولیعهد = عباس میرزا نایب السلطنه.

۹ - اشاره تبوجه ویژه‌ئی است که فتحعلی شاه پس از مرگ عباس میرزا نسبت به محمد میرزا مبذول داشت و با داشتن فرزندان مقتدر چون حسینعلی میرزا فرمانفرما و حسنعلی میرزا شجاع السلطنه و علیخان ظل السلطان، محمد میرزا را بولایت عهدی برگزید.

۱۰ - شاهزاده = محمد میرزا.

۱۱ - کلمه « درایت » در متن سند بصورت « درست » نوشته شده است.

۱۲ - از اسناد خطی وزارت امور خارجه - کتاب ۵۶.

سند چهارم

یادداشت الیهیارخان آصف الدوله

درباره علیشاه ظل السلطان (۱)

ملاحظه عریضه ایلچی انگلیس را سابقاً نموده اید ، سواد عریضه ایلچی روس را هم خواهید دید ، حالا که ایلچی انگلیس این عریضه را دیده بیشتر اهتمام در حصول مطلب می کند ، زیاده کوشش می نمایند و ما کوتاهی نداریم تا قوت بازوی شما چه کند ، حق این است نظم این دو مملکت (۲) کارها را مضبوط خواهد ساخت ، جان من آنقدر کار کرده ام بعد از فضل خدا که شاه (۳) شاهزاده های دیگر را جواب گفته است ، کسی که با شما حرف دارد همان ظل است ، خلاصه سخن این است ، حالا در ایران و در میان کل شاهزاده ها کسی که میخواهد شما را خراب و ضایع کند و اسم و ولایت و منصب برادرش (۴) را صاحب شود همان ظل است و بس ، حالا بهر قسم مصلحت دانی منم راضی هستم ، این نوشتجات که بشما میرسد کلاً خود بخوانید و خود جواب بنویسید لا غیر .

رأی شاه این است شما به طهران آمده باشید قرار و مدار امورات را باشما داده باشد ، شما مصلحت در آمدن با شاهزاده یابی شاهزاده (۵) هریک بدانید بنویسید تا حکمش بشود .

حرف ظل بارکن (۶) و کشیکچی باشی (۷) این است که خود ولیعهد شود و برود آذربایجان با کل اولاد و همه اولاد مرحوم ولیعهد (۸) بیایند به خراسان و رکن بیاید به طهران ، کشیکچی باشی برود قزوین ، حرفی که ظل در جزو به «خازن الدوله» (۹) گفته که او را رو بخود بکند این است : من که

ولیعهد شدم آذربایجان رفتم باید بهمن میرزا بیاید در طهران باشد تا بهمن میرزا (۱۰) صاحب اختیار طهران نیاید و نشود قبول ولیعهدی نخواهم کرد ، نزد را هم به محمد ولی میرزا (۱۱) وعده کرده است ، این راهنمایی‌ها را به ظل ، سیف سابق کرمان می‌کند (۱۲) .

فرمانهائی که خواسته بودید با خلعت خواهد رسید ، از قراری که خبر رسید بعد از رسیدن خبر فوت ولیعهد به شیراز فرمانفرما (۱۳) ایلخانی وایل - بیگی (۱۴) و میرزا قاسم‌خان را با میرزا علی اکبر (۱۵) گرفته سوای میرزا علی اکبر آنها را کشته است لکن وقتی که شجاع (۱۶) از طهران رفت پیش از این مقدمه بود ، در جزو شاه حکم فرموده بود سوای میرزا علی اکبر آنها را بگیرند و تلف نمایند .

وزیر خمره مرد ، نوشته بودید چهار هزار سوار کفایت است خراسان بیاید ، ما پنجهزار خبر کردیم اول جوزا بخراسان بیایند . آقا علی اکبر از تبریز آمد عریضه‌ها را در جواب فرمان مبارک که نوشته بودید با سواد عریضه وزیر مختار فرستادم ، به سالار (۱۷) حکم شد سرباز قراگوزلو را درست کند بعد از عید خود بحضور بیاورد ، بعد از مردن سرتیپ خان ، سرهنگ ، فضل‌الله خان . حاکم ، محمود خان ، کارکن او محمد ولی خان تا حکم شاهزاده و دستور العمل شما برسد ، هشت هزار تومان شاه از من می‌خواهد و من امروز و فردا میکنم که بسال نوانداخته شود . خلعت های خراسان و آذربایجان پیش از عید نوروز خواهد رسید ، در باب ابراهیم خان سردار قراجه رأی شما چه چیز است ؟ شاه می‌خواهد در بهار با قشون رکابی بفرستد .

لاچین خان (۱۸) و محمود میرزا (۱۹) مذکور است این دو سه روزه وارد خواهند شد ، کاغذیکه به « امین » (۲۰) نوشته بودید دیدم یعنی خودش داد من هم با او گرم گرفته ام .

نوشتجات رمز را محمدحسین بیگ چاپار رسانید چون شمارا اطلاعی از اوضاع نبود بآن قسم نوشته بودید والا هرگز راضی نمی شدید بمن این قسم ها بنویسید هرگز زنده نمانم بشنوم شاهزاده (۲۱) گریه کرده یا می کند ، یا اینکه شما غصه بخورید الحمدلله شما عاقل هستید ومن توقع دارم بشاهزاده پدری نمائید نه نوکری ، من هم آنچه در قوه دارم کوتاهی ندارم (۲۲) .

۱ - این نامه از طرف اللهیار خان آصف الدوله پس از مرگ عباس میرزا نایب السلطنه به میرزا ابوالقاسم قائم مقام که همراه محمد میرزا (محمد شاه) در خراسان بوده نوشته شده و از توطئه علیشاه ظل السلطان فرزند فتحعلیشاه و برادر عباس میرزا برای گرفتن مقام ولایتعهدی سخن رانده وقائم مقام را برای تثبیت ولایتعهدی محمد میرزا به طهران فرا خوانده است .

۲ - دومملکت = آذربایجان و خراسان .

۳ - شاه = فتحعلی شاه .

۴ - برادرش = مرحوم عباس میرزا نایب السلطنه .

۵ - شاهزاده = محمد میرزا .

۶ - رکن الدوله علینقی میرزا (پسر فتحعلیشاه) که هواخواه ولایتعهدی ظل السلطان بود .

۷ - کشیکچی باشی = محمد خان قاجار دولو (بعد ، سه سالار) .

۸ - ولیعهد = عباس میرزا .

۹ - خازن الدوله = گلبدن خاتم یکی از همسران فتحعلی شاه و مادر بهمن میرزا .

۱۰ - بهمن میرزا = بهاء الدوله پسر فتحعلی شاه .

۱۱ - محمد ولی میرزا = از پسران فتحعلی شاه .

- ۱۲ - سیف = سیف الدوله میرزا (پسر ظل السلطان) که از طرف نایب السلطنه
چندی حکومت کرمان را داشت .
- ۱۳ - فرمانفرما = حسینعلی میرزا والی فارس .
- ۱۴ - محمدعلیخان ایلخانی و مرتضی قلیخان ایل بیگی قشقائی .
- ۱۵ - میرزا قاسم خان و میرزا علی اکبر = میرزا قاسم خان خلج - میرزا علی اکبر
کلانتر شیراز .
- ۱۶ - شجاع = حسنعلی میرزا شجاع السلطنه .
- ۱۷ - سالار = پسر اللهیار خان آصف الدوله .
- ۱۸ - لاجین خان از سرداران گرجی که در سیاه عباس میرزا در جنگ قفقاز شرکت داشت .
- ۱۹ - محمود میرزا = فرزند فتحعلی شاه (قبلاً حکمران نهاوند) .
- ۲۰ - امین = ظاهرآ عبدالله خان امین الدوله وزیر اصفهان و از هوأخواهان ظل السلطنه .
- ۲۱ - شاهزاده = محمد میرزا که ظاهرآ بر مرگ پدرش (عباس میرزا ولیعهد) می گریسته است .
- ۲۲ - کتاب ۵۶ - اسناد وزارت امور خارجه .



سند پنجم

نامه علی شاه ظل السلطان (۱) به حشمت الدوله در باره مرگ فتحعلیشاه و سلطنت خودش

برادر مکرم مدتها بود چشم براه خبر شما بودم از مشروحه شما مسرور شدم از این مصیبت که خاک بر سر عالم کرد نباید گفت از اوضاع خود مکرر نوشتم بهمه حال مختصر نوشته می شود اهل اردو بسی واهتمام ایلخانی نعش مبارک را به قم رسانیده بعد از دفن با کمال آراستگی وارد دارالخلافه شده بعد از مراسم تعزیه داری رکن الدوله و شاهزادگان و بزرگان ایران و رعیت و لشکر باتفاق بعد از مجالس متعدد و صلاح اندیشی صلاح را در این دیدند که متکفل امور سلطنت ما شویم و به اصرار و ابرام جمیع ناس روز یکشنبه چهاردهم را ساعت جلوس دیدند و بمبارکی جلوس شد و سکه زده شد. بعد از جلوس صلاح را در رفتن رکن الدوله (۳) به آذربایجان دیدیم مأمور، رفتن شد که برود حرف را تمام کند و قراری بدهد و التزامی بگیرد و ایلخانی (۴) را هم با پنجهزار سوار و پیاده و هفت عراده توپ مأمور زنجان نمودیم که رفته پشت بند حرف صلح باشد که صلح باعجز نشود امیدواریم بخوشی بگذرد. کارشان در ولایت بسیار خراب است چون سپهدار (۵) هم تخلف کرده نیامده و بوی نفقی از او می آید فرمان بسرکردگان عراق شد که هر کسی حاکم ولایت خود باشد، برادر مکرم شیخ الملوک (۶) را هم نامزد فرمودیم بالشکر آمده میانه عراق، خسروخان (۷) را هم بادسته بیات و خلج ساوه با پانصد سوار شاهسون از آنجا مأمور کردیم که همگی باتفاق بروند کار سپهدار را تمام

کنند ، انشاء الله خواهد شد ، اطراف ولایات هم احدی حرف نزده‌اند ، مازندران که اعظم ولایات بود تمکین کرد: بجز مازندران بسطام باین طرف هم آرام است ونو کردند، آن برادر آدم خود را حاضر کند مستعد باشد که اگر آذربایجانی بصد در نیامد و بیمزگی کند لابد از آن باید آن برادر داخل ملک آنها شود که حواسشان پریشان شود ، آقای حشمت ، آنقدر کاری که شده است شوخی نیست فضل خدا شامل شده است ولکن این مظنه‌ها نمیرفت که باین آسانی امر بگذرد و حال وقت استراحت نیست وقت زحمت است و ننگ و نام ، آدمت را حاضر کن که بمحض خبر باید حرکت کنی انشاءاله تعالی . این نامرد امین الدوله آخر نامردی کرد و از اصفهان نیامد و مرا معطل گذاشت ، آصف (۸) ملعون هم در قم است و از آنجا بقدری که می‌تواند فساد می‌کند خدا بکشدش؛ حالا که الحمدلله کارها بد نیست روز بروز هم بهتر می‌شود ، قدری قشون در شهر کم داریم بعد از رفتن ایلخانی و خسروخان از بسطام و سمنان و مازندران بقدر سه هزار جمعیت خواستم که زمستان در شهر باشد خواهند آمد از صبح تا شام فرصت نماز و نفس کشیدن نیست امیدوارم بفضل خدا کارها تا شب عید سر و صورتی بگیرد و از همه طرف آسوده شویم ، مکرر میگفتی : سه روز خودداری کن تا بتوانیم خودی به تبریز برسانیم . الحمدلله امروز که بیست و یکم است و يك ماه و دو روز است که این وقایع روی داده است خودداری کردیم و جلوس کردیم و قشون جمع کردیم حال وقت کار شماست و نظم آن میانه‌ها ، دیگر خودداری معنی ندارد و انشاءالله از فضل خدا کسی انکار نخواهد کرد و هر کسی بملك خود و حق خود راضی و قانع خواهد شد

مارا حرفی نیست چنانکه در سابق بوده اند حال هم باشند دیگر چه حرفی دارند
و چه دردی (؟) آدمت را حاضر کن غصه پول مخور بقدر ضرورت هست
الحمد لله، از شما هم مضایقه نیست بقدر کفاف لشکر داده خواهد شد. (۹)

۱- علیشاه ظل السلطان دهمین پسر فتحعلیشاه (متولد ۱۲۱۰ ق) در سالهای آخر
پادشاهی پدرش حاکم طهران بود پس از مرگ فتحعلیشاه در اصفهان (پنجشنبه نوزدهم
جمادی الاخر ۱۲۵۰) دعوی سلطنت کرد اما موردی میرزا مرزند دیگر فتحعلیشاه که
جواهرات سلطنتی را از اصفهان آورد بازوبند دریای نور و تاج ماه را بوی تسلیم کرد،
محمد باقر خان بیگلربیگی طهران و اما موردی میرزا و برادرش علینقی میرزا رکن الدوله
و ابوالملوک میرزا و میرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه او را تشویق کردند، برانجام
روز چهاردهم رجب در طهران جلوس کرد، رکن الدوله تاج بر سر او گذاشت و سیف
الملوک میرزا فرزند خود را ولیمهد کرد و اما موردی میرزا را فرمانده سپاه خود نمود
و نقدینه های فتحعلیشاه را سخاوتمندانه به اطرافیان بخشید و اللهوردی میرزا را بحکومت
قم گسیل داشت برخی از اعیان و شاهزادگان از جمله محمد حسین میرزا حشمت الدوله
حکمران کرمانشاه (فرزند دولتشاه و داماد ظل السلطان) و محمدقلی میرزا ملک آرا
حکمران مازندران (فرزند فتحعلیشاه) به سلطنت او تسلیم شدند، در خطبه او را عادلشاه
خواندند و او نام خود را بر سکه «علیشاه» رقم زد و محمدجعفرخان کاشی را به وزارت خود
برگزید و قزوین و قم و زنجان را باآسانی گرفت.

علیشاه برخلاف محمدشاه (که بسیاری از برادران و عموهای خود را کور کرد و
زندانی نمود) به کسی آزاری نرساند، چهل و دو روز سلطنت کرد اما اماموردی میرزا
و سهرابخان گرجی فرماندهان سپاه او که برای جلوگیری از ورود محمدشاه به قزوین رفته
بودند به ظل السلطان خیانت کردند و تسلیم شدند، محمد شاه با وجود مدعیانی چون ظل
السلطان (در طهران) و شجاع السلطنه و فرمانفرما (در فارس) برانحسب تدبیر قائم مقام
سمی آصف الدوله سلطنت را بدست آورد و روز ۲۴ شعبان وارد باغ نگارستان شد و همان روز

جلوس کرد و ضیاء السلطنه و فخرالدوله عمه‌های شاه ظل‌السلطان را نزد محمدشاه بردند، لُذِر بسیار خواست و کلید خزاین سلطنتی و جواهر کوه نور و تاج ماه را تقدیم محمدشاه نمود و پس از یکسال که در طهران تحت نظر بود به مراغه تبعید گردید و سپس با مداخله سفارت روس به عتبات رفت و دولت ایران به او مبلغی سالیانه می‌پرداخت .

۲ - حشمت‌الدوله = محمد حسین میرزا (فرزند دولت‌شاه حکمران کرمانشاه)

۳ - علینقی میرزا .

۴ - ایلخانی = امام‌وردی میرزا پسر فتح‌علیشاه

۵ - یوسف‌خان سپهدار حکمران اراک .

۶ - شیخ‌علی میرزا حکمران ملایر و توپسرکان .

۷ - خسروخان بیات از فرماندهان افواج دولتی .

۸ - اللهیار خان آصف‌الدوله چندی در آستانه حضرت معصومه ماند تا سرنوشت

مدعیان سلطنت روشن شود و در عین حال از همانجا برای استقرار سلطنت محمد شاه می‌کوشید.

۹ - کتاب پانزدهم اسناد وزارت امور خارجه .



سند ششم

نامه ضیاء السلطنه (۱) به قائم مقام

درباره پشیمانی ظل السلطان

جناب با احتشام قائم مقام حسب الحکم اعلیحضرت شهنشاه، صاحبقران میرزا (۲) مارا بدیدن فخرالدوله (۳) برد، نواب ظل السلطان هم در آنجا تشریف داشتند بعد از تعارفات رسمی، ظل السلطان فرمودند که پاره‌ئی اشخاص مرا باین راه واداشتند توقع من از تو این است که بخدمت قبله عالم عرض کرده و بجناب اتابک اعظم (۴) حالی نمائید که کس دیگر متعرض کسان ما نشود، آنچه خرج کرده ایم موافق سیاهه همه را پس میدهیم که دیناری تلف نشود، از قراری که می‌شنوم این روزها درمیانه اسباب شاهی و سایر مردم خیلی تلف و حیف و میل می‌شود اگر صلاح دانید این خدمت را سرکار اقدس به بنده محول فرمایند طوری میکنم که رضای ظل السلطان بعمل آمده و مال پادشاهی هم پایمال نشود و هر طور که آن جناب صلاح دانند بهتر است - مهر - ضیاء السلطنه (۵).

۱ - ضیاء السلطنه دختر فتحعلی‌شاه . ۲ - از پسران فتحعلی شاه .

۳ - دختر فتحعلی‌شاه و خواهر تنی ظل السلطان ۴ - قائم مقام (میرزا ابوالقاسم) .

۵ - کتاب ۱۵ - اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتم

نامه بانو 'دره' به قائم مقام

درباره آزادی خسرو میرزا و جهانگیر میرزا

جناب اتابك اعظم نورچشمی جهانگیر میرزا (۱) و خسرو میرزا (۲) و احمد میرزا (۳) و مصطفی قلی میرزا (۴) به اعتقاد شما مقصر و مورد حبس بودند که بعضی را درخوی و ارومی با ذلت تمام بردند به اردبیل آن جناب را به نان و نمك نایب السلطنه انارالله مضجعه می سپارم که دونفر جوان را مثل پسران مسلم در کدام مذهب رواست که بگیرند مثل غلام حبس کنند، انشاءالله بزودی زود آن جناب را خواهد گرفت، هرگاه درباره نورچشمان قراری بگذارد اینجناب چه تقصیر دارد که اهل افشار نگذارند پا بخارج بگذارد و تبریزی باید بانورچشمی ولیعهد دوسه فقره گفتگو نماید لوزیاده از نورچشمان اینجناب را به حبس اندازند معلوم است حبس ما بدون اذن شمانیست والا اهل افشار این جرأت را ندارند که اهل و عیال نایب السلطنه را باین مرتبه بی حرمتی کنند، هرگاه آن جناب حق نان و نمك نایب السلطنه را میدانست باینگونه امور بهیچوجه من الوجوه راضی نمی شد که سی سال نمك بخورد و نداند معلوم است بزودی خواهد گرفت و این مصیبت را بر سر او خواهد آورد (۵) فرضاً آن جناب دانست که جهانگیر میرزا و خسرو میرزا از سر تا پا مقصر بلکه خون هم کرده بودند اولاً به درخانه نورچشمی ولیعهد پناه آوردند کسی که پناه آورد اینگونه با او رفتار می کنند؟ ثانیاً کسی مثل آن جناب درخانه باشد هرگز اینطور راضی نمی شد بلکه اخراج بلد می نمودند باری توقعی که دارم این است بزودی جواب مراسله

اینجانب را بنویس که تبریز آمده با ولیعهد گفتگو نماید که اسیران اینجانب را از حبس خلاص کند و به دست اینجانب بسپارد که بجائی دیگر ببرد .

اولاد نایب السلطنه از اولاد حضرت یعقوب نیستند بلکه نوکر آنها هستند بآنها اینطور رفتار نمودند، باری بالتماس بیگلربیگی دو سه روز آمدن خود را بتأخیر انداخت هرگاه جواب زود رسید فبها و الا بدون معجر خواهم آمد، بخدا خوش نمیآید که بعد از مرحوم نایب السلطنه به اولاد او اینطور بگذرد ، دنیا فانی است شمارا قسم میدهم بسر ولیعهد هنوز که اینجانب نرسیده است بجای من با ولیعهد گفتگو نمائید بنائی بگذارید ، خوب اسم و رسم میگذاری در این پنجاه ساله ، که نزدیک است دختر محمد قلی میرزا بمیرد خودش سهل است بلکه کسی را هم ضایع کند. انشاء الله قبل از آمدن اینجانب بنائی خواهید گذاشت.

پشت کاغذ مهر - کنیز فاطمه 'دره'

۱ - ۲ - ۳ - ۴ - فرزندان عباس میرزا نایب السلطنه (برادر محمدشاه) محمد شاه خسرو میرزا (۱۹ ساله) وجهانگیر میرزا (۱۵ ساله) را با صوابدید قائم مقام در اردبیل محبوس کرد بعد دستور داد اسمعیل خان فراشباهی آندو را از بینائی محروم ساخت ، مصطفی قلی میرزا و احمد میرزا هم در اردبیل زندانی شدند .

۵ - بانو 'دره' مادر جهانگیر میرزا و خسرو میرزا پیشینی شگفتی درباره قائم مقام نموده است زیرا قائم مقام در ماه صفر ۱۲۵۱ بدستور محمدشاه در حوضخانه نگارستان زندانی و خفه شد، غرور قائم مقام و تحریک و تفتین شدید گروهی از رجال و شیطنت مستر کمپل وزیر مختار انگلیس از عوامل برکناری و نابودی قائم مقام بود .

۶ - کتاب ۲۰ - اسناد وزارت خارجه .

سند هشتم

نامه شیخعلی میرزا (۱) به قائم مقام

در فرمانبرداری از محمد شاه

جناب خالوئی‌ام قائم مقام سلمه‌الله تعالی فرزند ارجمند نامدار سالار آمد و از محبت های آن جناب چه خوب آمده است شب و روز به اوصاف حمیده آن جناب و محبت‌هایی که دارید و در این سفر کرده‌اید مشغول می‌باشم، حق مقام مکرر نوشته‌ام که بعد از فضل خدا واثمه هدی اطمینان قلبی که هست بوجود آن جناب است .

در باب شرفیاب گشتن بخدمت سرکار اقدس صریح نوشته‌اید و دستور العمل نداده‌اید ولی فرزند از جان بهترم سالار (۲) میگفت که خوشایند این است که شرفیاب شویم . به چشم، عریضه هم نوشته‌ام بخوانید و برسانید و بزودی غلام روانه نمائید که بدانم به چه وضع باید آمده باشم، سوار و جمعیتی بیاورم یا بطور مختصر آمده باشم (۳) .

خبر تازه نیست مگر اینکه نمیدانم سپهدار (۴) منظورش چیست لازم و واجب است بشما بنویسم زحمات مارا حالا که شما می کشید ما هم بعد از شما کسی را نداریم . این روزها مهر علیخان وزیر (۵) قریب دوهزار تومان موافق حجت شرعی از مهدی خان نامی است ملایری (غلام من) می خواهد و او فرار می کند به کراز (۶) ، خان هم میرود با چند نفر سرباز در ده او که متصل است به سربند کراز از اینکه حضرات باید نگهدارند سهل است حمایت هم می کنند ،

دیدم مفسده می شود و حرف حسابی بی حساب خواهد شد نوشتم به خان وزیر آمد گفتم حالا سپهدار آنجا است هزار راست و دروغ می بافت لازم بود بجهة استحضار شما همینقدر بدانید که رفتار آنها چه چیز است و احتیاطما از حرف بدگو و معاندین چه چیز است . پسر آقارفع آستانه (۶) آمده بود با خان قرارداد که مهدیخان را پیدا کنند و بفرستند ما هم حالارا گفتیم بماند تا شما چه مصلحت بدانید ؟ میگویند بگیریم بگیریم و اگر خودتان محصل می فرستید بهتر موافق شرع انور راضی هستیم .

زیاده چه زحمت دهم ایام بکام باد - بالای کاغذ مهر - شیخ الملوک (۷)

۱ - شیخ الملوک = شیخعلی میرزا فرزند فتحعلی شاه بنیانگذار شهر کنونی ملایر و حاکم آن شهر از طرف مادر نسبت او به زندیه میرسید (مریم خانم مادر او دختر شیخعلیخان زند بود) .

۲ - ارسلان میرزا سالار فرزند شیخ الملوک .

۳ - یوسف خان سپهدار گرجی حکمران سلطانآباد (اراک)

۴ - مهرعلیخان وزیر ملایر

۵ - کزاز از روستاهای اراک .

۶ - آستانه از روستاهای بین ملایر و اراک .

۷ - کتاب بیستم اسناد وزارت امور خارجه .

سند نهم

نامه قهرمان میرزا (۱) به قائم مقام (۲) از خراسان

درباره امنیت خراسان

جناب قائم مقام مراسله شمارسید، خبرفتوحات و گرفتن حسنعلی میرزا (۲) و فرمانفرما (۴) را نوشته بودید له الحمد والمنه ، آنچه تا بحال اتفاق افتاده همه خوب بوده است طالع سرکار اقدس پادشاهی انشاءالله بیش از اینها کار خواهد کرد ، خبر گرفتن شجاع پدر همه مفسدین و بدخواهان دولت علیه را می سوزاند انشاءالله تعالی ، عنقریب چاکران جان نثار پادشاهی صفحه خراسان را از مفسدین پاک خواهند کرد و بدخواه را دست بسته بدربار همایون خواهند فرستاد ، قوچان بتصرف عساکر متصوره پادشاهی آمد حکومتش به سردار محمولی خان (۵) تفویض شد، شیروان هم شیرمحمدخان (۶) حاکم شد، منهم انشاءالله بیاری خدا روزشنبه از قوچان حرکت میکنم رو به بجنورد، مقرب - الخاقان محمدرضاخان (۷) باتوپ و سرباز و جمعیت مشهد به محمدآباد امروز رسیده است فردا به چناران میرسد . ابراهیم خان (۸) را با عرب و پیاده ولایتی به رادکان و چناران فرستادم یقین دارم که زود امر چناران و رادکان خواهد گذشت ، همه روزه انتظار مراسله شما و دستورالعمل را دادم .

دهم ماه ذی حجه ۱۲۵۰ (۹) .

-
- ۱ - قهرمان میرزا = برادرتنی محمدشاه و حکمران خراسان .
 - ۲ - قائم مقام = میرزا ابوالقاسم وزیر دانشمند محمد شاه .
 - ۳ - حسنعلی میرزا شجاع السلطنه والی کرمان فرزند فتحعلیشاه از مدعیان سلطنت .
 - ۴ - حسینعلی میرزا فرمانفرما والی فارس فرزند فتحعلیشاه از مدعیان سلطنت .
 - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - از سران معلی طرفدار سلطنت محمدشاه که زیر نظر قهرمان میرزا در هنگامیکه شجاع السلطنه رهسپار اصفهان شده بود برخداو متحد شدند و شجاع السلطنه و فرمانفرما در شیراز از برابر منوچهرخان معتمدالدوله و فیروز میرزا، شکست خورده دستگیر و روانه طهران شدند .
 - ۹ - کتاب بیستم اسناد وزارت امور خارجه .

سند دهم

نامه محمد مزینانی (۱) به قائم مقام

درباره خراسان

خداوند کارا بندگان پناها در این اوان که معسکر ظفر بنیان در خراسان باعث امیدواری دولتخواهان و جان نثاران گردید و بقدر قوه و استعداد در خدمتگذاری کوشید و خاطر جمعی تمام بحصول انجامید لازم آمد که مجملی از مفصل اوضاع را از روی صداقت عریضه نگاری نماید این است که خوانین مفسد خراسان و ناپاکان بی ایمان چون اوضاع خود را پریشان دیده و از مخالفت بهره ندیدند حال که دولت را قائم و دائم ملاحظه کردند راهی بجهت خیانت خود نجستند از قرار ظاهر حرفشان این است که از ابتدا مخالفتی نداشتیم مگر آنکه بمقرب الخاقان محمد رضاخان (۲) راه نمی بردیم و با او رفتار نمی کنیم، ظاهر آدرین خصوص عرضی هم بسرکار بندگان خدایگان اعظم دام اقباله العالی میشده از اینکه مقرب الخاقان خداوندگار مهربان محمد رضا خان کسی است که بدام فریب نمی افتد و حيله و تزویر برنمیدارد و میخواهند این ناپاکان بعد از روسیاهی و حال تباهی این حرف را مستمسک خود نمایند، هر چند وجود مخلص فابل این گونه عرایض نیست و خود را در عرصه این نمیدانم که چنین عرضی را ابراز نمایم لکن جسارت و بی ادبی را برخود پسندیدم و این سخن را نتوانستم در دل نگهدارم که این اشخاص کسانی هستند که بهمچنین حيله ها تاحال امر خود را پیشرفت داده و راه رفته اند اما از انتقام این دولت خبر ندارند که افسون بردار نیست و خائن را نمی پروراند یقین است که عقل قاصر این فدوی بجز

شمشیر آبدار بجهت مخالفین شقاوت آثار بجائی دیگر نمی کشد، خاطر الطاف ذخایر سرکار بندگان سپهر مکان خدایگانی دام اقباله العالی که عقل کل هستند دربارهٔ مفسدین صدهزار بار از این بالاتر است .

دیگراینکه مزینان (۳) درین عبور جنود ظفر نشان از حیث معدومیت جنس قدری دست تنگ آمد . فریومد و فیروز آباد که دو فرسخی عباس آباد است و در سه فرسخی مهنان اتفاق افتاده و جنس خود را به کسی نداده اند، متوقع چنانم که در اینخصوص حکمی صادر که در همه اوقات خرج مترددین منزل عباس آباد را ایشان از بابت جنس دیوان متحمل باشند که این اهالی و فقرای مزینان قدری رفاهیت دیده و مراعاتی بجهت ایشان حاصل شده بتوانند از عهدهٔ دیوان اعلیٰ برابند و در کمال آسوده خاطری به امر خدمتگذاری و جان نثاری دولت ابد بنیان مشغول باشند، چون لازم بود بی ادبی نمود متوقع چنان است که بصدور رقیمه جات التفات آیات فدوی را مفتخر که باعث سربلندی و مباهات خواهد بود .

باقی امر کم مطایع (۴) . (۱۲۵۰)

-
- ۱ - محمد مزینانی از متنفذان خراسان .
 - ۲ - محمد رضا خان فراهانی وزیر و پیشکار خراسان .
 - ۳ - مزینان = بخش میان شاهرود و سبزوار .
 - ۴ - کتاب ۳۰ اسناد وزارت امور خارجه .

سند یازدهم
نامه دونفر از سران گیلان به قائم مقام (۱)
درباره کار رشت

خداوندگارا ولی النعماء تعلیقه آفتاب طلعه که به افتخار این چاکران
جان نثار مصدر فرموده اند به استصحاب صاحبان کرام آقا لرخان و محمد
اسمعیل خان (۲) شرف نزول بخشید و پرتو صدور افکند ، از آنجائی که از
الطاف بی پایان آن خداوندگار بفرمان قضا جریان پادشاهی روحنا و روح
العالمین فداء این فدوی چاکران جان نثاران را مورد التفات و مباهات
بلا نهاییات فرموده اشهد بالله که از عهده شکرگذاری چنین نعمت عظمی عاجز
و قاصریم زیرا خدمتی که درخور این مرحمت باشد از چاکران بظهور نرسیده ،
بدیهی است که اینگونه بنده پروری ها از مراحم بی کران آن خداوندگار است ،
که خواجه خود روش بنده پروری داند .

چون فرمایشات و احکامی که نسبت باین چاکران به سرکار صاحب
مکرم آقا لرخان شده بود ، پس از ابلاغ و اطلاع از آن حسب الامر
جهانمطاع بخدمات محوله قیام و اقدام و در بلدة رشت از قرار دستورالعمل
مترصد و متقبل گشته است که لازمه جانفشانی و اهتمام تمام در انجام آن
بعمل آوریم .

چون لازم بود که حقیقت مراتب معروض حضور مهر ظهور گردد بوسیله

هریضه معروض و جلوه گر نظر مرحمت اثر مبارك گردید ، مترصد است که پیوسته این چاکران را به ارجاع خدمات و فرمایشات بین الاماثل مفتخر فرمائید (۱۲۵۰) . امرکم العالی مطاع مطاع .

پشت کاغذ - مهر عبده الراجی مصطفی - المتوکل علی الله عبدالله . (۲)

۱ - قائم مقام در آغاز پادشاهی محمدشاه بیشتر سرجنابان و فرمانگذاران شهرستانها را بوسیله نفوذ شخصی با کسب داشتن فرستادگان ویژه و نوشتن نامه های مؤثر به فرمانبرداری وادار نمود .

۲ - آقاالرخان و محمد اسمعیل خان = دونفر از فرستادگان ویژه قائم مقام که از طرف او به بیشتر شهرها برای رساندن تعلیمات و دستورهای او فرستاده می شدند .

۳ - کتاب ۳۰ - اسناد وزارت امور خارجه .

توضیح - از دونفر نویسنده نامه جز آنکه از متنفذان و فرمانگذاران کیلان بوده اند شناسائی بیشتر در دست نداریم .

سند دوازدهم

نامه مکینیل وزیرمختار انگلیس به وزیرلشکر (۱)

درباره جنگ هرات

در اردو ۲۵ - آپریل ۱۸۳۸ (۱۲۵۳ق)

دوست عزیز من از قراریکه شنیده‌ام جواب مراسله که به وزیر نوشته بودم حاضر است و از سمت سنگر اظهار شده که حاضر است بنابراین «میجرتاد» را فرستادم و شکر گذار شما خواهم بود که نوشته مزبور را تسلیم ایشان کنید ، من نمی‌خواهم درمیانه سنگر افغان و ایران گفتگوی زبانی با همدیگر بکنید . مبادا بعد از این چیزی واقع شود که بدخواهان سعی کنند که شاه باین صرافت افتد که بواسطه گفتگو که درمیانه شما و «میجرتاد» روی داده میباشند من دوست صدیق شما هستم .

شاه غدعن کرده‌اند که از سمت سنگر فتحی محمد خان مراوده و آمد رفت نباشد . تنها جائی که مرخص می‌کنند در میانه در. از قندهار و برج خاکستر است که بعالیجاه ولیخان (۲) سپرده است .

از وزیر (۳) خواسته شود که درباب امیریک که یکی از چاهاران ما بود و در منزل شوراب راه خاف او را گرفته‌اند استفساری کنند گمان می‌رود که او را به هرات برده‌اند . (۴)

۱ - وزیرلشکر = میرزا آقاخان نوری که درموبک محمدشاه بوده است .

۲ - ولیخان تنکابنی که درجنگ هرات کشته شد .

۳ - وزیر = حاجی میرزا آقاسی .

۴ - کتاب ۲۴ اسناد خطی وزارت امور خارجه .

سند سیزدهم
گزارش مهندسی روسی (۱) به محمد شاه
در باره شهر بندان هرات

قربان خاکپای مینارکت شوم - فوج کزازیرا از قبله عالم روحانفاده خواستم بجهت محافظت باستیان و سیصد نفر بودند محافظت میکردند . بجهت بعضی امورات يك فوج تمام خواستم که راه به خندق ببرند ، فوج حوی را مأمور فرمودند ، حال محبعلی خان سرتیب (۲) میگوید بمن رجوعی ندارد که راه به خندق ببرم ، منظور این فدوی این است که سه راه بخندق برده شود يك راه نبی خان سرتیب (۳) می برد یکی هم علیمرادخان (۴) راه دیگر را محبعلی خان باید برد ، اختیار با قبله عالم روحانفاده است ، جهت سه نقب بردن این است ، افغانه هرگاه یکی از این سه نقب را آتش بزنند نقب دیگر به لب خندق رسیده باشد ، استدعای این جان نثار این است که درین باب حکم صریح صادر شود که محبعلی خان از بردن نقب ابا دارد چون واجب بود عرض شد -

الامر الاشرف الاعلی مطاع مطاع - پشت کاغذ مهر - سمنو . (۵)

۱ - سمنو ، = موسی سیمنوف = مهندس روسی - در سپاه محمد شاه هنگام جنگ هرات نام چند افسر روسی را می بینیم که یکی از آنان همین « سمنو » و دیگری « ژنرال پروسکی » بوده است .

۲ - ۳ - ۴ - از فرماندهان سپاه ایران در جنگ هرات (نبی خان فرمانده افواج قراگوزلو).

۵ - از استاد خطی وزارت امور خارجه .

سند چهاردهم

گزارش افسران اردو به محمد شاه

درباره شهر بندان هرات

بتاریخ بوم یکشنبه چهارم شهر صفر المظفر (۱) مطابق سال فیروزی
مال ایت تیل قلمی و مرقوم می شود که از اهل شهر خبر آورده اند که بزیر
سنگرهای توپ نقب می آورند باید امیر و سرتیپ هر سنگر پیش توپ را چاه
بکند و خندق بسازد که نقب آنها عیب بکند، بمجرد رسیدن حکم باید نصف شب
هم باشد خندق پیش روی سنگر نوپهارا بکنند و عموم سرتیپان و صاحبمصبان
توپخانه مبارکه که در سرتوپها می باشند همین حکم را مهر کنند که اطمینان و
خاطر جمعی حاصل شود و در سنگر توپها معروض شد که سرتیپها و سرهنگان
قراول نمیگذارند، من بعد بخلاف ماضی باید قراول مضبوطی در سرتوپها
گذارند. فی شهر صفر ۱۲۵۳ - دستور بخط محمد شاه «جناب حاجی (۲) بنویسد
همینطور عمل کنند» پشت کاغذ مهر - حاجی - محبعلی - عباسقلی - اسکندر -
رستم - و چند مهر دیگر. (۳) (۴)

-
- ۱ - سال ۱۲۵۳ ق - حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم .
۳ - حاجی خان سرتیپ - محبعلی خان - عباسقلی خان - اسکندر خان - رستم خان
سرتیپ از فرماندهان سپاه ایران در جنگ هرات ، حاجی خان قراول امیر بهادر جنگ
از فرماندهان طراز اول ارتش ایران در جنگ هرات .
۴ - از اسناد خطی وزارت امور خارجه کتاب ۲۴ .

سند پانزدهم

پیشنادهای فرمانفرمای فارس (۱) به محمدشاه درباره اوضاع فارس

(۱) من از جانم متعهد می شوم که به اندك تقویتی سندر بگیرم و بحرین (۲) را تصرف نمایم و بصره را عوض خسارت محمره (۳) ضبط نمایم از تصدق فرق مبارك پادشاهی روحنا فداه این خدمات آسان است اگر اسباب و اخراجات مرحمت شود. نوشته محمدشاه « نوشتم که بعد از اطمینان از انگلیس به بحرین برود »

(۲) اگر ما اهمال نمائیم انگلیس (۴) و فرانسه در کمین هستند و اینها را تصرف می نمایند تأسف برای ما خواهد ماند بالجمله باید در نظم این سرحدات کوشید و امام مسقط را این روزها برای مصلحت دولت تقویت میکنم اگر هم مثل دیگران رشوه میگیرم هرگز راضی نمی شدم و این حرف را نمیزدم. نوشته محمد شاه « فرانسه یعنی کجا را میگیرد » (۴)

(۳) در باب جزیره خارك اوایل که انگلیس آمد هروقت به بالیوز (۵) اظهار شد گفت برای تغییر آب و هوا است حالا میگوید هروقت وزیر مختار (۶) بنویسد من آنها را بیرون میکنم ، اما مصالح بنائی می آورند و قلعه می سازند حالا باید چاره کرد بعد از این دشوار می شود ، اهل فارس همیشه با انگلیس باطناً راه دارند . دو فوج خوب ضرور است در آنجا باشد . خط محمد شاه « از خاك ما هرگز آجر و مصالح و غله ندهید . »

(۴) البته در باب خارك با ایلچی حرف بزنید اگر بخوشی و خوبی

نگذشت قدری قشون با بیست هزار تومان کرایه کشتی بدهید بنده این تعهدات را میکنم و انشاء الله از پیش می برم و هر طور است آنها را بیرون میکنم. خط محمد شاه و ایلچی اینجا نیست .

(۵) پارسال چند فروند کشتی می فروختند هر چه نوشتم اذن ندادند حالا کشتی هست، هفت هزار تومان می فروشند چه میفرمایند؟ (بند و سرحدات اسباب لازم دارد باید پول مصرف کرد و قشون آماده نمود تا طمع نکنند، نوشته محمد شاه و جناب حاجی (۷) هر طور صلاح میدانید بنویسید کشتی خریدن هم بعد از اطمینان از انگلیس خوب است و الا ما بخریم آنها ضبط کنند چه فایده دارد؟) (۸) شعبان ۱۲۵۶

۱ - فریدون میرزا (برادر محمد شاه) از ۱۲۵۲ تا ۱۲۵۵ ق والی فارس بوده است ، خلاصه پیشنهاد های فریدون میرزا بوسیله حاجی میرزا آقاسی تهیه شده و بنظر محمد شاه رسیده است .

۲ - درین هنگام عیسی ابن طریف رئیس قبیله عتوب در بحرین تسلط داشته وادمیرال هیل انگلیسی از او حمایت و نگهبانی میکرده است و شیخ محمد حسن مجتهد بحرینی فریدون میرزا را بتصرف بحرین دعوت می نموده است .

۳ - اشاره به تجاوز علی رضا پاشا والی بغداد به خرمشهر در سال ۱۲۵۳ ق .

۴ - در متن گزارش بجای « انگلیس » « انگریز » نوشته شده است .

۵ - نماینده سیاسی انگلیس در بوشهر ظاهراً همان ادمیرال هیل بوده اسب (نیروی انگلیس در جریان حمله محمد شاه به هرات در خارك پیاده شد .)

۶ - وزیر مختار - ماکنیل وزیر مختار انگلیس .

۷ - حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم .

۸ - کتاب ۲۴ - اسناد خطی وزارت امور خارجه .

سند شانزدهم

نامه حاجی میرزا آقاسی به محمّدشاه

در شکایت از شغل صدارت

قربان خاکپای آسمان سای همایونت کردم فاش میگویم و از گفته خود دلشادم - برده عشقم و از هر دو جهان آزادم . يك هزار تومان را عالیجاه معیر الممالك نمیدهد ، به سهرابخان میفرمایند به حاجی بگو بیاورد تنبیه کند ، او هم میان مردم میگوید پادشاه را نمی شناسم ، او را تنبیه میکنم که چنین حرف نامربوط نگوید ، سرکار پادشاه روحنا فداه به لفظ مبارك سلطنت به برده ملای عاجز پیر شکسته که مدتها است از دنیا و مافیها گذشته مرحمت فرمایند ، بدهن هفتاد پشت من زیاد است که کدخدای يك ده باشم تا بحکومت چه رسد ، تنبیه و سیاست کار سلطان است و برده ملای نادان نمی توانم از حد خود تجاوز کنم و قابلیت آن را هم ندارم که کوچکی بکنم تا به بزرگی چه رسد ، خواهند فرمود بיעرضه و بیکاره هستی ، بلی چنین است اگر بיעرضه و بیکاره نبودم ملائی و درویشی خودم که هیچ مرارت نداشت چه عیب داشت که هر روزه هزارها ناملایم از ابلچی روس بشنوم و متحمل شوم ، باری از راه صدق درویشی و فائی بآن آستان کردم و خود را داخل زمره هرزگان نمودم ، آبرورفت ، جان رفت ، مال هم ندارم که برود قرض بسیاری و پریشان روزگاری .

این مرد ایستاده است که مابین دولتین را بهم بزند (۱) نمیدانم با آقایش عداوت دارد یا نادان است ، امروز باز میآید بحضور تاجه گوید و چه بشنود (؟) دیروز از ظهر تا عصر تنگ برده را معطل کرد همینقدر یافتیم که غرضش برهم زنی است ، بسیار آدم دیوانه لجوج بیعقل است صاحب منصبان خودش هم تنگ آمده اند مستحضر باشند که باز چه خواهد گفت .

زیاده جسارت ندارم (۱۲۵۹) . الامر الاشرف مطاع .

سند هفدهم

نامه حاجی میرزا آقاسی به محمد شاه

درباره وزیر مختار روس

هو - قربان خاکپای آسمان آسای همایونت کردم در حضور باهرالنور عرضه داشتم که جناب جلالتآب وریر مختار جدید (۱) پاره [ئی] تعرضها و پیغامات و تهدیدات درباره دولت خودشان به غلام خاکسار گفت و رساند و من در جواب گفتم که من از این کارها بری هستم و از آبرو و دین خود بر حذر می باشم متعهد دخالت در این کارها نمی توانم شد و تهدیدات هم بمن فایده ندارد ، من از اعلیحضرت ظل اللهی روحنا فداه در اعانت و اهانت کسی مأذون نیستم ، جزئیات و کلیات باید بخاکپای مبارک عرض شود .

گفت : تو صدراعظم ایرانی. من گفتم: ملائی هستم فقیر و رعیت می باشم نه نوکر ، نه منصبی دارم و نه دخیل کار که سر خود کاری متقبل شوم ، از حضرت ولیعهد روحی فداه هم اندیشه دارم که از من برنجد . باری ، گفت و شنود از حد گذشت و سخن بطول انجامید ، چنین میدانم که با این مرد به کنار نتوانم پیام و فیما بین نقاری حاصل شود ، فکر کردم که این کاغذ دولتی را زود به او برسانم ، حرف دیگر بمیان نیامد . و شکوه و گله بروز نکرد تا معلوم شود که در جواب چه خواهد گفت ، بعالیجاه مقرب الخاقان مخدومی کفیل مهام دول خارجه (۲) زحمت دادم که آن کاغذ را به اسم جناب وزیر مختار جدید تجدد نماید . فرستادم بنظر اقدس همایونی روحنا فداه یرسد اگر مقبول است مهر کرده بفرستم - زیاده جسارت ندارم . امرالاشرف مطاع .

نوشته محمدشاه : جناب حاجی دیگر به از این کاغذ که به ایلچی نوشته اید نمی شود ، خدا گوش شنوا بدهد و زوری که حرف حسابی را ایشان مجری بکند آمین (۱۲۵۹ ق) . (۳)

۱ - وزیر مختار جدید = دالغورکی وزیر مختار روسیه تزاری ،
۲ - میرزا ابوالحسن خان .
۳ - از اسناد وزارت امور خارجه .

سند هجدهم

نامه حاجی میرزا آقاسی به محمد شاه

درباره اختلاف با عثمانی و روس

قربان خاکپای آسمان سای همایونت گردهم عالیجاه غراف صاحب (۱)
برای ابلاغ اخبار دولت روم (که عارف پاشا (۲) برای عذرخواهی از دولت
مأمور است که به ارزنة الروم آمده از عالیجاه میرزا نقی خان (۳) عذرخواهی
نماید و فوجی از «سیواس» مأمور شده که ارزنة الروم آمده مستحفظ باشد
و از این قبیل گفتگوها) آمده بود ، بعد از ابلاغ گفتم فی الحقیقه دخیل امور
دولتی نمی شوم و کسی را بمن حرف حسابی نیست ملائی هستم میروم پی ملائی
خود آنچه خواستم نشد .

اولاً حرکات دولت روم در محرمه و کربلای معلی (۴) علی ساکنها
الصلوة والسلام و کردستان و آذربایجان و عدم رد عشایر و ایلات و قتل و نهب
و اسروسلوکهایی که با ایرانی می کنند، عاقبت بعد از توسط دولتن بهتین و
پذیرفتن تکالیف شاقه ایشان امر منجر بمهمانکشی شد و اهل سفارت ایران را
در ارزنة الروم جمعیت غیر متناهی با تفضیح بقتل رساندند (۵) و این عار
تا دامن قیامت ماند ، انتظار دارم که هر قسم سلوك در مهمانکشی آنها رفتار
می کنند دستور العمل ایرانیان با اهالی سفارت سایر دولت ها باشد ، بسیار از
این نقل مضطرب گشت .

ثانیاً حرکت دولت روسیه که با زور یا رضا عهدی درتر کمانچای بستند الان يك فقره از آن باقی نیست همه را برهم زدند هرچه از اینطرف باا علیحضرت امپراطور و جنابان «پرنس دراتسوف» و «غراف نسلرود» و وزرای مختار نوشته شد یکی را نپذیرفتند با اینکه همه موافق عهدنامه بود تا کار بجائی رسید که چاپار را از رفتن تفلیس مانع آمدند ، ردالت زیادتر از این نمی شود هرچه خودشان خواستند همه را با اینکه خلاف عهدنامه بود مجری داشتند تا کار بجائی رسید که با زور به استرآباد آمدند و با ترکمان مخالطه کردند و قنصل گذاشتند حالا بی اذن و اجازه کشتی بمرداب آمده گیلان را برهم زده اند .

این امر از پیش مطلقاً نمی رود من میان مردم بدنام می شوم بهتر این است که تا کار بر ملا نشده و امر واضح نگشته خود را بر کنار بکشم که این نقل بجای بد خواهد رسید، من شريك فسادنشوم .

قدری دست و پا زد و قسم ها خورد که مقصود اعلیحضرت امپراطور بغیر از دوستی و اتحاد با پادشاه دین پناه روحنا فداه نیست .

گفتم نشانهای بسیار بد و علامت های بسیار غلیظ می بینم من عاقلم خود را بورطه نمی اندازم که بعد از من بگویند که نفهمیده کاری کرد و برای دولت ایران ضرر شد . گفتم جناب وزیر مختار هم بسیار کتره می نویسد وزرای سابق هم نوشتند بجهة مهمان بودن متحمل شدم والا انسان متحمل این کتره ها نمی شود . باری اینطرف و آن طرف دست و پائی زد بجائی نرسید و رفت ، بجهة استحضار قبله عالم و عالمیان روحنا فداه عرضه داشتم که هنگام آمدن وزیر

مختار استحضار داشته باشند و فرمایش به استحضار شود. زیاده جسارت، ندارم.
امر الاشرف مطاع.

-
- ۱ - غراف صاحب = کاردار سفارت روسیه .
 - ۲ - عارف پاشا = از درباریان بلند پایه سلطان عبدالحمید .
 - ۳ - میرزا تقی خان = امیر نظام = امیر کبیر در ۱۲۶۱ - از طرف حاجی میرزا آقاسی مأمور رفع اختلافات مرزی ایران و عثمانی شد و با تشریفات شکوهمند به ارز روم رفت .
 - ۴ - در سال ۱۲۶۰ و ۱۲۶۱ بتحریک نجیب پاشا والی بغداد، خرمشهر مورد حمله قرار گرفت و خساراتی از خرابی و غارت و اسارت افراد بر آن شهر وارد شد و در کربلا نیز سپاه نجیب پاشا بیرحمانه نسبت به ایرانیان فجایمی انجام دادند و گروه بسیاری را کشتند .
 - ۵ - بدستاویز اینکه در محل سفارت ایران يك پسر بچه ترك مورد تجاوز قرار گرفته، اهالی ارز روم شورش کردند و گروهی از همراهان امیر نظام زخمی و کشته شدند و عمارت محل سکونت او ویران گردید و اثاث آن به غارت رفت، فریق بهری پاشا فرمانده پادگان سیواس (نزدیک ارز روم) به ارز روم آمده امیر نظام و یارانش را چند روز بیادگان برد و هم او بجای اسعد پاشا حاکم ارز روم شد و دولت عثمانی پانزده هزار تومان غرامت اثاث غارت شده را به امیر نظام داد .

سند نوزدهم

نامه دیگر از حاجی میرزا آقاسی

درباره عهدنامه ایران و عثمانی

قربان خاکپای آسمانهای همایونت گردهم ازبس که جنابان جلالت مآبان وزرای مختار دولتین سنیتین مرا عاجز کردند با این قسم رفتار برده کمترین درکمال شدت و خفت و ابتذال و دیوئی راه میروم ، صبح زود عالیجاه میرزا حسینقلی (۱) آمد که کلمه « الفاظ » را بردارد و بجایش « عبارات » بنویسد ، باینطور که ، بدون تغییر معانی و عبارات ، کمترین برده هم قبول کرده کاغذ را مهر کرده دادم و سوادش را برداشتم ، حالا عالیجاهان دوستان مهربان غراف صاحب روسیه و مستر کلن صاحب انگلیس با کاغذی که سراپا تهدید و تشدد بود و بنظر مبارک همایون میرسد وارد شدند ، من گفتم بعد از اینکه اختیار به دست عالیجاه میرزا تقی خان خواهد افتاد هر چه کاغذ من داده ام رد نمایند و شما هم دستور العمل بدهید ، عالیجاه میرزا تقی خان بنویسد و مبادله کند (۲) ، بعد از این منتظر امضای اولیای دولت روم و امنای دولت ایران باشند ، برده نه وزیرم نه وکیل باین قسم امور دخیل نمی شوم ، (۳) برای استحضار حضرت همایون ظل الهی روحانفاده عرضه داشت . زیاده جسارت ندارم (۱۲۶۲) - الامر الاشرف الاقدس مطاع .

۱ - میرزا حسینقلی == منشی یکی از دو سفارت روس با انگلیس که واسطه عقد قرارداد مرزی بین ایران و عثمانی بودند .

۲ - قرارداد مرزی ایران و عثمانی در جمادی الثانی ۱۲۶۳ ق امضا شد و میرزا تقی خان در آن قرارداد مرتکب اشتباهاتی شد که قریب یکصد سال موجب بروز اختلافاتی بین ایران و عثمانی میگردید .

۳ - یکی از سیاست بازیهای حاجی میرزا آقاسی همین بوده است که در مواقع مفتضی خود را بدون اختیار و يك ملای فقیر معرفی میکرده است .

سند بیستم

نامه دیگر از حاجی میرزا آقاسی به محمدشاه

درباره عهدنامه ایران و عثمانی

قربان خاکپای آسمان آسای همایونت گردهم ایزد تعالی روز بروز بر عمر و دولت روز افزون بسیار بسیار افزون گرداناد ، مژده فتح و فیروزی عساکر منصوره الحمدلله تعالی رسید (۱) دشمنان مقهور گردیدند و عساکر منصور آمد ، دعای بسیار هنگام افطار کردم و اهاب بی منت بر شکستگی و عجز این درویش فقیر عطاها فرمود ، بشکرانه این موهبت عظمی زیارت آستانه مقدسه لازم است و نظم خراسان واجب ، جناب وزیر مختار دولت بهیه روسیه (۲) امروز آمده بود و کاغذی از جناب جلالت مآب غراف نسلرود داشت (۳) اعلیحضرت امپراطور اعظم بسیار رضامندی از مصالحه روم فرموده بودند (۴) خودش هم اظهار کرد هر خدمتی باشد اعلیحضرت ظل الهی روحنا فداه مقرر دارند . چند دانه هلو از باغ آورده بودند ایفاد حضور همایون شد .

زباده جسارت ندارم (۱۲۶۳) . الامر الاشرف مطاع .

۱ - پیروزی در نواحی خراسان بوده است .

۲ - وزیر مختار روسیه = دالغوروکی .

۳ - غراف نسلرود = وزیر خارجه روسیه . ۴ = قرارداد مرزی ایران و عثمانی

که در ج ۲ - ۱۲۶۳ ق بین امیرنظام و سعدالله افندی بسته شد .

سند بیست و یکم

نامه‌امیرنظام به نمایندگان روس و انگلیس

در باره یورش مردم ارزروم به سفارت ایران

عالیجاها بلند جایگاهها فطانت و درایت همراهها مکرم دوستانا مهربانا روزیکشنبه ۲۴ شهر رجب چنانکه خود شنیدید و معاینه بچشم دیدید بل کونسولهای مقیم این شهر و سایر مسافرین و غرباء که در این شهر بودند همه دیدند و شنیدند که بدون نیم ساعت خبرداری سابق دوستدار بی‌جهت و سبب و بدون دست‌آویزی حسابی از راه لجاج و محض افضاح دوستدار مسلح و مکمل پنج‌شش هزار نفر غفلتاً با شمشیر و تفنگ و طپانچه برسر منزل دوستدار ریختند و خانه‌را از بام و در خراب کردند و از هر طرف آتش زدند و پنج شش ساعت متوالی هجوم آوردند با تفنگ و اسلحه برسر دوستدار و آدم‌هایم ریختند و ناتوانستند از سعی در قتل کشتن دوستدار و آدم‌هایم و یغما کردن مال کوتاهی نکردند و یک نفر نویسنده دوستدار میرزا حسن نام‌را در خارج آن‌خانه بدست آورده پارچه پارچه کردند و یکنفر احمد نام دیگر را در همانجا کشیده و پیش روی پاشایان نظام پارچه پارچه کردند و چند نفر دیگر که همه حاضرند زخم‌دار کردند و آنچه هم از نقد و جنس و اسباب و اشیاء بدست آمد بردند بخود هم پیش از رسیدن پاشایان نظام و بعد از آن در حضور آنها از انداختن گلوله و زدن سنگ و شمشیر کوتاهی نکردند بالاخره بعد از چند ساعت اینگونه گیر و دار که این آشوب جزئی تشکیل یافت شما خود بآنجا آمده و جمیع اوضاع زخم‌دارها و کشته‌ها و خانه خراب و آتش زده و یغمای اموال و اشیاء را مفصلاً دیدند که حاجت بتفصیل نیست ، بعد از آن بصوابدید شما قرار شد که دوستدار و آدم‌هایم آمده

در چادر عالیجاه بهری پاشای فریق يك دو روزی نتسته تا چنانکه شایسته شأن مأموریت دولت ابد مدت علیه ایران است باهم که لازم باشد قرار اجرای تنبیه و سیاست مرتکبین این تقصیر غظیم و رد اموال منهبه را بدهید و قرار امنیت وامکان اقامت بعدراهم بگذارید ، تا امروز که روز سوم است نه یکفر مقصر گرفته شده و نه قراری معلوم شده نه کسی سیاست شده و نه امنیتی از برای دوستدار حاصل است و نه آرامی هست ، چون انعقاد این مجلس ارزنة الروم و اقامت دوستدار در این ولایت معلوم است با امر اولیای دولت ابد مدت علیه ایران و صوابدید دو دولت بزرگ واسطه است و شما هم که دو مأمور متوسط هستید برای انجام این مطلب در اینجا توقف دارید درینصورت دوستدار را میرسد که بهرجهت از شما قرار اجرای تنبیه و سیاست و قرار امنیت آتیه در این شهر را بخواهم تا مراتب را بعرض اولیای دولت متبوعه خود برسانم لهذا شما اظهار میکنم و خواهش دارم که تا پس فردا که روز پنجم این مقدمه است از آخرین قرار و جواب شما مستحضر شوم ۲۶ رجب ۱۲۶۲ . (۲)

۱ - میرزا تقیخان امیرنظام (امیرکبیر) در ۱۲۶۱ ق بعنوان سفیر فوق العاده ایران به ارزروم رفت تا با میانجیگری نمایندگان روس و انگلیس عهدنامه دیگری درباره رفع اختلافات مرزی ایران و عثمانی تنظیم کند و موارد ابهام عهدنامه ۱۲۳۸ را برطرف سازد، مأموریت او بسیار طولانی شد و در رجب ۱۲۶۲ در اثر نادانی یکی از مأمورین ایران و بعضی تحریکات سیاسی مردم ارزروم شورش کرده به محل سفارت ایران حمله بردند ، امیرکبیر در نامه فوق (که رونوشت آن را بوزارت خارجه فرستاده است) شرح آن حمله را نوشته است . امیر کبیر سرانجام در ۱۲۶۳ موفق به تنظیم عهدنامه ارزروم گردید ولی عهدنامه بعلت ابهام و بی دقتی رافع اختلافات نشد (کتابچه رساله سرحدیه از میرزا جعفرخان مشیرالدوله و کتاب مرزهای نا آرام از ابراهیم صفائی دیده شود) .

۲۲ - کتاب ۵۶ - اسناد وزارت امورخارجه .

سند بیست و دوم
گزارش میرزا آقاخان نوری به ناصرالدین شاه
درباره شکست خان خیوه

قربان خاکپای اقدس همایونت شوم انشاءالله، نزدیک است عرض کنم دیگر آرزویی ندارم، پربروز بجهة گرفتن توپ خان خوارزم عرض کردم در سلام نفرمائید با اینکه درعهد پادشاهان دیگر داخل فتحهای نمایان بود لکن این بنده شاهنشاه روحی فداه لایق شأن ولینعمت خود نمیدانم .

دیروز خان خیوه (۱) نامه بشاهنشاه نوشته بود خطاب برادر کرده بود ، تا صبح از خجالت مردم و بحضور نفرستادم ، الحمدلله سر او با نامه به آستان مبارك آمد حالا میتوان عرض کرد درپیری خدمت کردم لایق مرحمت هستم ، اگر هیچ نکردم بختم در نوکری با این بخت پایدار مساعدت کرد ، الحمدلله خدمات بزرگ کردم ، همیشه مستحق مرحمت بودم لکن این دخیلی بآن خدمات بندرعباس (۲) و توپ خان خیوه (۳) ندارد .

به چاپار خلعت مرحمت شود تا نوبه التفات این چاکر هرچه بخواهم باید مرحمت شود . (۴) امر اقدس اعلی مطاع ۱۲۷۱ . (۵)

۱ - محمدامین خان - سلطان خیوه (خیوق) و خوارزم با ایران درگیری داشت زیرا ایران قبل از تصرف شهرهای ترکستان از طرف روسیه تزاری برای خود در آن شهرها حق مالکیت قائل بود . خان خیوه هم که گاهی بمرزهای خراسان تجاوز میکرد،

در ۱۲۷۱ در جنگ با سپاه ایران کشته شد و سر او و جمعی از سردارانش را به طهران آوردند و ضمن يك مراسم رسمی که برای آن پیروزی برپای شد شمس الشعراء سرش اصفهانی چکمه‌ئی خواند که چند بیت آغازش چنین است :

افسر خوارزمشه که سود بکیوان	با سرش آمد درین مبارک ایوان
بهر پذیرای جنگ لشکری آراست	پیش زبرگ درخت وریگ ییابان
کشتند او را و لشکرش بشکستند	لشگر شاهنشہ مظفر ایران

۲ - اشاره به حادثه بندرعباس که در ۱۲۷۰ چندماه سلطان مسقط بران بندرچیره شد و در همانسال سپاه ایران او را بیرون راند .

۳ - اشاره به جنگ ۱۲۷۰ میان سپاه ایران و سپاه خان خیوه که سپاه ایران چندتوپ به غنیمت گرفت .

۴ - میرزا آقاخان خدمات استانداری فارس و خراسان و فداکاری سپاهیان را درشمار خدمات خود محسوب داشته است !

۵ - کتاب ۴۷ اسناد خطی وزارت امور خارجه .



سند بیست و سوم
گزارش حسام السلطنه برای دبیرالملک
در باره فتح هرات

حضرت دبیرالملک (۱) وفقه الله تعالی - انشاءالله فتحنامه هرات را خوب جواب خواهیدنوشت و زحمت و مرارت های مرا بطور شایسته در فرمان همایون بیان خواهید کرد حالا وقت جولان قلم دبیر است .

وقت آن شد کای دبیر بی نظیر که توام دستی بجنبانی بخیر

فضل و عنایت خداوندی شامل حال من ضعیف شد و خدمت مرجوع را به اتمام رساندم تا شما آن همه تعهدات را که میکردید و وعده های زیاد را که می نوشتید کی بجای آورید (؟) اگر بگوئید که نمی توانم ، کیست که باور کند خدمت باین بزرگی را از ابتدای سلطنت قاجاریه اگر کسی کرده است بنده ثانی باشم والا به اندازه خدمتم باید مرحمت و التفات ببینم ، اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی روحانفاده و جناب مستطاب اشرف ارفع (۲) دام اقباله را شکر زیادی لازم است که نایب السلطنه مرحوم و شاه مرحوم با آن همه جمعیت در این خاک و قلعه چقدرها معطلی کشیدند و آخر امر دق کردند ، الحمدلله قلیل قشونی از دولت با پست ترین نوکری مأمور شد و در مدت قلیل هرات و توابع آنرا با ایلات و طوایف اطراف تصرف کرد ، خوب فکر کنید ببینید تاچه مرتبه شکر دارد ، شکرانه بازوی توانا آزادی صید بی گناه است که مرخصی خودم باشد و اذن شرفیابی والسلام ، باین سرکردگانی که مأمور این خدمت بودند بهمه التفات و مرحمت لازم است ، هیچکس را موضوع نمیکم هر کس در این اردو بخدا قسم که بقدر اندازه و طاقت و توان قبول زحمت کرد . مقرب الخاقان

قوام الدوله (۳) به اندازه خودش بیچاره شب و روز برای گذشتن این کاربخدا قسم که آرام نداشت ، ایلخانی (۴) جان و مال و عیال را در این راه گذاشت میرپنجه و سرتیپان و سرهنگان افواج دیوانی کلهم ، عراقی و آذربایجانی و خراسانی و هراتی همیشه در زحمت و مرارت بودند .

مسئوبه‌لر (۵) از این طور گذشتن کاره‌رات در چرت است که چرا بتدبیر او شهری مفتوح نشد اگرچه غایت مقصود او سرتیپی بود که قبل از افتتاح شهر بشرط افتتاح از من حکم و نشان سرتیپی گرفت او هم باندازه نقطه‌های خودش که می‌چید کاری کرد ، خلاصه خدمت بزرگی ساخته شد و بشکرانه این موهبت و مرحمت خداوندی شما از جانب من خدمت جناب مستطاب اشرف ارفع عرضه دارید که بهمه مرحمت والتفات بفرمایند از بابت پاشاخان هم چون آن احکام بعد از فتح هرات رسید دیگر ابراز مطلب را صلاح ندانستم حالا که کار گذشت باید از آن بیچاره هم گذشت نمود .

عجب بموقع خبر فتح هرات بشما میرسد . کشتی‌های حضرات بعد از استماع این خبر قطعاً بگل می‌نشینند و داغ این کار در دل اثر می‌کند الحمدلله الذی اعز جنده و نصر عبده و هزم الاحزاب . . . فتح و ظفر و نصرت و پیروزی و اقبال با عز خداوند قرین بودند ، امسال حالا اول کار این صفحات است فکر درستی بکنید من که شرط کرده‌ام اسمی از پول نبرم اگر بمیرم . مردم این صفحات بعد از فتح هرات کم کم می‌آیند چیزی هم نیست حساب پول سابق را هم قوام الدوله فرستاده است خواهید دید ده هزار تومان که قرار است به هراتی نوشته‌اند داده شود ، غله و تدارک چهارپنجه فوج ساخلو هرات از کجا خواهد رسید(؟) خودنان حساب جیره آنها را بقیمت هرات بکنید و پولش را بخودشان بفرستید من رجوع ندارم بمحض اینکه پول بدست من رسید خواهم خورد(۱) فکر باقی اخراجات

مردم هم باشید. در پشت کاغذ - افواجی که در اطراف شهر سنگر داشتند بعد از تصرف دروازه و بروج و ارك امروز که دوشنبه ۲۷ بود حکم فرستادم و سنگرها را خالی کرده به اردو آمدند در نهایت شکر و جلال و السلام .

(صفر ۱۲۷۳) - پشت کاغذ - مهر - حسام السلطنه . (۶)

- ۱ - میرزا محمد حسین دبیر الملك فراهانی وزیر رسائل و منشی مخصوص شاه .
- ۲ - میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری (صدر اعظم) .
- ۳ - میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان در ۱۲۷۷ زمان استانداری حمزه میرزا حشمةالدوله پس از اینکه سپاه ایران در سرخس از ترکمن‌های مرو شکست سختی دید با صورت بسیار خفت‌باری از کاربر کنار شد ولی این گزارش حسام السلطنه دلالت بر کاردانی و وطنخواهی او دارد و چنین می‌نماید که شکست در برابر ترکمن بیشتر در اثر ناشایستگی حمزه میرزا بوده است .
- ۴ - ایلخانی = سامخان زعفرانلو
- ۵ - بهلر - کارشناس اطریشی که باروت‌خانه سپاه خراسان در مشهد زیر نظر او بوده است .
- ۶ - کتاب ۱۱۵ - اسناد وزارت امور خارجه . توضیح = تاریخ فتح هرات بدست سرداران ایرانی ۲۵ صفر ۱۲۷۳ ق بوده و حسام السلطنه در غره ربیع الاول در مسجد بزرگ هرات بنام پادشاه ایران ناصرالدین شاه خطبه خواند و سکه‌های طلا در ضرابخانه هرات بنام شاهنشاه ایران ساخته و بین مردم توزیع گردید و تمام بزرگان هرات اطاعت ایران را پذیرفتند .

سند بیست و چهارم

گزارش حسام السلطنه به صدراعظم (۱)

درباره تصرف فراه (۲)

اگر خیال اولیای دولت تصرف قندهار و کابل است حالا که بحمدالله هرات مفتوح شد و از این عمل آسودگی دست داد اسباب آن صفحات هم در دست است هر که را باین خدمت مأمور خواهند فرمود بفرمایند، برادرزاده های امیر دوست محمد خان (۳) که اسباب کارند عمأً قریب شرفیاب آستان همایون می شوند از اینها کارهای خوب ساخته است، هزاره جئات پساکوه که قریب چهل پنجاه هزار خانوارند همه عریضه نوشته و همراه شاه الدوله خان فرستاده اند و منتظر رجوع خدمت هستند، اولاد کهن دل خان (۴) هم حاضرند همینکه خبر فتح هرات بآنها و به قندهار بیا رسید دور نیست مایه اغتشاش کار کابلی شده مفسده برپا کنند، احتمال میرود که خیرالله خان (۵) بعد از فتح هرات ارك فراه را تسلیم نماید، خیال دارم که فردا به خان ناظم که در جوین است بنویسم که برود به فراه و خیرالله خان را ببیند و ارك را تخلیه کرده و از قایمی ساخلو بگذارد و خیرالله خان را خاطر جمع کرده بساخود بیاورد انشاءالله و اگر مطمئن نشد و ارك را تخلیه نکرد محمد صدیق خان و محمد عمر خان را باید در شهر فراه نگاهداشت و بآنها تقویت کرد و بجان او انداخت . در باب حرکت و سکون در هرات در باب پیاده جوین بعد از فتح هرات در باب سرخس اینطور که فرمایش خواهید فرمود زود بفرمائید که بدانیم قرار ساخلو ارك و دروازه را اینطور خواهیم داد

که محمدرضاخان سرتیب با دو فوج جمعی خود در ارك باشد و حسنعلیخان سرتیب (۶) دروازه‌ها را آدم بگذارد و محافظت شهر را بکند و احدی را از اهل اردو بی بلیط بشهر راه ندهد، بعد از جایجا شدن سرباز در ارك و دروازه آنوقت خودم به ارك میروم و در تدارك ارك آنچه لازم است اهتمام میکنم که از هربابت نقصانی نداشته باشد، ایلخانی (۷) خالی از همه چیز درست خدمت کرد و خوب از عهده خدمت خود برآمد بخدا قسم زحمتی که او کشید در این اردو در قوه احدی نبود و خدمتی هم که او کرد هیچکس نکرد التفات درسی لازم دارد از لقب و نشان و همه چیز، امیر حسین خان برادرش را هم فرستاد که عرض خدمات و زحمات او را بکند و مژده هرات را هم از جانب ایلخانی او آورد انشاءالله مورد التفات خواهد شد. خالی از همه چیز حسنعلی خان سرتیب گروسی خوب خدمت کرد اگر چه در حقاو و محمدرضاخان (۸) هر چه بنویسم محتمل به غرض خوانم بود لکن به ارواح نایب السلطنه مرحوم (۹) که بی غرض می نویسم الان نشیمن افواج گروس در یکصد قدمی خندق بسته شده و خندق را تصاحب کرده است حیف که اولیای دولت علیه در اینجا تشریف ندارند که کار مردم را درست ببینند و كذلك محمدرضاخان، آنهم با دو فوج ناقص خود در کنار دروازه عراق اردو زد و شب و روز با شهری در جنگ و جدال بود، باقی سرکردگان هم خدمت کرده اند و سربازان زحمت و مشقت کتیده نکن کار این دو نفر زیاد بود و آدمشان کم، چون خودشان کارکن بودند بحمدالله و هنی حاصل نشد و خوب از عهده خدمت برآمدند اسکندر خان و یوسف خان هم دائم در زد و خورد بودند و بسیار خوب پاداری کردند، سرکردگان افواج و سواره همه علی قدر مراتب خدمت کرده اند، انشاءالله با چابار بعد تفصیل خدمت

آنهارا عرض و تقاضای التفات و مرحمتشان را میکنم و خست نفرمائید ، موجب عیال فرمانفرما (۱۰) را حالا که خدمت هرات بعمل آمد چون وعده داده اند باید سه هزار تومان بفرمایند که بقرار فصلی دو عشر دو هزار و چهار صد تومان بآنها برسد ، تمسک چهار هزار تومان را که بوعده این خدمت بنا بود پس بدهند و التفات بفرمایند انشاء الله خواهند گرفت التفات شود و نقلی نیست ، سلامتی وجود مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی روحنا فداء برای ما از همه چیز بهتر و برتر است چون تو دارم همه دارم ، دستور العمل افواج و سوار را توجه باید کرد زود بفرستید که تکلیف معلوم شود چا پاردولتی امروز که دوشنبه ۲۵ است رسید ، الحمد لله وقتی رسید که عیسی خان (۱۱) و سایرین در حضور بودند خجالت نکشیدم که بخوانم دانستم که قلم شما تندرسته حکایت مزح و حرف های مزخرف «مرجفون فی الاردو» اولیای دولت را خیلی پریشان کرده بخدا قسم اکثری دروغ نوشته اند و خیالات شما هم بیجاست چون کار گذشته است بهتر آن است که نخوانم و جواب عرض نکنم که مایه دلسردی از خدمت است .

پشت کاغذ - مهر حسام السلطنه (۱۱) ربیع الاول (۱۲۷۳) .

- ۱ - صدراعظم = میرزا آقاخان نوری .
 - ۲ - فراه = از شهرهای مرزی ایران و افغان در نزدیک هرات .
 - ۳ - ۴ - امیر دوست محمد خان و کهن دل خان در جنگ اول هرات (۱۲۵۲) سردار کابل و قندهار بودند . ۵ - خیر الله خان = سردار فراه . ۶ .. حسن علی خان = امیر نظام گروسی .
 - ۷ - ایلخانی = سامحان . ۸ - محمد رضا خان مرتیپ .
 - ۹ - نایب السلطنه = عباس میرزا . ۱۰ - حسین علی میرزا .
 - ۱۱ .. عیسی خان مرتیپ . ۱۲ - کتاب ۱۱۵ - اسناد وزارت امور خارجه .
- (توضیح - حسام السلطنه سردار نامی ایران که همه جا با فتح و پیروزی همراه بود پس از تسخیر هرات تصرف قندهار و کابل را در اندیشه داشت ولی صدراعظم نالایق و متکی به سیاست بیگانه در صدد عزل و برکناری او بود) .

سند بیست و پنجم
نامه فرخ خان امین الدوله به میرزا آقاخان
در باره مناسبات ایران با انگلیس و روس

خداوند گارا- «لرد کاولی» (۱) را دیدم فقرات لازمه را مفصل و مشروح بقدری که می توانستم باو گفتم و لازمه همراهی را از او خواستم ، در باب «استونس» (۲) از حالت اوچنان فهمیدم با کمال میلی که (بسبب حرفی که اول خود بمن زده) بمراجعت اودارد ولی بزودی عزل اورا مشکل میداند چون خود چنانکه سابق عرض کرده بودم کاغذ به وزیردول خارجه انگلیس خواهم نوشت به اوهم گفتم اوهم مصلحت دانست کاغذی نوشتم و چون اغلب کاغذهای فارسی را مترجمین انگلیس درست نمی توانند ترجمه بکنند یا اغلب نکات مطلب از میان میرود یا تغییر معنی میدهد و این فقره يك عیب بسیار بزرگی است که اغلب کاغذهای دولتی که در این مدت از وزارت خارجه و غیره که به آنها نوشته شده باعتقاد فدوی اصل مقصود اولیای دولت علیه کمترحالی آنها شده است و همچنین بعضی کاغذهای فدوی که بی ترجمه داده ام ، لابد میرزا ملکم خان ترجمه کرده کاغذ را با ترجمه فرانسه فرستادم که هم لرد کاولی ببیند و هم مطلب درست حالی آن ها بشود و فرستادم سواد کاغذ را که ملاحظه بفرمایند از تفصیل مطالبی که با لرد کلرندن» (۳) بمیان آورده ام استحضار حاصل خواهند فرمود و هر وقت جواب کاغذ برسد خواه درپا' یس یا اسلامبول تفصیل را بعرض عالی خواهم رسانید و یقین دارم خود لرد کاولی چه بسبب تقریرات

فدوی چه بسبب سفارش وزیر دول خارجه فرانسه لازمه همراهی را خواهند کرد، تصدیق نامه‌های مرحمتی هم مبادله شد مگر با دولت پروس که اشکالات بمیان آمده است سبب این است که همه دول جرمانی که جزو عهدنامه پروس بودند بسبب استقلال خودشان خواستند عهدنامه از خود بدهند و از دولت علیه عهدنامه سوا بگیرند، ایلچی دولت پروس هم اصرار زیاد داشت از جانب دولت خودش که ما ناچاریم در همراهی با آنها، فدوی میدانست اگر این فقره رجوع بدار الخلافه بشود خالی از زحمتی نخواهد بود، گفتم این کار مقدور نیست، دولت ایران محض میل قلبی که بدولت پروس داشت قبول کرد که با آنها هم عهد داشته باشد ولی بهر يك سوا سوا تصدیق نامه دادن گویا باین زودی مقدور نباشد، بالاخره پس از حرف زیاد طرفین و مکرر جوع کردن بدولت خودش از این قرار گذشت که فدوی اصل عهد نامه را بدولت پروس بدهم و ونوزده سواد که در صورت از خط و تذهیب و جلد مثل عهدنامه پروس باشد حاضر بکنم، بیست عهد نامه بگیرم و يك اصل تصدیق نامه ونوزده سواد بایلچی پروس بدهم و در آخر سواد تصدیق نامجات بنویسم که آنچه در این اوراق نوشته شده مطابق تصدیق نامه همایون اعلی است که بدولت پروس داده می شود بهمین طور نوزده سواد را نویسانده تذهیب و جلد ترمه کرده دیروز با ایلچی پروس حاضر شده تمام کرد. گفته ام میرزا ملکم خان مفصل تر بنویسد. مختصراً اینقدر را عرض کردم که اگر نوشته او با این چاپار نرسد بندگان ولی النعمی بی استحضار نباشند - والسلام (۱۲۷۴).

۲ - استیونس = کاردار سفارت انگلیس در طهران پیش از قطع روابط .

۳ - لیم کلرندن = وزیر امور خارجه انگلیس .

۴ - کتاب ۳۷ - استاد وزارت امور خارجه .

نویس : فرخ خان غفاری (امین الدوله کاشی) عاقد قرارداد استقلال شکن
پاریس مورخ ۷ رجب ۱۳۷۳ (۴ مارس ۱۸۵۷) میباشد، اوسفیر ایران در عثمانی بود
و پس از فتح هرات از طرف ارتش ایران و اولتیماتوم دولت انگلیس و حمله قوای آن دولت
به خرمشهر و خارك و یوشهر و قطع روابط سیاسی از طرف میرزا آقاخان صدر اعظم
برای آغاز گفتگو رهسپار پاریس شد و با سرعت آن چنان قراردادی بست که برای
همیشه به حاکمیت ملی ایران در قسمتی از سرزمین خراسان بزرگ لطمه جاوید وارد
ساخت، در این خطای عمدی هم میرزا آقا خان، هم فرخ خان هم ملکم مترجم فرخ خان
تحت تأثیر انگلیسی ها قرار گرفتند .



سند بیست و ششم
گزارش میرزا آقاخان صدراعظم به ناصرالدین شاه
درباره گفتگوی با وزیر مختار انگلیس

قربان خاکپای اقدس همایونت گُردم - باقتضای حکم همایون که مقرر فرموده بودند کیفیت ملاقات خود را با «مسترموره» (۱) عرضه دارد جسارت می‌شود که مشاراله یکساعت بعد از ظهر وارد نظامیه (۲) شده ملاقات با کمال گرمی و خشنودی اتفاق افتاد ، چون احوال درستی نداشت به او اظهار کردم روزی که از برای بازدید سفارتخانه خواهم آمد گفتگوی مفصل خواهم داشت :

گفت : چا پارسفارت چند روز دیگر خواهد رفت اگر ممکن باشد قدری زودتر قرار ملاقات و انجام و اتمام کارها داده شود ، روز یکشنبه یا دوشنبه را وعده کردم که از او ملاقات نمایم ، گفتم اگر چه مفصلاً با شما حرف خواهم زد ولی مختصراً امروز شما می‌گویم که میل خاطر همایون رضای خاطر دولت انگلیس و استحکام دوستی ذات‌البین است ، اگر در سر یک مسئله حرف و گفتگویی باشد دلیل عدم همراهی و دوستی از این طرف نباید باشد بعد از آنکه محقق شد که دولت ایران حق بین و آشکار در مسئله دارد باز گذشت از آن محض رضا جوئی خاطر دولت انگلیس در پیشگاه حضور همایون امکان دارد . کیفیت «لاش و جوین» (۳) هم همینطور است ما میتوانیم بدلائیل حقه ثابت نماییم که ملک ایران است ، روزی که سفارتخانه خواهم آمد دلایل خودم را اقامه می‌نمایم اما چون میدانم که میل دولت انگلیس در این است که ما تصاحب ننماییم هیچ مضایقه نداریم و بصاحب قدیم خودش رد می‌کنیم . سکه و خطبه هرات را هم

از روز اول طالب نبودیم (۴) و حالا هم می‌نیستیم و صریح می‌نویسم که ما میل نداریم (!) سلطان احمدخان موقوف داده اما می‌خواهم بفهمم که گذشت و همراهی در همه موارد همیشه باید از جانب دولت ایران باشد و یا از طرف انگلیس هم باید ملاحظه این مراتب بشود (۵). از آن اندیشه داریم که از اینها هم بگذریم و باز آسوده نباشیم و شما تجدید مطلع دیگر بکنید، چون در زمان وزیرمختاری شما و صدارت من فی‌مابین دولت ایران و انگلیس بهم خورد خوشتر این است که شما و من سعی باشیم این زنگی که بر روی آئینه مودت دولتین نشسته است برخاسته شود و کدورت علیحده روز بروز بر آن عارض نشود، من که در نیت خودم صادق و ثابتم و چندین دلیل هم اقامه کرده‌ام، از طرف شما هنوز دلیلی ندیده‌ام مگر بعد از این اقامه شود.

گفت: انشاءالله تعالی بعد از این سعی و اهتمام زیاد از جانب من هم خواهد شد.

گفت: چاپار هندوستان زودتر میرود میتوانم این وعده‌های شما را به هندوستان بنویسم (۶) گفتم بلی بنویسید اما نوشته لندن باشد تا من شمارا ملاقات نمایم و حرف مفصل خودم را بزنم -

نامه از جانب اعلیحضرت پادشاه انگلستان به اورسیده است که ابلاغ نماید چون بجهة بد احوالی نتوانست شرفیاب شود بچاکر داد که در ضمن عریضه ایفاد خاکپای همایون شد، در خصوص رضامندی از فرخ خان نوشته است.

رای همایون در باب شرفیابی چاکر بخاکپای مبارك هر طور علاقه گرفته باشد حکم بفرمایند که اطاعت نماید. امروز عصر می‌فرمایند شرفیاب خواهد شد.

فردا روز جمعه چاکر اراده دارد مسهل بخورد از شرفیابی معذور است
زیاده عرضی ندارد .
الامر الاقدس الاعلی مطاع .

- ۱ - مستر موره = موریه = وزیر مختار انگلیس .
- ۲ - نظامیه منزل شخصی صدراعظم نوری بسعی فرزندش میرزا کاظم خان نظام الملک ساخته شده و نظامیه نامیده شده بود ، درسی چهل سال پیش چند سال به لقائطه تبدیل گردیده و رستوران عمومی بود و تالار نظامیه از حیث سبک ساختمان و اصول معماری گذشته بخصوص تصویر مجلس سلام محمد شاه بسیار عظمت داشت دریغ که بر اثر سودجویی بازماندگان خاندان اعتماد الدوله محکوم به نوسازی! گردید و به دست ویرانی سیرده شد .
- ۳ - از مناطق مرزی ایران در خراسان .
- ۴ - تاریخ نامه بتقریب ۱۲۷۴ می باشد و پس از عزل حسام السلطنه است ، پس از بستن قرارداد پاریس (رجب ۱۲۷۳) بوسیله فرخ خان ، و تجدید روابط سیاسی ایران و انگلیس حسام السلطنه فاتح هرات که قلوب مردم را در هرات نیز بسوی ایران جلب کرده بود حاضر بتخلیه هرات نمی شد ولی میرزا آقاخان او را از استانداری خراسان برکنار کرد و سلطان احمد خان افغانی با موافقت ایران و انگلیس حاکم هرات شد ، از این گزارش پیداست که در آغاز حکومت سلطان احمد خان رواج سکه و ایراد خطبه بنام ناصرالدین شاه که بوسیله حسام السلطنه معمول شده بود رواج داشته ولی میرزا آقاخان برای تکمیل خدمات خود سیاست انگلستان دستور داده است خطبه و سکه شاه ایران را در هرات موقوف کنند .
- ۶ - کتاب ۴۷ اسناد خطی وزارت امور خارجه .

سند بیست و هفتم

نامه مهم میرزا قاسمخان وزیر مختار ایران در روسیه

درباره علل عزل میرزا آقاخان نوری

قبله گاه - بعد از وصول تعلیقہ رفیعہ مورخہ ۱۵ شهر صفر و اطلاع از مضمون احکام مرقومہ و رأی مبارک اولیای دولت علیہ عالیجہ میرزا پطرس (۱) را بوزارت خانہ دولت بہیہ روانہ داشتم کہ از جناب کنیاز گرچکوف (۲) وقت ملاقات بخواہد، مشارالہ رفت و معزی الہ را نتوانستہ بود ملاقات بنماید، جنرال کاوالفسکی (۳) را دیدہ بہ او اظہار نمودہ و گفتہ بود امروز کنیاز مشغلہ زیاد دارد نمیتوان او را ملاقات نمود بہترین است فلانی شرحی بنویسد بخودش بفرستند کہ وقت تعیین نماید، آمد و گفت و شرحی بخط فرانسیسہ نویساندہ ارسال نمودم یوم جمعہ ۲۱ را معین نمودہ بود، در وقت معینہ عالیجہ میرزا پطرس را برداشتہ بوزارت خانہ رفتم «جنرال دمیزان» در اطاق حاضر و منتظر ما بود، در ب اطاق معزی الہ را گشودند داخل گردیدہ بعد از ملاقات قدری صحبت داشتند از سفر مطول خود حکایت نمودند، جنرال کاوالفسکی ہم آمد بعد را جوابا از احوالات ایران شدند. گفتم بحمد اللہ و المنہ از توجہات خاص اعلیحضرت اقدس ہمایون شاہنشاه، امورات در کمال انتظام و در ترقی و آبادی و امنیت است، با این چاپار احکامی بسر افرازی این مأمور شرف وصول بخشیدہ جواب پیغام شما کہ از جانب اعلیحضرت امپراطور بمن ابلاغ نمودہ بودید و من دریازدہم شهر محرم الحرام از پاووفسکی بعرض حضور اولیای دولت علیہ رسانیدہ بودم جناب وزیر امور خارجہ مرقوم فرمودہ اند کہ

مضمون همان عریضه تورا بعد از ملاحظه و اطلاع از مضمون بحضور مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی رسانیدم حسب الامر جواب می نویسم که اولاً بسیار خوشحال و مشغوفم از مودت و خیرخواهی که اعلیحضرت امپراطور نسبت به دولت علیه ایران دارند و همیشه مراقب و در فکر آبادی و پیشرفت امورات دولت علیه می باشند و آنچه در خیرخواهی بخاطرشان میرسد با کمال مهربانی و مودت اظهار میدارند و همچنین از جناب پرنس غرچکوف بسیار راضی و خوشحال می باشیم، معزی الیه بسیار اظهار ارادت و امتنان نموده سؤال کرد: وزیر امور خارجه که حالا وزیر شده اند نوشته اند؟ گفتم بلی جناب میرزا سعید خان که همیشه وز دول خارجه دولت علیه بودند نوشته اند و چنانچه شایسته و لازم بود توصیف از هر مقوله نموده گفتم فرقی که در کار وزارت خارجه بود در سابق که میرزا آقاخان صدراعظم بود در امورات خارجه هم مثل جمیع کارهای داخله مملکتی و دولتی دخل و تصرف می نمود، حالا که رأی مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی قرار یافته است که صدراعظمی موقوف و هر شغلی مستقلاً با صاحب همان منصب بوده و خود در رتق و فتق خدمت محوله بخود مختار و کارگذار بوده و کارها را بشخصه حضور مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی برده و بگذراند، جناب میرزا سعید خان هم که وزیر امور خارجه و شخص کامل و کافی بوده و می باشند شغل خود را با استقلال خواهند داشت بدون دخل و تصرف دیگری، الحال وزارت دولت علیه ایران هم مثل سایر دول گردیده است. گفت: امیدوار هستم که ثمر دوستی دولتین روس و ایران را خوب دریافت نموده مراقب باشند، گفتم البته تابع رأی اقدس شهرباری می باشند و مراقبت کامل خواهند نمود: گفتم مرقوم گردیده بود که از قراری که نوشته بودی چنان مفهوم می شود که اعلیحضرت امپراطور و اولیای دولت بهیه رور

انضباط امورات دولت علیه ایران بلکه استحکام مودت و رابطه دولتین ایران و روس را هم منوط بوجود میرزا آقاخان دانسته‌اند و حال آنکه هیچکدام دخلی بوجود احدی نداشتند و نخواهد داشت محض بسته‌بوجود مبارک شاهنشاهی بوده و می‌باشد خصوصاً استحکام و اتحاد مابین دولتین علیتین ایران و روس که از بدو امرالی حال به اراده شاهانه اعلیحضرت شاهنشاهی بوده و می‌باشد و انشاءالله روز بروز درتراید خواهد بود. معزی‌الیه گفتند که اعلیحضرت امپراطور که این سفارش را نمودند محض از راه مودت و اتحاد بود که درخیرخواهی همیشه طالب انضباط امرایران می‌باشند و هیچوقت خواهش تغییر و تبدیل وزرا ننموده و نخواهد نمود اختیار با اعلیحضرت پادشاه می‌باشد. هم این است که در تعیین وزرا باید دقتی بشود که آدم کافی و کامل تعیین بشود که حفظ این مودت و دوستی مابین دولتین روس و ایران را بنماید و فایده این دوستی روس با ایران را درک نموده خوب بفهمد که چه پایه و مقدار از برای ایران صرفه دارد. گفتم البته شما بخاطر دارید همان روز که در باب اصلاح امیر میرزا آقاخان صدراعظم سابق فرمایش اعلیحضرت امپراطور که بشما فرستاده و شما مشافهتاً بمن ابلاغ مینمودید در مقام از دیاد روابط دولتین که میرزا آقاخان را باعث و سبب کلی قرار میدادید من حکایت میل باطنی اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه را که از اوقات ولیعهدی با دولت روس داشته‌اند و سفرایروان و ملاقات امپراطور سابق «نیکولای» را که از بدو عمر مبارک همیشه دولت روس را دوست داشته و دوست باطنی و خیرخواه خود دانسته و میدانند مفصلاً بیان نمودم. گفتند: بلی بخاطر من هست. گفتم اینک تفصیل اعمال میرزا آقاخان را که مرقوم فرموده‌اند بیان می‌نمایم و شروع نمودم از بدو رفتار و کردار او بیان

نمودم که خودم را که اطلاع کامل در این حرکات اودارم مأمور فرمودند که مذاکره نموده و بشهادت خود شما که از اغلب اینها اطلاع دارید و اگر بخاطر ندارید بخاطر شما بیاورم و شما حالی بنمایم ، از بدو امر که میرزا آقاخان بستگی بدولت انگلیس داشت و کیفیت مذاکره و اعتقاد بعضی که از دولت انگلیس موظف هم بوده مشارالیه تصدیق می نمود، وقتی که به کیفیت قرارنامه شیل صاحب و بهانه جنگ انگلیس همان قرارنامه باشد که در کل روزنامه هندوستان و غیره به آن دست آویز اعلام جنگ با ایران نمودند رسیدم گفت : شیل صاحب کیست ؟ گفتم ، کلنل شیل انگلیسی ، گفت بلی بخاطرم هست و این فقره را شما بدانید که اعلیحضرت امپراطور در عزل صدراعظم یا وزرای دیگر اعلیحضرت پادشاهی هیچوقت حرفی نداشته و نخواهند داشت فقط در دوستی با اعلیحضرت پادشاهی و همجواری با دولت ایران دو چیز را منظور دارند اولاً اینکه باید حفظ دوستی و مودت با دولت روس را بنمایند و وزرائی که تعیین میفرمایند اشخاصی باشند که این دوستی موجوده را که در میان دو دولت است مضبوط و مستحکم بدارند ثانی که میرزا آقاخان را که مقصر گردیده و از خدمت و منصب معزول فرموده اند چون بنفسه او را امان داده اند . که از برای جان او خطری نباشد و این فقره را هم که اعلیحضرت امپراطور خواهش دارند بجهت حفظ شأن اعلیحضرت پادشاه که دوست و برادر خود میدانند ، نمیخواهند کسی را که سالها تربیت فرموده و صاحب اسم بزرگ و شأن بلند فرموده اند قسمی با او رفتار شود که در نظراهل فرنگستان بدنام بوده و نسبت بنام نیکوی اعلیحضرت پادشاهی حرف ناگواری منتشر گردیده باشد ، این فقره را البته شما بعرض حضور اولیای دولت برسانید . گفتم البته عرض

خواهم کرد اما باید مفصلاً شما از احوال و کردار میرزا آقاخان و صبر و مدارای اعلیحضرت اقدس شهریاری مطلع بشوید و بدانید که میرزا آقاخان باعث اختلال مودت اعلیحضرت پادشاهی با اعلیحضرت امپراطور بود و نه سبب استحکام مودت و اما اختلال او مثر ثمر نگرید و کیفیت مأموریت مقرب الخاقان عزیزخان که سردار کل بودند بیان نمودم و تصدیق می نمود ، وقتی که گفتم بعد از آنکه میرزا آقاخان دید که مقصود و منظور اعلیحضرت شاهنشاهی در همراهی و موافقت روس را مانع گردیده نگذارد بعمل بیاید و از طرفی دیگر واضح گردید که او طرفگیری دولت انگلیس را نموده ایندو عمل ضد، مخالف طبع مبارک و رأی مبارک اعلیحضرت پادشاهی از او بظهور آمده و هر دو در قلب مبارک پادشاهی وقع عظیم خواهد داشت لابد گردیده که از برای اشتباهکاری با دولت انگلیس بازی بنماید ، مشارالیه گفت ما از دوستی اعلیحضرت پادشاه با اعلیحضرت امپراطور مطمئن می باشیم زیرا که همان فرمایشی که بمأمور ما مشافهتاً با لفظ در ربار خود فرموده اند که خود بنفس نفیس مراقب حفظ و استحکام روابط دولتین میباشند کمال اطمینان را حاصل نموده ام و اینک هم شما که مأمور دولت پادشاهی هستید و مأموراً بیان می نمائید مزید به اطمینان ما می باشد حالا فقط منظور ما این است که خون میرزا آقاخان ریخته نشود که حیف و دریغ ما می آید که نام نیکوی بزرگ پادشاهی نزدیک چنین کارها مذکور گردد، دیگر در جمیع امورات مملکتی و تعیین وزراء و تغییرات ما را خواهشی و حرفی نیست گفتم مقصودی دارم که باید از تفصیل اعمال او شما مطلع باشید و کیفیت بازی با انگلیس را که محض برائت ذمه رفته رفته دوستی را به برودت و برودت را به جنگ کشانید بعد از آنکه دید کار از پرده بیرون رفته دست

بتدارك جنگ زده مبالغ خطیری بخزانه و نفوس دولت علیه خسارت رسانیده باز اگر قدری در بستن مصالحه صبر نموده دست نگه میداشت البته با ظهور اغتشاش هندوستان که يك ماه بعد از بستن عهدنامه جدیده بروز نمود، که هنوز هم رفع غائله آنجا نگردیده است، می توانست عهد با صر فیه خوبی ببندد و افغانستان را بکلی از اختیار دولت ایران خارج نماید، بشدتی عجله نموده و تنگ گرفت که هنوز هم جناب «کسیلیف» ایلچی دولت بهیه روس از حیرت آن نوع تعجیل جناب امین الملک ایلچی کبیر دولت علیه ایران بیرون نیامده است. گفت: حقیقت جای حیرت و تعجب بود چود خود وزیر خارجه همان اوقات اصرار، زیاد داشتند که جناب امین الملک قدری در مصالحه صبر نموده دست نگه دارد و مکرر به بنده گفته بودند که همان اوقات هم بعرض رسانیده بودم. گفتم این همان کار است که خود چه قدر اصرار داشتید که باید صبر کرد و بعد از رسیدن خبر مصالحه به چه پایه حیرت نموده افسوس می خوردند، گفت بسیار بسیار جای افسوس بود.

خلاصه بعد از آنکه با دولت انگلیس کار یکروشد و صورتاً انگلیس را از دست داده بود و از بابت سوء خیالات و طبع پست خود خواست يك دولتی از این دولت روس و انگلیس ربطی داشته باشد، دولت انگلیس را که ظاهراً از دست داده بود و میل خاطر مبارك اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی را هم بدوستی و مودت دولت روس مهیا دیده بود لابد شد که با سفرای آن دولت بنای سلوک و مدارا بگذارد.

معزی الیه گفتند: خوب می خواهم نفهمم که وزرای ایران را چه باین میدارد که با آن همه مرحمت پادشاهی و عزت و اعتبار کلی، خود را به دول

خارج و مردم غیر واجبی بیندند و بولینعت خودشان خیانت بنمایند(۹) با این تدبیرات که میتوانند اسباب فراهم آورند از برای خیانت بولینعت خود ، از این تدابیر اگر بکار خیر و خدمت ولینعت خود بکار می بردند که بهتر و با صرفه تر بود از برای مملکت و ملت خودشان هم خبری داشت .

اشهد بالله چنان این حرف در من اثر کرد که نفسم در سینه تنگ و گریه ام گرفت ولیک خودداری نموده گفتم ، سوال منصفانه ای است باید از و پرسید و دید چه جواب خواهد گفت ، حالا که شما باین مقام آمدید مقصود من از بیان اینهمه تفصیل این بود که شما ملاحظه آنهمه مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه که نسبت به میرزا آقاخان فرمودند و اینهمه خیانت و پست فطرتی که اونموده و خیاناتی که کرده است هر دو را نقطه مقابل می توان گفت ، اما اعلیحضرت شاهنشاهی به چه پایه صبر و تحمل فرموده و مدارا فرموده اند باید پایه صبر و حوصله اعلیحضرت پادشاه را ملاحظه نمود ، این دیگر خیلی ننگین تر است که کاغذی بخط و مهر او بدست آمده است که بوزیر مختار انگلیس می نویسد که در آن کاغذ برائت ذمه از برای خودش جسته است و سبب جنگ با انگلیس را بمحض اراده همایون پندشاهی قرار داده و در همان کاغذ از برای خودش کما فی السابق بستگی بدولت انگلیس را طالب گردیده و وعده اقدام در کل منظورات آندولت را داده است که همان کاغذ را هم محرمانه جناب وزیر امور خارجه به «مسیو ایچکوف» نموده اند که الحال هم کاغذ نزد جناب معزی الیه موجود است .

گفتند: بلی نوشته بودند، بسیار جای حیرت است اما باید بنویسد که جان او در امان باشد که خونریزی بداست و این را هم اعلیحضرت امپراطور محض

خیرخواهی و دوستی اعلیحضرت پادشاهی میگویند که این عمل در نزد اهل
 فرنگستان بسیار بدناما است و حیف است نام نیکوی اعلیحضرت پادشاه که
 الحال در کل فرنگستان بصفات نیکو منتشر گردیده است آلوده بچنین کار گردد
 که پرورده نعمت خود را که بدرجات بلند و مقامات اعلی رسانیده بودند آلوده
 بخون او شوند البته شما خواهید نوشت . گفتم یقین هست که بعرض میرسانم
 اما اصل مطلب این است که میرزا آقاخان که از سوء خیالات خود لابد خود
 را میخواست بدولتی مربوط بنماید و صورتاً دولت انگیس را از دست داده
 بود و طبع مبارك اعلیحضرت پادشاهی را هم شائق و راغب بدوستی دولت روس
 دیده بود بامأمرین دولت روس بنای سلوك و مدارانمودا ولاً با «مسیولا غوفسکی»
 و بعد با «مسیو بفر» شارژ دافرای موقتی دولت بهیه وقتی هم که «مسیو خانتوف» (۴)
 بدار الخلافه آمد با او هم خصوصیت نموده چنان وانمود کرد که مؤسس اساس
 دوستی دولت ایران و روس اوست و حال آنکه اگر میل و رأی اعلیحضرت
 شاهنشاهی را باینطرف باین شدت نمیدید ابداً جرأت بآنطورها نمیکرد چنانچه
 با همه شوق بدوستی باطنی و بستگی کلی که با دولت انگیس داشت لابد تابع
 رأی مبارك همایون گردیده و دوستی را به برودت و برودت را بخصومت و
 جنگ رسانید ، اولیای دولت روس چنان تصور نمایند که میرزا آقاخان
 باعث و بانی این مودت بود و حالا که از میان رفته است خدا نکرده خللی
 در آن بهم خواهد رسید و یا نقصی ظهور خواهد آمد ، خیر چنان نیست و بفضل الله
 تعالی وجود مبارك اعلیحضرت شاهنشاهی که از بدو امر باعث و بانی این
 مودت کلی کامل بوده و می باشند حالا و مآلاً چنان موجب رابطه و اتحاد
 دولتین علیتین خواهند بود که زیاده بر تصور احدی بر آن قرار نتواند یافت و یقین

است که کارگذاران امور دولت علیه هم تابع و مطیع رأی مبارك اقدس همایون خواهند بود و يك قدم برخلاف رأی مبارك برنخواهد داشت ، معزی الیه گفتند ما از دوستی باطنی و میل قلبی اعلیحضرت پادشاهی مطلع گردیده و بسیار خوشحال می باشیم و مراقبت اعلیحضرت معظم الیه را هم در استحکام مودت دولتین فهمیده و میدانیم اما مراقبت و زرای جدید که در امورات تعیین گردیده است در حفظ مودت و رابطه ما بین دولتین روس و ایران فهمیده می شود از گذراندن امورات تبعه روس و کارهای متعلقه بدولت روس که بوزیر مختار خود دستور العمل داده روانه آن دربار نموده ایم که اقدام بآن کارها نموده بانجام برساند، معلوم خواهد شد که چه کفایت و چه قسم مراقبت خواهند داشت اما از وعده هائی که اعلیحضرت پادشاهی خود بنفسه بمأمور دولت روس فرموده اند کمال اطمینان و امتنان داریم و حالا که شما مأمور و مذکور میدارید بریقین ما افزوده گردید و امیدوار هستیم که امورات هم بقسم خوش بگذرد زیرا که دولت روس دوست حقیقی و باطنی دولت ایران است و دوستی روس از برای ایران فایده و ثمرهای کلی دارد و باید کارگذاران دولت علیه بسیار خوب این مرحله را بدانند و دریافت نمایند .

گفتم : شما یقین بدانید که اعلیحضرت اقدس همایونی همیشه دولت روس را دوست دانسته و دوست عزیز محترم داشته و دارند، البته کارگذاران دولت علیه هم نظر بمتابعت رأی مبارك همایون دولت روس را دوست داشته و خواهند داشت و در انجام امورات مرجوعه هم بقاعده و حساب و عدل و انصاف رفتار خواهند نمود .

گفت : ما هم بسیار خوشحال می باشیم . برخاسته و داع بنماید قدری

صحبت متفرقه هم شد که باین تفصیل عرض نماید همان مختصر مطلب را که خواهش اولیای دولت ررس بود و منظور آنها را مختصراً نوشته ارسال خدمت داشت که از نیت و خواهش آنها زودتر مستحضر باشند تا اینکه صورت مجلس را بنظر عالی برساند - زیاده چه عرض شود ۲۹ شهر ربیع الاول عرض شد ۱۲۷۵ شماره ۱۰۸۱ - (پشت کاغذ مهر - یا قاسم الارزاق) . (۵)

-
- ۱ - مترجم سفارت ایران .
 - ۲ - وزیر خارجه روسیه .
 - ۳ - معاون وزارت خارجه روسیه .
 - ۴ - وزیر مختار روسیه .
 - ۵ - کتاب ۳۷ از اسناد وزارت امور خارجه - مخاطب نامه میرزا سعید خان وزیر خارجه ایران بوده است .

منند بیست و هشتم
نامه وزیرمختار ایران در روسیه بوزیر امور خارجه
درباره میرزا آقاخان نوری

قبله گاهها چندی قبل عرض کرده بودم که جناب «کنیاز غرچکوف» در باب عزل میرزا آقاخان باکسی صحبت داشته گفته بود که اعلیحضرت پادشاه ایران روزپیش دستخطی بمیرزا آقاخان فرموده بودند که اگر يك روز شما را ملاقات نکنم بی آرام خواهم شد، روز بعد او را به دستخط دیگر معزول و حکم فرموده اند که از خانه خود بیرون نیاید. یوم ملاقات با جناب معزی الیه عمداً مکرراً خیانت ها و پست فطرتی های او را بیان نموده و از طرف دیگر صبر و مدارا و عفو و اغماض ملوکانه اعلیحضرت اقدس همایون را در باره مشار الیه که امر برایشان اگر مشته شده بوده خوب از اشتباه بیرون بیایند و بهمان شخصی هم که به معزی الیه حکایت عزل میرزا آقاخان بیان نموده بود بعضی تقصیرات میرزا آقاخان را که صلاح بود بیان نمودم که بر خود او هم مشته نماند.

چندی قبل جناب «مسیوتولستوی» معاون وزیر خارجه بجناب «رضایک» سفیر دولت عثمانی گفته بود که: اعلیحضرت پادشاه ایران صدر اعظم خود را از منصب معزول فرموده اند وزیرمختار دولت ما با سفیر دولت فرانسه باتفاق رفته بحضور اعلیحضرت پادشاهی استدعا کرده اند که بهمان عزل او اکتفا فرموده او را سیاست دیگر ننمایند و نظریت توسط این سفر که سفیر ما بیشتر اصرار و التماس نموده بوده است پادشاه از ریختن خون او گذشته بودند و او را امان دادند که جاننش سالم بماند - ۲۹ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۵

شمار ۱۰۸۷ (۱)

پشت کاغذ - مهر - یا قاسم الارزاق

سند بیست و نهم
نامه دیگر از قاسمخان سرتیپ به وزیر خارجه
درباره میرزا آقاخان

قبله گاهها در ضمن احکام سابقه مرقوم گردیده بود که مأمورین دولتی فرانسه و روس گویا اراده توسط واگذاری شغل و منصب میرزا آقاخان را بخودش دارند، مأمور دولت روس بیشتر و فرانسه کمتر، چنانچه در اینجا از بزرگان و امنای دولت اینجا مذاکره در اینباب بشود طوری با آنها گفتگو و سؤال و جواب بنماید که از این صرافت افتاده باشند.

بنده هم حسب المقرر مترصد می بودم تا اینک اظهاری از طرف ایشان نشده چنانچه در عریضه مطول هم تقریرات آنها را عرض نموده ام گویا از اول هم مایل و راغب باین امر توسط نبودند بلکه مقصودشان این بود که شاید دوباره رأی مبارک همایون بتفویض شغل و منصب صدارت بمشارالیه قرار بگیرد، خیال این را میکردند که بواسطه توسط در امر او را رهین منت خود کرده حقی در گردن او داشته باشند والا حالا که یقین قطعی حاصل کردند که دیگر مشارالیه را بر شغل خود نخواهند آورد بالکلیه از این خیالات توسط، هرگاه داشتند، هم افتاده اند و باطناً هم مایل نبودند که او سر کار باشد، گویا محض اظهار خصوصیت با طرفین اقدام نموده بودند.

تفصیل مراتب بنحوی است که در عریضه جداگانه معروض داشته است. زیاده چه عرض شود ۲۹ شهر ربیع الاخره ۱۲۷۵ (ق) نمره ۱۰۸-۸ پشت کاغذ مهر - یا قاسم الارزاق -

سند سی ام

ترجمه مقاله روزنامه روسی سنت پترزبورگ

درباره برکناری میرزا آقاخان

اخباری که از طهران بروزنامه نویس اسلامبول رسیده و می نویسد از این قرار است که در سابق درخصوص معزولی میرزا آقا خان صدر اعظم سابق ایران بشما نوشته بودم که چند روز بعد از معزولی خود و دوپسرش با یکدسته سواره ایشان را بخانه شهر روانه نمودند و سربازها بقراولی آنها معین و مشدد داشتند و بعد از آن مشغول محاسبه کردن ایشان شدند، اگرچه محاسبات ایشان تمام نشده لیکن می توان قبول نمود که آنچه در اوایل نوشته بودیم از قراریکه معلوم می شود اکتفا بمواجب خود که يك میلیون فرانك باشد ننموده و از وجوه خزانه دولتی نیز هرسال شش میلیون برمیداشته است و در اوقات جنگ با انگلیس بهمه ولایات اشتهاار دادند که جهاد است و بدین جهت دوازده میلیون فرانك از ایران جاع گردیده ربع آن وجه داخل خزانه دولتی گردید و سه قسمت دیگرش صرف جیب صدر اعظم و متعلقانش گردیده و این است تفصیل حساب، گویا آنکه این مشاهدات عیان و حاجت بیان نباشد و چنین مذکور است که يك یا دوسفارت زیاد سعی و اهتمام نمودند که صدراعظم را اعلیحضرت پادشاه دوباره منصوب فرمایند و علاوه این میگویند که در صورت عدم قبول به پادشاه تهدید و وعید هم دادند اما بجای و مؤثر نیفتاد و بعضاً اسامی وزراء جدید را هم می نویسند، میرزا صادق خان حاکم سابق تبریز وزیر داخله - و میرزا محمدخان سرکشیکچی باشی وزیر جنگ و سپهسالار و میرزا یوسف خان مستوفی الممالك وزیر مالیات و عباسقلیخان جوانشیر وزیر

عدالت، وامورات وزارت خارجه موقتاً در دست میرزا سعیدخان مییاشد، چون مشارالیه بعید است که استحضارات امورات را بوفق دلخواه بانجام برساند، علاوه براین تکیه نموده که صدراعظم دوباره منصوب گردد لهذا محل اعتماد اعلیحضرت پادشاه نخواهد بود و سهو نمودم که در سابق ذکر نمایم که صدراعظم را پس از رسیدگی محاسبات روانه قریه (ئی) از ملایر نمودند و بعضاً نوشته بودند. در خصوص رفتن جناب فرخ خان ایلچی کبیر اعلیحضرت پادشاه ایران به طرا- بوزان با طوفان شدن دریا و مشقت زیاد دوروز دیگر به طرا بوزان رسیده و قنصلهای فرنگستان که در آنجا مقیم می باشند و تجار رعیت ایران بدیدن جناب معزی الیه آمدند و در سوم ماه اکتبر جناب معزی الیه اتباع خود مع يك نفر صاحب منصب از مفارت فرانسه مقیم اسلامبول را مأمور داشتند که جناب معزی الیه را تا سرحد ایران برسانند - ربیع الاول ۱۲۷۵ (۱)



سند سی و یکم مزارش وزیر امور خارجه درباره تصرف بحرین

تصدق خاکهای اقدس همایونت کردم رالنسن (۱) را برحسب وعده
دیده بسیار برافروخته و پریشان ، تفصیل بیان او اینکه، دیروز آدمی از بالیوز
(نماینده سیاسی) بوشهر رسید تفصیلی از تدبیرات حسام السلطنه (۲) درباب
تصرف بحرین نوشته است که میرزا مهدی (۳) را پیش شیخ عبدالله حاکم
بحرین فرستاده و او را بنوکری و رعیتی دولت ایران دعوت کرده، اوهم قبول
کرده آدم از جانب شاهزاده گذارده و علم شیر و خورشید افراشته است و
دلیل های زیاد اقامه کرد بر ثبوت حقیقت مداخله دولت انگلیس در کار بحرین
و عدم مصلحت دولت ایران در تصرف آنجا، (وگفت) حالا که ما در دوستی با
دولت ایران دست بکارهای بزرگ زده ایم، این کار اسباب برودت کلی خواهد
شد ، در حالی که اینطور تصرف دولت ایران در بحرین هیچ فایده و منفعتی
متصور نیست چنانچه همین شیخ عبدالله بدولت عثمانی هم آدم فرستاده است دور
نیست فردا آدم او را بیاورد و آدم شما را بیرون کند ، در حالتی که دولت
انگلیس مداخله شمارا ممانعت بکند شما کشتی و اسباب گرفتن بحرین را ندارید
و مفتضح خواهید شد و حال آنکه دولت انگلیس موافق ادله که خود میدانید
حق ممانعت دارد و مانع هم خواهد شد. کمترین غلام جواب های مفصل به او
دادم که جمیع سئوال و جواب را فردا معروض خاکهای مبارک خواهم داشت
خلاصه اش اینکه امروز عاقبت دوستی این دولت بجائی رسیده است که درحق

یکدیگر تصور غرض نمی‌رود ، و این فقره بحرین را لایق این نمیدانم که شما باین شدت رنجیده خاطر شوید ، زیرا که با عدم غرض طرفین و کمال موافقت باطنی بسیار آسان است که این حرف بخوبی تمام شود ، باینطور که طرفین باهم نشسته از روی اصول قواعد دوستی گفتگو میکنیم ، اولاً ملاحظه میکنیم که این خاك سابق در تصرف کدام دولت بوده است ، ثانیاً موافق جغرافیا خاك کدام دولت میتواند محسوب شود ، ثالثاً در عهدنامه دولت ایران و انگلیس هیچ ذکری در این باب شده است یاخیر ، رابعاً درحالتی که این خاك در تصرف دولت ایران باشد چه ضرری برای دولت انگلیس خواهد داشت ، خواهساً چگونه شده است که دولت ایران با همجواری به بحرین و تصرفات مالکانه سابق در آنجا امروز حق مداخله ندارد و دولت انگلیس حق مداخله دارد و تفصیلات دیگری که بخاطر رسید و مناسب مقام بود گفتم و نیز اظهار کردم که با میل مفرطی که سرکار شاهنشاه بشخص شما دارند خوش ندارم مطالب شمارا باین طرزی که بیان کردید معروض خاکپای مبارك بدارم ، چون حالا وقت نهار شما است و گفتگو طولانی شد و مطلب هم بجائی نرسید بهتر است که فردا عصر شما بمنزل من بیائید اصل حقیقت حقیقت و عدم حقیقت طرفین را شخصاً بهم معلوم کنیم و اگر چاره هم بخاطر طرفین میرسد گفتگو کنیم ، پس از آنکه غور کامل در این باب بعمل آمد و اصل مطلب درست معلوم شد آنوقت بعرض خاکپای مبارك برسانم ، اوهم قبول کرده و قرار بملاقات فردا عصر داده ازهم سوا شدیم . این را هم پرسید که ، شاهزاده این کار را خودسر کرده است یا از جانب دولت حکمی به او شده است (؟) گفتم هیچ خبر ندارم باطلاع من حکمی بشاهزاده

نشده و با اینکه مخصوصاً وکالت او با من است چیزی بمن ننوشته است . باین جهت ها نمیتوانم جواب درست بشما بدهم ، ولی درحالتی که شاهزاده میرزا مهدی را به بحرین فرستاده باشد شخصاً چنین تصور میکنم که خودسر نکرده باشد ، این فقره را هم عرض کرده هرچه مقرر شد جواب بشما میگویم

جمادی الثانی ۱۲۷۶ - الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع . (۴)

۱ - وزیر مختار انگلیس .

۲ - سلطان مراد میرزا والی فارس

۳ - منشی حسام السلطنه .

۴ - کتاب چهاردهم اسناد وزارت امور خارجه .

سند سی و دوم

روزنامه‌چه

درباره کارخانه ریسمانریسی و کاغذسازی

۱ - کارخانه ریسمانریسی که چند روز بود بجهت نرسیدن زغال سنگ کارنمی‌کرد روز شنبه سیزدهم مقرب‌الخاقان ناصر‌الملک (۱) از شهر مقدار پانزده خروار زغال سنگ خرواری دوتومان خریده بکارخانه روانه نمود و بعد از سه روز زغال باز تمام شد از معدن ساوجبلاغ که حسب الامر متعلق بمقرب‌الخاقان ناصر‌الملک است مقدار سی خروار گماشته مقرب‌الخاقان معزی‌الیه حمل شترکرده فرستاده بود رسید دیروزهم عراده که برای آوردن زغال رفته بود شش خروار آوردند حالا همه روزه کار می‌کند .

۲ - روز چهارشنبه هفدهم چهارنفر شمیرانی برای اینکه بر سر چرخ تمام کار کرده بیاموزند که بعد از راه افتادن چرخ آب انشاءالله معطلی حاصل نشود . مقرب‌الخاقان ناصر‌الملک اجیر کرد .

۳ - استاد یعقوب صورت بعضی میله‌ها (میله‌ها) را داده است که نوشته شود از مسکو بیاورند برای چرخ آب .

۴ - در باب سایر چرخ‌ها و اسباب‌ها مقرب‌الخاقان ناصر‌الملک گلوله ریزها را جمع کرده و با استاد یعقوب گفتگو نمود قرار بر این شد که چنانچه پارسال ناصر‌الملک تدبیر کرد امسال نیز چهار کوره ایرانی یکجا بسته شود و امتحان شود که در همین جا انشاءالله ریخته شود و الا بنویسد از مسکو بیاورند.

- ۵ - کارخانه کاغذ سازی بعد از تعمیر شتر گلو کار می کند .
- ۶ - کارخانه ریسمان را مقوا لازم است برای بستن ریسمان يك حوض مصالح بجهت مقوا ریخته شد روز پنجشنبه بانعام رسید .
- ۷ - کهنه سفید بجهت کاغذ چیز نویسی مصالح ریخته که بعد از حل شدن ، کاغذ برای احکام و غیره تهیه شود .
- ۸ - چون بجهت کاغذ خوب لابد عرق گوگرد لازم است تا اینکه انشاء الله کارخانه عرق گوگرد ساخته بشود ، مفرّب الخاقان ناصر الملك با امین التجار رشت قرارداد داده که سیصد من عرق گوگرد از مسکو خریده بفرستد ، چون حمل عرق گوگرد را بکشتی نمیکنند و اذن نمیدهند ، امین التجار محض خدمتگذاری قبول کرد که با کشتی های خود بنویسد بیاورند . بیستم شوال ۱۲۷۶ (۲)

سند سی و سوم

گزارش دیگر از وزیر امور خارجه (۱)

در باره بحرین

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم - در باب بحرین دیروز با اولیای دولت علیه که حضور داشتند و شرفیاب خاکپای مبارک شده بودند گفتگو و مشاوره شد و قرار بر این دادند که دستورالعملی در این خصوص به نواب حسام السلطنه نوشته شود ، امروز که مشیرالدوله (۲) بمنزل چاکر فدوی آمد نوشتجات بحرین را (بجهت اینکه این کار دخل بمأموریت او دارد و هم بملاحظه اینکه در این باب چه مصلحت میداند بگوید) بمشیرالدوله داد همه آنها را من اوله الی آخره خواند و عمداً از قرار و گفتگوی اولیاء دولت علیه در اول وهله چیزی به اونگفت تا خیال او را هم بفهمد ، از قضا همانطور بیان کرد که با قرار و مصلحت دیروزی موافقت تام داشت و از نوجهات ملوکانه خیال او را هم مؤید دیده دستورالعمل حسام السلطنه را موافق قرار و مصلحت اولیای دولت علیه و مشیرالدوله نوشته برای عرض حضور مراحم ظهور اقدس اعلی فرستاد و چاپار شیراز را نگاهداشته منتظر است که هر وقت این دستورالعمل از پیشگاه عنایت دستگاه شاهنشاه برگشت فوراً پاکت فارس را بسته چاپار را روانه دارد . (۳)

اختیار نامه مشیرالدوله را هم برای عرض خاکپای همایون فرستاد که بشرف صحنه همایون مشرف شود، عرض مشیرالدوله این است که موجب علی

خان پسر حسینخان نظامالدوله مرحمت شود، موجب غلام پیشخدمتی او می‌یابد
نومان است پارسال که در سلطانیه منصب سرهنگی به او التفات فرموده‌اند
سر برات موجب او را نوشت و فرستاد که بهرطوری رأی جهان آرای اقدس
اعلی علاقه گیرد برات موجب علیخان نوشته شود - امر امر اقدس ارفع است
الامر الاعلی مطاع مطاع مطاع - ذیقعه ۱۲۷۶ (۴)

-
- ۱- میرزا سعید خان انصاری مؤتمن‌الملک (۲) میرزا جعفرخان عضو دار-
الشورای دولتی و کارشناس امور مرزی (۳) از دستور وزیر خارجه آگاه نیستیم
ولی با آگاهی از کارهای ناروا و ناتوانی او در برابر بیگانگان می‌توانیم احتمال دهیم
که حسام‌السلطنه را از تصرف بحرین بازداشت (همچنانکه میرزا آقاخان او را از ادامه تصرف
هرات بازداشت) زیرا بحرین هم از سال ۱۲۸۷ بعد در تصرف ایران نمانده است .
۴- کتاب ۲۷ اسناد خطی وزارت امور خارجه .

سند سی و چهارم

نامه میوزا جعفرخان مشیرالدوله به ناصرالدین شاه

در باره سفارت فوق العاده خود به عثمانی

عریضه عاجزانه محرمانه است - قربان خاکپای مبارک اقدس شوم این پیر غلام که با کھولت سن و تکسر مزاج این چنین خدمت صعب معظم را محض اقتضای غایت غیرت و دولخواهی بدمه عبودیت خود اختیار نمود بجهة تکمیل این نیت و تخفیف دردسر اولیای دولت مصمم بود که بهیچوجه زحمتی به اولیای دولت علیه ندهد و ابداً لفظی که بتواند بارخاطری شود بقلم نیاورده انجام تمام ملزومات این مأموریت را بهمه جهت بعهدۀ دولخواهی و صرافت ایشان واگذارد ، بهمین خیال هرچه از لوازم توفیق سفارت در ایام توقف دارالخلافت سهواً و با عمدۀ تروک گردید بسکوت گذرانید اکنون که نزدیک است از سرحد ممالک محروسه پا بخاک خارج گذارد باز حالت خود را از بعضی راهها بنوعی که مایه انواع خیالات پریشان باشد مشاهده نموده به احتیاط اینکه مبادا دنباله و امتدادی بهمرسانیده باعث فساد نتیجه شود اضطراب را اجسارت بعرض مراتب ورزیده از انصاف ملوکانه باکمال ضراعت استدعای عفو این جسارت و محرمانه باقی بودن آن را می نماید . نمیدانم به چه ملاحظه و به چه سبب وجهت گویا خیال بعضی کارگذاران دولت علیه از لحاظ لوازم توقیر و پیشرفت این مأموریت منحرف گشته بحدیکه می توان گفت بغرض شخصی مبدل گردیده است .

در بادی امر ضمن نامه همایون مأموریت فدوی را بسمت وزیرمختاری

نوشتن و نامه اعلیحضرت سلطان روم را پس از تحقق مأموریت فدوی بصحابت چاپار فرستادن و نشان و حمایل صاحب منصبان سفارت را که محض ملاحظه جلوه و شکوه سفارت عاجزانه استدعا شده بود ، بمراجعت وعده دادن و در خلعت آنها تفاوتی برای مراتب درجات ایشان ملاحظه ننمودن و هیچیک از ایشان را وقت مرخصی بحضور اعلیحضرت شاهنشاهی مشرف نساختن ، با آنهمه مطالب عمده و ادعای غایت یگانگی و اتحاد دولتین قویشوکتین از بودن يك هدیه مناسب که حاکی از میل خاطر مبارك می باشد و قطعاً بلاعوض هم نمی گشت اغماض کردن و بسکوت گذراندن هریکی قرینه و اسبابی است که در خیال هر مأمور البته مایه سوء ظن می شود ، اگر نامه اعلیحضرت سلطان مصحوب فدوی می شد چقدر به احترام سلطان و عظم نامه همایون و توقیر سفارت می افزود ، همچنین است نتایج بد سایر نکات متروکه خود فدوی ، بحق خدا محض از راه دولتخواهی و ملاحظه پیشرفت فرمایشات علیه همراه بودن يك هدیه معقول و مناسب را درین سفر خیریت اثر از جمله واجبات میداند ، چون پای خود در میان بود از عرض آن حیا نمود ، جناب امین الدوله خواهش کرد که این غلام در اینخصوص به ایشان بنویسد بآندست آویز بخاکپای مبارك عرض کرده انجام دهد ، پیغام ایشان رسید که به تبریز وارد نشده هدیه مزبوره خواهد رسید هنوز اثری ظاهر نیست .

وقت توقف جناب امین الدوله در پاریس میرزا آقاخان برای پیشرفت کار و اظهار خصوصیت رخت زنانه و حتی کفش مروارید برای عیال وزیر امور خارجه دولت فرانسه فرستاد ، گاهیگاهی این نحو ملاحظه های جزئی منتج فواید کلی می شود . فدوی توقع زیاد و تکلیف شاقی ندارد که انجام آن برای اولیای دولت دشوار باشد ، روز اول که مأموریت این غلام محقق شد و اعلیحضرت اقدس

شاهنشاه روحنا فداه بخطاب مستطاب فرمایش فرمودند که: چه می‌خواهی (؟) عرض کردم غیر توجه باطنی و ظاهری پادشاه بچیز دیگر احتیاج نیست، برای ملاحظه این نحو فقرات بود، امیدوارم که بعون الهی و اقبال بی‌زوال اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی و توجه خدام درگاه جهان‌پناه همایون یوماً فیوماً اسباب جلوه و پیشرفت این مأموریت و دواعی تحصیل نتایج خیر آن کاملاً فراهم آمده از جان‌گذشتن این پیرغلام در راه خدمت دین و دولت بی‌ثمر و خالی از منفعت نشود. در باب اوضاع آذربایجان چون اذن عرض احوالات خارج از مأموریت خود را نداشت لهذا سکوت را ترجیح داد - الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع - سوم محرم الحرام ۱۲۷۷ عرض و جسارت شد - پشت کاغذ مهر - عبده الراجی جعفر الحسینی . (۲)

۱ - میرزا سید جعفرخان مشیرالدوله (مهندس‌باشی) از چهره‌های روشن و از رجال وطن‌خواه و آگاه دوران قاجاریه سالها عضو و یار رئیس دارالشورای دولتی بود، واپسین مأموریتش متولیکری آستان قدس رضوی بود (۱۲۷۹ق) و در همانجا درگذشت. چنانکه گزارش بالا دلالت دارد او در يك سفارت فوق‌العاده برای تبریک جلوس سلطان عبدالعزیز رهسپار عثمانی شده ولی وزیر خارجه (میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک انصاری) که نقطه مقابل مشیرالدوله بوده در کار او کارشکنی بسیار نموده است.

۲ - کتاب چهاردهم اسناد وزارت امور خارجه .

سند سی و پنجم
گزارش وزیر امور خارجه به شاه
درباره هرات

اعتقاد این چاکر فدوی در حالت حالیه افغانستان این است که دولت علیه آنچه می تواند به استناد عهدنامه اهتمام کند که در اینجا با سفارت انگلیس و در لندن هم با خود امنای دولت مشارالیه کاری بکنند که انگلیسی ها خودشان بمیان افتاده دوست محمد خان را از صرافت تصرف هرات بیندازند و دولت علیه اسبابی فراهم آورد که نه فراه از دست سلطان سردار احمد خان (۱) بیرون برود و نه دوست محمد خان (۲) تجاوز به ملک هرات نماید و در حفظ استقلال سردار سلطان احمد خان کوشیده نگذارد انگلیسی ها در این فرصت کم اگر هم هیچ نتوانند لا اقل بترکیب سردار مشارالیه دست نزنند . اگر این طرح پیشرفت نماید زمینه بهترین پیشرفت ها برای دولت علیه خواهد بود و اگر خدا نکرده مقدور نشد اولاً تخلیف که از اجرای آن ناچار است این است که ایستادگی کرده بهر تدبیر و کوشش که باشد به دست خود انگلیس ها مانع از تصرف امیر دوست محمد خان در ملک هرات بشود منتها این است که امیر سردار سلطان احمد خان درین بین بالفرض خدا نکرده متزلزل و دیگری در هرات حاکم خواهد شد آنوقت باز برای دولت علیه مقدور خواهد بود که با حاکم جدید طرح مرایه بیندازد و او را رو بخود نماید ولکن اگر دوست محمد خان صاحب هرات و تمامی افغانستان شود کار مشکل خواهد بود و چون دولت علیه حق دارد که از

دولت انگلیس مطابق عهدنامه حکماً مطالبه نماید که رفع تشویش دولت ایران را بنماید و این حق را باعتقاد فدوی همه دولت‌ها تصدیق خواهند کرد .

بنظر قاصر این چاکر چنان میرسد که دولت انگلیس بهمین ملاحظه نتواند همیشه (مثل اینکه حالا از تلغراف خبر میرسد) در اجرای فصل عهدنامه سرهم بندی نماید و لابد است که اگر محض حفظ خود از بدنامی درپیش دولتها و بدگویی روزنامه‌های فرنگستان هم باشد موافقت بادولت علیه کرده نگذارد دوست محمد خان صاحب هرات و تمامی افغانستان و مایه پریشانی خاطر دولت ایران شود این کوشش و ایستادگی دو فایده دارد یا این است که انشاءالله تعالی بهمین طورها بی زحمت لشکرکشی و تحمل مخارج گزاف کار آپیش میرود و مقصود دولت حاصل می شود و سردار سلطان احمدخان در استقلال خود باقی می ماند و یا اینکه اگر نشد لااقل این فایده را خواهد داد که در همین جا چاره جوئی خود دولت علیه و داخل کردن قشون به هرات و افغانستان حق بجانب دولت علیه خواهد بود و بهمه قسم انعام حجت خود را با دولت انگلیس کرده و بعد از آنکه هیچ موافقت از جانب آنها نشده است لابد خود بمقام چاره جوئی برآمده است و نسبت نقض عهدنامه را از خود دور نموده است (۱۲۷۷)

۱ - سردار سلطان احمدخان از سرداران افغانی و وفادار به ایران بود و پس از آنکه بیهانه قرارداد پاریس (۱۲۷۳ق) میرزا آقاخان نوری تلفات و خسارات ایران را نادیده گرفت و حسام السلطنه والی خراسان و فاتح هرات را که حاضر بترك هرات نبود از فرمانروائی خراسان برکنار کرد ، سلطان احمد خان با موافقت ایران به حکومت هرات برگزیده شد ولی چندسال بعد دوست محمدخان که برانگیخته انگلیس‌ها و مخالف ایران بود به حکومت سلطان احمد خان خاتمه داد .

سند سی و ششم

نامه میرزا مهدیخان کارگذار بوشهر به وزیر خارجه
در باره خریداری کشتی جنگی و تجارتي

در باب ابتیاع جهاز و فوائد آن مکرر بحضور مبارك عرض کردم
بهيچوجه جوابی مرقوم نفرموده اند این فقره محاسن و منافع داشتن جهاز و
معایب نداشتن آن بقدری واضح است که فدوی تکرر در عرض را فضولی و
اظهار بدیهی میدانم هرچه در اینباب لازم بوده است در ضمن عرایض عدیده
معروض داشته ام البته هرطوری رأی مبارك اولیای دولت علیه علاقه بگيردمقرر
خواهند فرمود.

سابقاً عرض شد که حاجی احمد خان حاکم بندرعباس (۱) چند عراده
توپ بسیار خوب خریده فدوی بمشارالیه نوشته بودم که وضع و اندازه و قیمت
توپ ها را بنویسد ، نوشته بود دو عراده توپ چهل و هشت پوند کار امریکا در
سال ۱۲۸۰ ساخته شده توپهای مزبور برنج مسوار و بسیار خوب است ، گلوله میان
خالی و میان پر زیادی هم دارد بمبلغ پنجهزار و یکصد تومان هم خریده است
از قراریکه نوشته بود خیلی ارزان خریده اگر بخواهد بمبئی بفرستد در آنجا
بفروشد مبالغی منفعت خواهد کرد ولی حیف است برای دولت ابتیاع نشود.

بعضی هم دیده بودند وضع آنها را بفدوی گفتند آنطور که می بایست
معلوم شود نشد که بکار دولت علیه برآ و بحرأ میآید یا نه ! و بحسب قیمت
ارزان است یا نه ؟

فردا جهاز دودی تجارتی روانه بندر عباس است می خواهم آدم بفرستم تا از نزدیک آنها را بتفصیل ببیند قطره و دهن و قد و جنس فلز و وضع و وزن آنها را روی دقت معلوم کند و خبر بیاورد اگر فی الحقیقه همانطور است که حاجی احمدخان نوشته حیف است از دست داد برای ما جهاز لزوم تمام دارد برای بعدهم لازم است ، بعد مراتب را عرض خواهم کرد .

اگر رأی مبارک اولیای دولت علیه علاقه گرفت امتیاع شود. اگر واقعاً آنطور نباشد بآن آدمی که فرستادم بمشارالیه خواهم گفت صریح بگوید بکار ما نمی آید، خودش هر قسم می خواهد بهر کس و بهر جا بفروشد از قراری که معلوم شد این توپ ها مال جهازات جنگی امام مسقط (۲) بوده است جهازها را بتوسط خود حاجی احمدخان بتجار فروختند چون تجار توپ لازم نداشتند مشارالیه این توپ ها را خودش همین مبلغ قبول کرد این فقره هنوز معلوم نشده که آیا پول نقد داده یا حق و حسابی با امام مسقط داشت و از آن بابت ها محسوب داشته در هر صورت اگر توپ ها آنطور باشد که خودش نوشته و بعضی که دیده اند تعریف می کنند امتیاع آنها زیاد مقرون بصرفه است بعد از مراجعت آدم فدوی مراتب عرض خواهد شد زیاده جسارت بعرض نشد .

مورخه ۲۰ شهر محرم الحرام ۱۲۷۸ - مهر - محمد. (۳)

۱ - دریا بیگی .

۲ - شیخ سعید = سلطان سعید .

۳ - کتاب ششم اسناد وزارت امور خارجه .

سند سی و هفتم

گزارش کارگذار بوشهر (۱) به وزارت امور خارجه

درباره بحرین و سرگردانی خودش

تعلیقہ عالی مورخہ سلح ذی القعدہ، چہارم محرم در بوشہر زیارت شد
از التفاتنہای خودتان نسبت باین بندہ بی نام و نشان اشعار فرمودہ بودید ولی،
سر شک از رخم پاک کردن چہ حاصل۔ علاجی بکن کزدلم خون نیاید، شمارا بخدا
خوب دقت فرمائید، حاجی محسن خان چہار تا دروغ و راست بہم بافت
وزیر مختار و برادرش سرتیپ شد و مورد ہزارگونہ مرحمت گردید (۲).

بندہ ہر قدر عرض کردم کہ اینہا حرف بی معنی است بامتداد زمان و
تدبیر و استعداد بحری باید کاری از پیش بردہمین قدر فرمایش کردند، برو، برای
تنخواہ مخارج راہ صدور برات و غیرہ ہم سرکار مطلع ہستید چہ کشیدم و
دیدم، بحرین وسط خاک ایران نیست و مردمش مثل اہالی یزد و کاشان نبود کہ
بشود بحکم تنہارفت و کار پیش برد، از یکطرف دریا است کہ ما یک قایق پوسیدہ
نداریم در دریا سیر کنیم، از یک طرف مأمورین انگلیس با آن قوت و قدرت و
تحریک کردن مردم بنا فرمائی و آن بسط ید برای چیز دادن و خرج کردن، از یکطرف
اعراب زبان نفہم کہ بہ دعا و التماس بہ اطاعت نمی آیند.

من مفلوک ابلہ با اطلاع از این تفصیل محض اطاعت حکم روانہ شدم
ہر چہ عریضہ می نویسم و راہ چارہ کار عرض میکنم و برای تنخواہ مخارج داد
و فریادمی نمایم بجواب لا و نعم سرافراز نمی شوم کہ عالتاً تکلیف خود بدانم
منہم مثل سایرین بنای گدائی را بگذارم و در قید نیک نامی و بدنایمی دولت

نباشم یا با مأمورین انگلیس سازش کرده و بمراد آنها حرکت کنم و چیز بنویسم .

این خودم آن برادرم، عیالم که برای مخارج معطل و سرگردان مانده‌اند هر روز می‌نویسند و بنده نمیدانم چه جواب بگویم و چطور آنها را آسوده کنم بحق خدا از زندگی بیزار شده‌ام، دیگری بدروغ اظهار خدمت می‌کند آن حالت بهم میرساند بنده بزحمت و گرفتار پاداش دروغ او می‌شوم .

زیاده عرض نمیکنم که هر چه عرض کنم بیجا است همین قدر جوابی مرحمت شود ۲۰ محرم ۱۲۷۸ مهر - محمدمهدی (۳).

۱ - حاجی میرزامهدی خان ناظم سرحدات جنوب .

۲ - شیخ محسن خان معین‌الملک در ۱۲۷۸ نایب اول سفارت ایران در لندن بود بعد وزیر مختار شد ، برادرش محمد آقا همزمان با پیشرفت شیخ محسن خان به درجه مرتبه‌ی رسید .

۳ - کتاب ششم - اسناد وزارت امور خارجه .

سند سی و هشتم
گزارش میرزا محمدخان قاجار وزیر جنگ
درباره کارهای ارتش ایران

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم - بزیارت دستخط همایون
مباهات و سرافرازی حاصل نموده درباب امرافواج زنگنه و نهاوند دیروز که
دوشنبه بود موجب وجیره نهاوند را نفرینفر داده امروز هم موجب فوج زنگنه
را میدهد و روانه می شوند، سان سواره با جلان و بختیاری دیده شد و فرد
خلاصه شان درجوف عریضه ایفاد حضور مبارک گردید، یکدسته با جلان که
طائفه عربان است هنوز نرسیده اند چند رأس اسب بی مصرف که درمیانه سواره
مزبور بود موقوف نموده عوض کرده و میکنند.

بروات موجب و غیره آنها نوشته شد، ملبس قدك و شلوار هم از انبار
به سواره داده شد، دیروز و امروز مشغول رسیدگی حساب تنخواه موجب
محلی آنها میباشد که درست مشخص شود به هر نفر سوارچه رسیده، فردا که
عید مولود مبارک است، انشاءالله پس فردا صبح زود شرفیاب حضور همایون
بشوند و بعد روانه گردند، درباب خود موسی خان اگر رأی همایون قرار یابد
این سفر را موقتاً با سواره برود بطریقی که پریروز مقرر فرمودند بهتر خواهد بود،
چون چند ماه است رفته و قرار بود سواره را آورده در راه و غیره هم مواظبت
کند از سواره فراری و غائب نشود و این خدمت را انجام برساند، بعد بهر قسم
رأی جهان آرا اقتضا نماید مقرر خواهند فرمود موجبات آن را هم امروز

تمام نموده زمان شرفیابی عرضه داشت می کند .
 در باب محمد رحیمخان سرتیپ بهمان قسم که موافق دستخط مبارک
 مقرر شده بود حسب الامر نوشته و مجری شد امروز آدمش می برد. در باب عمارلو
 هم موافق حکم همایون به محمد رحیمخان و محمودخان نگاشته شد، بروات
 جیره و کرایه دواب توپچی مأمور فارس و انزلی نوشته شده بنظر همایون
 می رسد .

قورخانه خراسان که پریروز معروض داشت ، امروز روانه میگردد .
 صورت مرمت توپهای کرمانشاه را میرزا محمدخان یاور نوشته و عمادالدوله (۱)
 هم حاشیه رانوشته اگر مقرر فرمایند نوشته شود مرمت نمایند. امرا علی مطاع. (۲)



۱ - عمادالدوله - امامقلی میرزا حکمران کرمانشاه .
 ۲ - کتاب چهاردهم - اسناد وزارت امور خارجه .

سند سی و نهم

گزارش دیگر از میرزا محمدخان قاجار (وزیر جنگ) (۱)

درباره قانون سربازگیری و تنظیمات ارتش

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم - چند فقره از احکام قانون سربازگیری بود که در کتاب قانون متعرض نشده‌اند در زمان نوشتن کتاب هم گفتگو در این باب شد قرار بر این دادند که اگر اینگونه اموراتفاق افتد مجدداً بعرض همایون برسد ، حال از دیوانخانه‌های نظامی ولایات در این باب نوشته‌اند لذا فقرات مزبوره مشروحاً نوشته شده در جوف است که اگر رأی همایون قرار یابد محول به مجلس شوری شود که جواب بنویسند یا بهر قسم رأی جهان آرا قرار گیرد مقرر خواهند فرمود .

سواره باجلان و بختیاری امروز ناتمامیهای کارشان تمام شد و فرداروانه هستند به خراسان ، افواج زنگنه و نهاوند هم امورشان از هر جهت تمام شد طیب و جراح و سایر لوازم آنها درست شده آنها فردا انشاءالله به فارس و کرمان روانه می‌شوند. خانه‌زاد چون قدری ناخوش احوال بوده دوا خورده نتوانست به اردوی همایون بیاید اگر مرخص فرمایند درین دوروزمداوانموده بعد شرفیاب شود.

ملفوفه فرمان مبارک که در باب فوج خاج نوشته شده با فرمان محمد قلیخان حسام‌الدوله و محمد رضا بیگ سرهنگ که کلاً حسب الامر همایون می‌باشد ایفاد خاکپای مبارک شد که بصحه همایون مزین شود.

درباب برات عراده و بنائی جای توپ در دفتر ثبت می‌نماید دوروزه

ثبت آن تمام می شود ، از معیرالمالك تنخواه آن دریافت خواهد شد : در قورخانه و چاشنی سازی و بنائی های نظام مشغول کار هستند و پیوسته مواظبت دارد . فرامین دیوانخانه های نظام ولایات به حضور شاهنشاه ایفاد شده بود اگر بصره مبارك مزین شده مرحمت خواهند فرمود که اجزای دیوانخانه که نرفته بودند در این دوره روانه شوند. بنیچه (۲) ولایات مزبوره را هم به مستوفی الاممات اظهار نموده در کارند می نویسند که با اهالی دیوانخانه ها ایفاد شود

امر الاقدس الاعلی مطاع صفر ۱۲۷۸ (۳)

-
- ۱ - میرزا محمدخان تاجار (کشیکچی باشی = سپهسالار) در سال ۱۲۷۵ به وزارت جنگ منصوب گردید و در سال ۱۲۸۱ صدراعظم شد و در ۱۲۸۳ - والی خراسان گردید و در ۱۲۸۴ در مشهد درگذشت .
 - ۲ - بنیچه = نوعی از نظام دیرین و مستحسن سربازگیری که سربازان بطور داوطلب به خدمت ارتش در میآمدند .
 - ۳ - کتاب دوازم اسناد وزارت امور خارجه .

منند چهلم

گزارش يك راپوت نویس در باره پخش شبنامه ضد دولتی

شخصی بچاکر از قول میرزا رضا پسر معین‌الملک می‌گفت کتابچه‌ئی نوشته‌اند و انداخته‌اند در کمال سختی و تندی که آن کتابچه مشتمل است بر عیوب دولتی از هر قسم، از جمله نوشته‌اند که اگر تغییر وضع و حالت ندهید اعلام می‌کنیم که اسبابهائی فراهم آمده موجود و آماده است تغییر کلی داده خواهد شد منتظر همه چیز باشید. از این کتابچه پانصد نسخه نوشته شده و بهمه ولایات ایران منتشر خواهد شد.

هرگاه رأی مبارك اقدس علاقه یابد چاکر را مرخص فرمایند عصر بشهر برود میرزا رضا را ملاقات نماید بمناسبتی این صحبت را بمیان آورد بلکه بتواند کتابچه را به دست بیاورد و اگر کتابچه بدست بیاید بلکه انشاءالله نویسنده را هم بتواند معلوم نماید، دور نیست که اگر چنین کتابچه نوشته شده باشد هر کس باشد بدون اطلاع میرزا یعقوب خان نباشد (۱) این اوقات چاکر بقدر فهم خود آنچه می‌شنود و از حالت مردم استنباط می‌کند حالت خوبی در میان عموم مردم مشاهده نمی‌کند. چاکر بیش از این جرأت نمی‌کند که آنچه می‌شنود و می‌فهمد بالصراحه عرض نماید.

در باب ضیاءالملک (۲) اگر چند نفر از وزرا و ارباب حل و عقد و اعتبار از حکومت و وزارت میرزا آقاخان متوحش بودند، افراد و آحاد مردم از وجود و مداخله ضیاءالملک متزلزل هستند مگر چند نفری که آنها هم بی‌مقصد نیستند صفر ۱۲۷۸ (۳).

-
- ۱ - میرزا یعقوب ارمنی پدر ملکم . (مؤسس فراموشخانه)
 - ۲ - میرزا نقی ضیاءالملک پس از عزل میرزا آقاخان در امور حکومت پایتخت مداخله داشته است .
 - ۳ - کتاب دوازدهم - اسناد وزارت امور خارجه .

سند چهل و یکم گزارش وزیر امور خارجه در باره قرارداد تلگراف با روسیه تزاری

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم - دستخط مبارك را که به افتخار این چاکر فدوی شرف صده ریافته مقرر شده بود در باب استحضار دادن از شرایط تلگراف به سفارت روس ، با امین الدوله (۱) و مشیرالدوله (۲) گفتگو نماید ، خود زیارت و مفاخرت حاصل نموده داد معزی الیها هم زیارت کردند ، مشیرالدوله اطلاع دادن از شروط تلگراف را به وزیر مختار روس تجویز نمود و دلیلش این است که کیفیت را وزیر مختار به دولت خود مینویسد و از آنجا بتوسط ایلچی انگلیس اولیای دولت انگلیس اطلاع حاصل می نمایند و این معنی باعث رنجش و دلخوری آنها از دولت علیه می شود و میگویند که دوستی و خصوصیت شما باطناً با دولت روس بیشتر از دولت انگلیس است و در اموری که فیما بین شما و ما دائر است رجوع بصوابدید دولت روس می نمائید و اگر این کار صورت پذیر نشود خواهند گفت : دولت روس نگذاشت شما اقدام نمائید . و اگر وزیر مختار اصرار در فهمیدن شروط نماید باو گفته شود که رسماً بنویسید و این فدوی بخاکپای مبارك عرض نماید اگر امر و مقرر فرمودند اطلاع داده شود والا باید گفت که دولت انگلیس چنین تکلیفی بدولت ایران کرد و هنوز بجائی منتهی نشده است بعد از آنکه کار گذشت و تلگراف کشیده شد شما هم خواهید دید .

ولی امین الدوله را اعتقاد بر این است که این امر چیزی نیست که پوشیده بماند و وزیر مختار روس اطلاع حاصل کرده است که دولت انگلیس خیال وضع

سیم نلغراف درخاک دولت علیه دارد ، ؛ گراین عمل برخلاف میل آن دولت بوده باشد همینقدر اطلاع از برای القاء شبهه به اولیای دولت علیه وتلاش کردن در موقوفی آن کافی است ، در مخفی داشتن شروط مقررده فایده متصور نخواهد بود و کاری نیست که بروز ننماید و بلکه باید بهمه کس که صاحب تجربه واطلاع بوده باشد گفت و حسن وقبح کار را درست فهمید و از روی بصیرت اقدام کرد، چه عیب دارد که وزیرمختار روس از تفصیل امور اطلاع حاصل نماید و اگر در خیرخواهی چیزی بنظرش بیاید بگوید ، دولت انگلیس چه حق دارد باین جهت از اولیای دولت علیه برنجد(؟) وانگهی دولت ایران دولتی است مستقل در هر کاری که صلاح و صرفه برای خود مشاهده بکند اقدام می نماید باین تصورات چرا باید استقلال خود را متزلزل ساخت و میل وعدم میل دولت روس و انگلیس را مآخذ کار خود قرار داد، امثال این امور در میان جمیع دول دایر می شود بهیچوجه پوشیده وپنهان نمیدارند و در روزنامه ها چاپ می سازند .

از جانب وزیرمختار هم مجدداً اظهاری نشده است گویا بملاحظه اینکه دیدند دفع الوقت و اعتذار می شود علی العجاله سکوت کردند .

برای اطلاع خاطر خطیر انور اقدس همایونی جسارت بعرض مراتب نمود الامر الاقدس الاعلی مطاع^۱ - جمادی الاول ۱۲۷۸ (۳).

۱ - فرخ خان کاشی . ۲ - میرزا جعفر خان .

۳ - کتاب دوازدهم اسناد وزارت امور خارجه .

سند چهل و دوم

گزارش اعتضاد السلطنه برای شاه

در باره کارخانه قند

قربان خاکپای مبارکت شوم - چون چاکر جاننثار این اوقات از زیارت خاکپای مبارک دور (۱) و از این سعادت کبری و فیض عظمی محروم مانده عرایضی که دارد ناچار است در خاکپای مبارک عرض کند، عرض اول آن است که حاجی یعقوبعلی را از مازندران آورده در خصوص شراکتی که از بابت کارخانه قندریزی با ملکالتجار (۲) داشت گفتگو کرده عمل شراکت خود را با ملکالتجار برهم زده تنخواهی که ملکالتجار از بابت شراکت داده بود قرار شد با منفعت آن از قرار تومانی یکصد دینار حاجی یعقوبعلی متدرجاً تحویل ملکالتجار کرده چون کارخانه قند متعلق به دیوان دارد باید روز بروز در مقام آبادی آن بر آمده قندی که مشارالیه ساخته بسیار خوب است نمونه آن را بحضور مبارک فرستاده و تعهد کرده است محل را ترقی داده و قند را مثل قند ارس (۳) ساخته ماه بماء نمونه آن را بفرستد ، از قراری که بر این چاکر معلوم گردیده است ، امسال خسارت سالانه که حاجی یعقوبعلی بجهت کارخانه کشیده زیاد بوده و عریضه بخاکپای مبارک عرض کرده است ، پنجساله کارخانه قند را اجاره می کند که سالی سیصد تومان به دیوان اعلی بدهد، چون کارخانه خرابی بهمرسانیده و اسباب آن معیوب شده است استدعا کرده است اجاره سال اول را از بابت بنائی کارخانه و تعمیر به او مرحمت شود . این استندهای

مشارالیه ضرری از برای دیوان اعلی ندارد بلکه لازم است این مرحمت را فرموده که باعث آبادی کارخانه و منفعت دیوان اعلی بشود .

عرض دیگر آن است از جمله شاگردانی که در این اوقات آمدند یکی هم نجار است، شرحی که در باب صنعت او نوشته شده با کاغذی که حسنعلی خان وزیر مختار (۴) نوشته ایفاد حضور مبارک داشته که از نظر انور گذشته بعد از آن که موکب همایون بدارالخلافة الباهره تشریف آوردند شاگردان را بحضور مبارک می آورد که هر طوری امر و مقرر شود از آن قرار رفتار کند. دیگر امر امر همایون جهانمطاع (۵) جمادی الثانی ۱۲۷۸ .

۱ .. گویا شاه در یکی از سفرهای ییلاقی خود بوده است .

۲ - ملك التجار پایتخت یا ملك التجار رشت ؟

۳ - 'ا'رس = روس .

۴ - حسنعلیخان گروسی (امیر نظام) در اواسط پادشاهی ناصرالدین شاه چندسال وزیر مختار ایران در لندن و پاریس و سرپرست دانشجویان ایرانی بود که از طرف ناصرالدین شاه به اروپا گسیل شده بودند .

۵ - کتاب دوازدهم اسناد وزارت امور خارجه .

سند چهل و سوم

گزارش عمادالدوله استاندار کرمانشاه (۱)

درباره ملک و بهاءالله

قربان خاکپای خدام آستان ملائک پاسبان همایونت شوم - در اواسط شوال که آقا علی پیشخدمت خاصه معاودت از عتبات نمود تفصیلی از خیانت و حرامزادگی میرزا ملکم (۲) در عریضه مخصوصه عرض نموده بمشارالیه سپرد که در محل خلوتی بخاکپای اقدس همایون برساند ، مشارالیه در عرض راه ظاهراً بجهت ناخوشی احوال خود قدری معطل شده است اینغلام جاننثار از وصول آن عریضه اطلاعی ندارد البته بنظر همایون رسانده است ، در این وقت از کارپرداز بغداد نوشته رسیده بود که همان نوشته را ایفاد خاکپای اقدس همایون داشت .

میرزا ملکم حرامزاده را از بغداد به اسلامبول فرستاده است و دفع این مفسده از عراق عرب شده است ولیکن عمده مفاسد از میرزا حسینعلی حرامزاده بابی است (۳) که هنوز بسزای خود نرسیده است. اهتمام در وضع این خبیث حرامزاده از اهم و الزم امور است ، از قراریکه کارپرداز نوشته بود پشای بغداد خوب همراهی کرده و خواهد کرد. اشخاصی که دور دایره او را دارند جمعی از اراذل جسته و گریخته ولایات هستند، چندان قابل نیستند که بتوانند ممانعتی بعمل آورند همین قدر که آن حرامزاده را بسزای خود برسانند یا گرفته بفرستند در اینجا او را سیاست برسانند جمیع این مفاسد رفع می شود و اگر هم

میفرمایند از اینجا آدم مخصوص بجهت دفع این حرامزاده روانه شود ممکن است، ولیکن احتمال دارد که نتواند از عهده برآید یا اینکه مطلب بروز بکند و مقصود از دست برود.

البته اگر از پاشای بغداد حسب الامر اقدام در دفع او شود برای شأن دولت بهتراست، اشرار هم خواهند دانست که بعد از این نمیتوانند خاك بیگانه را مأمن خود قرار بدهند و با سودگی مشغول شرارت و حرامزادگی بشوند، علی ای حال بهر طور که رأی انور اقدس همایون تعلق گرفته است اهتمامی در دفع این حرامزاده بفرمایند.

آقا جان پسر اسمعیل میرزا را با سوار مستحفظ افشار چندی است روانه دارالخلافه نمود، طفل دیوانه جاهلی است بیشتر اسباب هرزگی نواب عباس میرزا (۴) اومی شده است کمال افتضاح و رسوائی در عمل او ظاهر شده است: ذیحجه ۱۲۷۸ الامر الاقدس - مطاع مطاع - پشت کاغذ - مهر - امامقلی ابن محمد علی (۵) :

-
- ۱- امامقلی میرزا فرزند محمدعلی میرزا دولتشاه ۲- میرزا ملکم خان دیپلمات معروف و شهنشاه ارمنی (۳) بهاءالله - توضیح - میرزا حسینعلی و میرزا یحیی برادرش با اتباعشان بکوشش میرزا حسینخان مشیرالدوله در ۱۲۸۰ از بغداد به اسلامبول و سپس به ادرنه و بعد به عکا و قبرس تبعید شدند (شماره دهم نشریه انجمن تاریخ - نامه سهسالار) ۴- عباس میرزا = ملک آرا برادر ناصرالدین شاه که در آن زمان در بغداد بحال تبعید بسر میبرد
 - ۵- کتاب ۱۲- اسناد وزارت امور خارجه .

سند چهل و چهارم

گزارش میرزا محمدخان سپهسالار وزیر جنگ در باره کارهای وزارت جنگ و ارتش

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم - چون همه روزه عرض حقایق حالات به خاکپای مبارک از لوازم است بدینعریضه در مقام جسارت برآمد ، افواج قاهره هر روز در میدان مشق مشغول می باشند و امروز که پنجشنبه بود حرکت افواج و شلیک نمودند و بعد از فراغ از میدان مشق بتقدیم سایر خدمات مرجوعه اشتغال دارند و در قورخانه و جبه خانه متصل مشغول کار میباشند و دقیقه ثی غفلت ندارند .

جعفر قلیخان سرتیپ اول کاغذی بخانه زاد نوشته ایفاد خاکپای مبارک شد ، بدانچه رأی انور قرار یابد مقرر خواهند فرمود ، بروات جیره ماه صفر افواج ملترم رکاب ایفاد حضور همایون شد که بصرحه همایون مزین شود و جیره آنها داده شود .

درباب ملبوس بجهت فوج عرب و عجم که ظهیر الدوله (۱) عرض نموده بود و در دستخط مبارک مقرر شده بود تفصیل را به دبیرالملك (۲) گفته بود که بعرض اقدس برساند ، چهارماه است که بفوج مزبور ملبوس داده شده حال که عرض نموده است لباسشان پاره شده حسب الامر امروز ملبوس قدك بجهت افراد فوج مزبور بسته و انشاءالله فردا می بزند ، ملبوس ماهوت هم بجهت صاحبمنصبان فوج مزبور روانه می شود و بررأی انور واضح است که ملبوس صاحبمنصبان افواج قرار کلیه نبوده است که بهمه افواج داده شود بیعضی افواج در عرض سال داده می شود ، حال حسب الامر برای این فوج هم ایفاد

شد. در باره عمل سواره بختیاری و با جلان با موسی خان در روز جمعه بعرض همایون رسانید که هفتصد تومان تمسک از موسی خان دریافت شده تنخواه آن حاضر است و در حقیقت این تنخواه مال سواره است و سواره روانه ولایت شده اند چند نفر صاحب منصبان در کار هستند اگر مقرر میفرمایند از این تنخواه بسواره مزبور چیزی داده شود و الا در جزو عمل تفاوت موجب قشون جمع می شود، اگر امر قدر قدر مقرر می شود بمصرف بنائی نظام برسد یا اینکه ایفاد حضور مبارک گردد، بهر قسم امر همایون صادر شود معمول افتد.

در باب بنائی نظام، معمار باشی سابقاً هزار تومان به استاد حسن معمار نظام داده بود، در این وقت هم از این تنخواه که مقرر فرموده بودند هزار تومان داده و این دوهزار تومان سوای تنخواهی است که خانه زاد حسب الامر بجهت تعمیر سربازخانه و انبار عراده بمشارالیه داده است.

با نهایت اهتمام مشغول تعمیرات نظامی از قراولخانه ها و سربازخانه ها و قزل قلعه و غیره میباشند، صورت مصارف تعمیرات بنظر انور میرسد که بعد از تمام شدن این تنخواه اگر لازم باشد باز تنخواه مرحمت شود.

در باب سی عراده توپ که مقرر فرموده اند هر چه کسر اسباب دارد نوشته شود و بنظر انور برسد، بتوسط جهانگیر خان (۳) و عملة قورخانه بدقت رسیدگی شده صورت مخارج آن نوشته شده بنظر انور مزین می شود اگر مقرر فرمائید از آن قرار تعمیر شود، چند عراده هم که بفارس و عربستان برده اند در فرد مزبور نوشته شده سه عراده قیس (۴) در شیراز است، به مؤید الدوله نوشته شد که اگر ضرور دارد نگاه دارد و الا روانه رکاب مبارک نماید.

مقرر فرموده بودند قورخانه در اراک مقابل جبه خانه جدید ساخته شود، نقشه آن را کشیده اند چند باب خانه هست که باید خریده شود و قورخانه ساخته

شود و ایکن قیمت این خانه‌ها از بیست تومان و سی تومان زیاده نیست همینقدر است که اسمش خانه است اگر مقرر میفرمائید خانه‌ها خریده شود و قورخانه بسازند از اراضی قورخانه شهر فروخته می‌شود تنخواهش هر قدر صرف تعمیر قورخانه اراک شده است مابقی مال دیوان اعلی است .

محمود خان سرکرده چلبیانلو چون برادرش تصدق خاکپای مبارک شد برات خلعتی بجهت او نوشته شده که اگر رأی همایون قرار یابد خلعت او مرحمت شود و روانه ولایت گردد .

اسمعیل خان فردی از بابت باقیمانده قسط برج اسد وجوه جمعی خود نوشته چون بواسطه درد پا نمی‌توانست اینجا بیاید رقعہ را بخانه زاد نوشته ایفاد حضور همایون داشت حکم آن را مقرر خواهند فرمود . سان فوج خاصه امروز با حضور یمن‌الملک (۵) دیله شد، فوج کمره را هم روز شنبه انشاءاله سان می‌بیند، ناتمامی هم اگر در کارشان باشد در این دو روزه تمام نموده صورت آن بنظر انور میرسد که روز دوشنبه یا سه شنبه فوج مزبور مرخص شوند ربیع الاول ۱۲۷۹ امراقدهس اعلی مطاع (۶) .

- | | |
|---------------------|---------------------------------------|
| ۱ - محمد ناصر خان . | ۲ - میرزا محمد حسین فراهانی . |
| ۳ - وزیر قورخانه . | ۴ - قیس = جزیره کیش . |
| ۵ - شناخته نشد . | ۶ - کتاب نهم اسناد وزارت امور خارجه . |

سند چهل و پنجم

گزارش سپهسالار وزیر جنگ به ناصرالدین شاه

در باره سپاهیان خوزستان

قربان خاکپای مبارکت شوم - فوج بزچلو (۱) که در عربستان (۲) است
موجب سرباز آنها بخرج دستور العمل عربستان آمده است ، چون اوایل سال
بنابود فوج به رکاب آمده مرخص خانه شوند (۳) خانه زاد نوشت که در
عربستان بآنها موجب ندهند، حال که پنجاه متجاوز از سال گذشته و فوج مزبور
در محل مأموریت هستند و موافق فرمایشاتی که در جواب عرایض معتمد الدوله (۴)
میفرمودند لامحاله سه چهار ماه دیگر هم مأمور آن ولایت خواهند بود و مستحق
موجب سه ماهه علاوه بر شش ماه محلی هستند، اگر امر قدر قدر مقرر می شود
به معتمد الدوله نوشته شود که موجب سه ماهه فوج مزبور را که بخرج دستور-
العمل عربستان آمده کارسازی نمایند ، چون امور دیوانخانه نظامی عربستان
ولرستان راجع بدیوانخانه بروجرد است و قشون مأمور و متوقف آن ولایت
درست دسترس به بروجرد ندارند، معتمد الدوله رقعہ بخانه زاد نوشته که امر
دیوانخانه نظامی عربستان ولرستان به سلطان اویس میرزا پسر او واگذار شود ،
رقعہ مزبوره بنظر انور میرسد آنچه مقرر فرماید اطاعت شود - ربیع الاول ۱۲۷۹
امراق دس اعلی مطاع (۵) .

۱ - از دهستان های میان اراك و ملایر . ۲ - خوزستان .

۳ - افراد افواج نظامی بطور کلی در هر سال پس از يك دوره خدمت چند ماه مرخصی
داشتند که بخانه های خود برگردند و این را مرخصی خانه میگفتند . ۴ - فرهاد میرزا

۵ - کتاب نهم از اسناد وزارت امور خارجه .

سند چهل و ششم

گزارش وزیر امور خارجه برای ناصرالدین شاه

درباره هرات

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم نوشتجات حسام السلطنه (۱) و سردار سلطان احمدخان (۲) را از حضور همایون اعلیحضرت اقدس شاهنشاه آوردند، برحسب فرمایش علیه ملوکانه الآن اینغلام جان نثار مشغول است که ملفوفه فرمان مبارك وسایر نوشتجات را اصلاً و سواداً با دو فصل عهدنامه در جوف پاکت حسام السلطنه بگذارد و همچنین پاکت سردار سلطان احمد خان را جابجا مهر و لاک کرده شبانه به شهاب الملك (۳) برساند و تأکید کند که فردا خیلی زود به امین الدوله (۴) رساند که چاپار خراسان را بلا معطلی روانه دارند و فرمایش جهانمطاع شاهنشاه جمجاه روحنا فداء را مجری نماید و بعد از آن انشاءالله تعالی چاپار اسلامبول را زود عزیمت دهد.

حسب الامر الاقدس الاعلی امروز میرزا جوادخان (۵) را بسفارت انگلیس با دستور العمل کافی فرستاد از قرار همین یادداشت که در طی عریضه مییاشد بسا وزیر مختار مذاکره نموده است که از عرض خاکپای مبارک اقدس خواهد گذشت.

وزیر مختار بجز سؤال از وضع سیستان و حاکم آنجا حرفی نزده است برای استحضار خاطر مرحمت مظاهر خسروانه جسارت بعرض کرد.

ربیع الاول ۱۲۷۹ الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع . (۶)

- ۱ - سلطان مراد میرزا فاتح هرات که بار دوم والی خراسان شد .
- ۲ - سردار افغانی که پس از قرارداد پاریس با موافقت ایران حکمران هرات شد .
- ۳ - غلامرضا خان نایب الاپاله خراسان .
- ۴ - فرخ خان کاشی عاقد قرارداد پاریس .
- ۵ - میرزا جوادخان عضو وزارت خارجه .
- ۶ - کتاب هشتم اسناد وزارت خارجه .

سند چهل و هفتم

یادداشت وزارت خارجه سفارت انگلیس

درباره دست اندازی دوست محمدخان به اطراف سیستان (۱)

در ضمن اخبار آخری خراسان چنین اخبار گردیده و نوشته اند که دوست محمد خان (۲)، آدم به سیستان فرستاده مطالبه سیورسات از آنجا و مداخله در کار آن مملکت می نماید، این خبر غرابت عظیم دارد و طرف نسبت با اخبار و حوادث دیگر که تا حال بآنجناب اطلاع داده شده نیست زیرا سیستان ملك طلق بلامنازع دولت ایران است و آنجا را با خراسان و هر يك از ممالك محروسه ایران يك نسبت ملاحظه می نمایند این مسئله چیزی نیست که پوشیده و محتاج بمذاکره باشد.

این نوع حرکت تجاوزیه از قوه تحمل خارج است آنچه تا حال مذاکره با سفارت انگلیس شده راجع بفقره افغانستان است و استناد اولیای دولت علیه در اینخصوص بفقرات فصل ششم عهدنامه پاریس است ولیکن این مسئله کلیتاً راجع بفصل هفتم عهدنامه مزبور است و اولیای دولت ایران آن حرکت امیر دوست محمدخان را جز تجاوز به داخله مملکت ایران بمعنی دیگر حمل نخواهند کرد. و همچنانکه از يك طرف مطالبه ترفیه شایسته می شود از طرف دیگر نواب شاهزاده والاتباع حسام السلطنه حقا مجبور خواهند بود که بعد از یأس از دادن ترضیه به زور لشکری حق دولت متبوعه خود را مجری و ممضی بدارد. دنباله این کیفیت با امیر دوست محمدخان که مبادرت بتخطی و تجاوز بملك

دولت ایران کرده است بهر تفصیل که منجر بشود بحثی بدولت ایران نخواهد بود. برعهده خود اوست که از حد وزی خودش تجاوز کرده است ، دولت ایران در این مسائل که بمیان آمده است عموماً و در این مسئله جدید سیستان خصوصاً در حالتی که مطابق مدلول نص صریح عهدنامه حق معین و آشکار داشته باشد چگونه میتواند ساکت بنشیند و از خطرات و ضررهای عمده محسوسه آنها صرف نظر نماید ، حق این است که تحمل و سکوت فوق طاقت ایران است و البته اولیای دولت انگلیس در مقام انصافی که دارند از تکمیل شرائط عهدنامه به هیچوجه اغماض و تقاعد نخواهند کرد و راضی نخواهند شد که این دولت برای حفظ حقوق خود محتاج بمخارج لشکر کشی گردد . ربیع الاول ۱۲۷۹ . (۲)



۱- این یادداشت به دستور ناصرالدین شاه نوشته شده و زیر پیشنهاد امضاء شاه دیده می شود .

۲- کتاب نهم اسناد وزارت امور خارجه

سندچهل و هشتم

گزارش وزیر امور خارجه

درباره رویدادهای مرزی

قربان خاکپای اقدس همایونت شوم - دیشب چاپاری از خرم آباد آمد و بعضی نوشتجات از معتمدالدوله (۱) رسید حاصل این است که عثمانی‌ها سوار نظام و جمعیت برای ضبط معادن پشتکوه فرستاده‌اند، حسینقلی خان (۲) والی و برادر او که در آنجا بوده‌اند بمقام ممانعت و مدافعت برآمده فیمابین آنها جنگ و نزاع واقع شده چند نفر هم کشته گشته بالاخره حسینقلی خان آنها را شکست داده و از سر معدن دور کرده نگذاشته است مداخله نکنند. کاغذها را انقاد حضور همایون داشت .

چاپار دیگر هم صبح امروز از خراسان آمد از قراریکه شاهزاده حسام السلطنه (۳) و اسدالله میرزا (۴) نوشته‌اند سواره ساروق (۵) که بتاخت صفحات قاین رفته بودند باباخان پسر یوسف خان هزاره‌ئی به دو دسته آنها برخورد و آنها را تعاقب کرده و بسواره مزبور شکست فاحش داده هفتاد اسیر و سرباز از آنها گرفته است باقی دیگر فراری و متواری شده گریخته‌اند . (۶)

دیگر از قراریکه حسام السلطنه و سایرین نوشته‌اند درحالتی که امیر دوست محمدخان در آن ناخوشی بی‌حس و بی‌شعور بود . قلعه هرات مفتوح شده و به دست او افتاده (۷) اما خود او هم رمقی بیشتر نداشته و از حیات او مأیوس بوده‌اند ظاهر این است بعد از این مقدمه وفات کرده باشد امید چنان است که

هرچه از جانب خدا وارد شود خیر دولت باشد و اینگونه اخبار و وقایع و آثار و حوادث مایه انزجار خاطر مبارک نشود. نظر مرحمت و فضل خداوندی همه وقت متوجه سایه خدا بوده و خواهد بود و امیدوار هستیم با آن حالت احتضاری که دوست محمدخان داشته و عنقریب از میان میرفته بعد از مرگ او جبران همه اینها بشود و مقصودات بعمل آید. ذیحجه ۱۲۷۹ - الامر الاقدس الاعلی - مطاع (۸)

-
- ۱- فرهاد میرزا والی لرستان و خوزستان ۲- والی پشکوه معروف به ابوقداره
 - ۳- سلطان مراد میرزا والی خراسان ۴- نایب الایاله
 - ۵- از تیره های ترکمن ۶- یوسفخان رئیس تیره هزاره و از
 - مرزداران دلیر ایران (نوه ابویوسف هزارهئی صولت السلطنه آخرین بازمانده دودمان هزارهئی در ۱۳۲۴ زمان استانداری منصورالملک غافلگیرانه کشته شد).
 - ۷- امیر دوست محمدخان پس از سلطان احمدخان برهرات چیره شد و آثار نفوذ ایران را بالمره از میان برد.
 - ۸- کتاب هشتم اسناد وزارت امور خارجه

سندچهل و نهم

گزارش مأمور تذکره خرمشهر بوزارت خارجه

درباره رویدادهای خرمشهر (محمرة) و فلاحیه (شادگان)

مشایخ و طوایف فلاحیه و چعب (۱) در سنه ماضیه و هذه السنه بموجب حکم نواب مستطاب اشرف والا فرهاد میرزای معتمد الدوله (۲) واگذار و سپرده عالیجاه شیخ لفته خان برادرزاده عالیجاه شیخ فارس خان بود، مشایخ و اعراب طوایف بتحریرک عالیجاهان شیخ فارس خان و حاجی جابر خان (۳) بنابر عداوت و لجاجت که فیما بین آنها بود در شهر صفر المظفر بعالیجاه شیخ لفته خان شوریده حتی مشایخ و اعرابی که در تحت اطاعت حاجی جابر خان بود آنها هم بتقویت مشایخ چعب رفته چند روز دور فلاحیه را محاصره نموده در روز بیست و پنجم شهر معروض نزاعی و جدالی مابین آنها واقع بعد از زد و خورد زیاد و کشته شدن یک نفر توپچی و یک نفر سرباز عالیجاه شیخ لفته خان مغلوب و فراری شده و ابستگان مشارالیه را با سرباز و توپچی کلاً منهب و تمامی اسب و اسباب آنها را بغارت می‌برند و بعد از فرار شیخ لفته خان، عالیجاه شیخ فارس خان با کمال استقلال و استقرار آمده و در فلاحیه می‌نشیند و تا ورود نواب مستطاب اشرف امجد والا حشمت الدوله (۴) به شوشتر (۵) در فلاحیه نشسته بود، بعد از ورود نواب معظم‌الیه به محمره آمده چند روزی با حاجی جابر خان بودند و از گفتگوی ایشان اینقدر معلوم شد که عداوت و لجاجت سابقی را به کنار گذاشته او در بزرگی و حاجی جابر خان در کوچکی خود حرکت نموده هر دو ولایت محمره و فلاحیه و چعب یکی باشد و از صوابدید

یکدیگر تخلف نمایند. عالیجاه حاجی حسین خان بروجردی را که نواب مستطاب والا بجهة احضار شیخ فارس خان و حاجی جابر خان مأمور نموده بود بعد از ورود به فلاحیه شیخ فارس خان به اتفاق حاجی حسین خان به محمره آمده سه شب در محمره بودند بعد از گفتگوی زیاد و مصلحت و مشورت هر دو در رفتن شوشتر و شرفیابی حضور نواب مستطاب والا متعذر بهذرهای چند شده رفتن را موقوف داشتند، لهذا عالیجاه مشارالیه را بایک نفر میرزای حاجی جابر خان و قدری تنخواه مالیات روانه شوشتر نمود و هنوز خبری از ورود آنها نرسیده است (۶) - ربیع الاول ۱۲۸۰ - مهر - بسم اله الفائق (۷)

-
- ۱- از تیرمهای با نفوذ و قدرتمند خوزستان در حدود سوسنگرد و شادگان و خرمشهر
 - ۲- والی خوزستان و لرستان
 - ۳- پدر شیخ خزعل و شیخ خزعل (شیخ فارس خان و حاجی جابر خان پسران شیخ ثامر خان رئیس ایل بنی کعب خوزستان)
 - ۴- حمزه میرزا بعد از معتمدالدوله والی خوزستان شد
 - ۵- شوشتر مرکز و حاکم نشین خوزستان در زمان قاجاریه
 - ۶- فائق خان
 - ۷- کتاب ۱۹ اسناد معرمانه وزارت امور خارجه

سند پنجاهم

نامه کنسول حاجی ترخان به وزیر امور خارجه

درباره جعل تذکره

تصدق شوم - از قرار مذکور سرکار جنرال قونسول تبریز از این فدوی... شکایت نموده است - اولاً نمیدانم از چه سبب و از چه جهت خدا گواه است که در این مأموریت چه قدر با احتیاط حرکت نموده‌ام چنانکه در این مدت.. هیچکس از داخل و خارج در مقام شکایت بر نیامده است و کلیه کوشش‌هایم برای این است که در این مأموریت مورد بی‌التفاتی واقع نشوم .

در چندی قبل کنیاز آقاییکف تلگرافچی نخجوان عازم تبریز شده باتفاق دو سه نفر سوار کلبعلی خان رسیده بسرحد ، آنچه لوازم صحبت بود انجام داده‌ام بعد يك تذکره امضا بخود ایشان داده و جهش را هم از خودم داده‌ام سوارها را خواست تذکره بدهم قبول نکردم ، آخر الامر وعاقبت يك تذکره امضا کرده دادم و نیم منات گرفتم رفته تبریز شکایت کرده این فدوی هم مکرر خدمت سرکار خان رئیس عرض کرده‌ام ، هرگاه حکم میدهند که بسوارهای کلبعلیخان امضا داده نشود این فدوی تکلیف خود را بداند والا هر روز ده بیست سوار می‌آید می‌گذرد که من سوار کلبعلی خان هستم نباید تذکره بگیرم . . .

علاوه بر این چندی می‌شود که سرکار خان رئیس (۱) بی‌التفاتی می - فرمایند بر جنابعالی هم معلوم است از چه راه است من هم بیش از این کفایت

ندارم که بتوانم از عهده خیالات ایشان برآیم تا حال در مقام ایراد واقع نگشتم
 حال تحریک جنرال قنصول برپا شده است، سرکار مقرب الخاقان حاجی شیخ
 محسن خان هم خوب اطلاع دارند - ۱۳ شوال ۱۲۸۲ اسحق (۲)

۱- میرزا یوسفخان جنرال قنصول قفلیس- توضیح از طرف میرزا اسحق خان يك
 کارمند کنسولگری حاجی ترخان مأمور مکاره شد ، میرزا یوسفخان منشی خود میرزا
 جعفر را به مکاره فرستاد و صدور تذکره را بعهده گرفت، میرزا جعفر متهم بسوء استفاده
 و رابطه نهانی با مأمورین روس بود (نامه ۲۶۲ - ۳۶ شوال ۱۲۸۲ کنسولگری
 حاجی ترخان).

۲- کتاب چهارم اسناد وزارت امور خارجه

سند پنجاه و یکم

نامه دیگر از کنسول حاجی ترخان به وزیر خارجه

درباره جعل تذکره

درباب قیمت پانصد طغری تذکره اگرچه در عرایض شهر ماضی تفصیلی عرض کرده و منتظر جواب از جانب عالی بودم چون در ضمن احکام پاکت مورخه ۲۲ شهر رمضان المبارک مجدداً تأکیدی در این باب شده بود لہذا نتوانستم از مدلول حکم آن تجاوز نموده منتظر جواب باشم عجالتاً در ضمن همین پاکت ثبت واسامی مصرف شدہ تذکره را نوشته ایفاد حضور عالی داشت کہ امنای تذکره چنین تصور فرمایند کہ حاجی ترخان محل مصرف تذکره زیادی است ، اگر سابقاً بوسیله مأمور حاجی ترخان سالی فلانقدر تذکره مصرف می شد علتش این بود کہ دوثلث ولایات قفقازیه بتوسط قنصلگری اینجا اخذ تذکره می نمودند و حال همه آن محل ها را جنرال قنصلگری تفلیس تصاحب کرده وکیل گذاشته و خود تذکره میدهد و علاوه بر آنکہ سالی فلانقدر تذکره دولت در آنجا مصرف می شود اقلّاً سالی دوسه هزار طغری هم در آنجا خود چاپ زده مصرف میرساند . کہ این این دو طغری تذکره یکی بشمره ۳۳۹ و یکی ۴۱۰ - است از آنجمله است کہ لفاً جهت اطلاع خدام عالی فرستاده میشود .

گویا از این فقرات خدمت خدام عالی درست واضح باشد کہ درخواہ حاجی ترخان مصرف تذکره اینقدرها نمی شود کہ قابل مذاکره باشد و محلی هم از اطراف باقی نگذاشته اند مترصدم کہ جواب عریضہ سابق فدوی کہ در

اینخصوص عرض شده است برسد و زیارت شود هرطور مقرر فرمائید از آن قرار رفتار نماید زیاده جسارت نمی کند مورخه ۲۶ شهر شوال ۱۲۸۲ .

الآن که سرپاکت را می بست دوطغری تذکره هم از طرف حکومت فرستاده بودند رسید یکی نمره ۱۴۸۹ و دیگری نمره ۱۴۹۰ که از جنرال قنصلگری تفلیس در ماه رمضان بدونفر تبعه ایران داده شده است . چون معلوم است که طبع دارالخلافه نیست وبتازگی (علاوه بر تذکره های سابق که در تفلیس چاپ شده بود) چاپ کرده مصرف می نمایند (۱) و فدوی نمیتوانست آنها را تذکره دولتی حساب کرده امضا کند باین ملاحظه لفاً فرستاد که بنظر عالی برسد اگر به اجازه دولت چاپ شده است و صحیح باید دانست . مقرر فرمایند تذکره های مزبور را پس بفرستند که بصاحبان آنها رد شود - شوال المکرم ۱۲۸۳ پشت کاغذ - مهر - اسحق : (۲)

-
- ۱ - در این هنگام میرزا یوسفخان مستشارالدوله فراماسون معروف سرکنسول ایران در تفلیس بوده است .
 - ۲ - کتاب چهارم استاد محرمانه وزارت امور خارجه .

سند پنجاه و دوم

مقاله روزنامه روسی پترزبورگ

درباره تسخیر تاشکند و بخارا

در مجلس وکلای ملتی انگلیس بتاريخ شانزدهم ماه مارس مطابق بیست و هشتم شوال ۱۲۸۲ مسیو لایارد نایب اول وزارت خارجه انگلیس در جواب مستر راولنسون که در خصوص رفتن لشکروس به سمت بخارا سؤال کرده بود این اعلام آتیه را می کند .

ما اطلاع درست و صریح از رفتن عساکر روسیه به سربخارا نداریم در صورتی که این فقره هم حقیقت داشته باشد ما نمیتوانیم بیان نمائیم که مقصود دولت روسیه از این چیست زیرا که اولیای دولت مشارالیه بما اطمینان داده اند که میل امتداد دادن ثغور خودشان را بطرف بخارا ندارند . (!) چون ممکن بود که این اعلام رسمی سبب اشتباه و سهوی گردد لهذا لازم آمد که در اینجا این ملاحظه را بکنیم که اولیای دولت امپراتوری نمیتوانند هیچ اسم و رسم سثوالی را قبول نمایند مگر در خصوص اموراتی که فقط بدولت خود تعلق دارد بدون اینکه ضرری بیکی از دول خارجه عاید دارد .

پس در اینصورت دولت روس لازم نداشت که در خصوص خیالات و مقاصد خود به دول دیگر اطمینان صریح بدهد .

اما چون اولیای دولت روسیه خبری ندارند که مخفی بدارند لهذا دریک مرامسله رسمی مورخ ۲۵ ماه نوامبر مطابق ۱۸ رجب المرجب بعموم سفرا و مأمورین خود که مقیم سایر دول دیگر می باشند نوشته بیان کرده است مقاصدی

را که پولتیک دوت خود را بسمت آسیا متوجه و منعطف می سازد و عموم دول نیز بعد از انتشار مضمون همان مراسله از مطلب آن استحضار بهمرسانند. در مراسله مزبور ذکر شده است که اولیای دولت روسیه میل ندارند که سرحد خودشان را در آسیای وسطی آنطرف خطی که بجهت امنیت خود ناگزیر تصور کرده است ممتد بدارد و همچنین پولتیک روسیه درخصوص آن صفحات محرك و مقصد دیگر ندارد بجز انضباط و استحکام امنیت و آرامی مملکت و رواج تجارت و ترقی و تربیت اهالی آن مملکت و اولیای دولت روسیه نیز بهیچوجه از این خیالات انحراف نجسته اند .

بموجب اخباراتی که بتازگی از تاشکند رسیده «جنرال چرمایف» یکنفر صاحب منصب را بمأموریت دوستانه و صلح آمیز نزد امیر بخارا روانه و مأمور نموده است و این مأمور بحکم امیر بخارا دستگیر و در بخارا محبوس شده است .

البته این چنین حرکتی ممکن نمی شد بی تنبیه و بی مؤاخذه بماند و جنرال چرمایف در مقابل مساعی و اهتمام کامله خود که درخصوص استخلاص مأمور مزبور درپیش امیر بخارا کرده بود جواب ناشایست شنید آنوقت به لشکر خود حکم داد از رود سیحون عبور و روبسمت بخارا حرکت کنند و در آن بین به امیر پیغام داد مادامی که صاحب منصب روسی را صحیح و سالم تسلیم ننماید لشکر بسمت بخارا خواهد آمد، تا حال پیش از این خبری نرسیده است . (۱)

اما باید صحت خبری را که مردم باخوشحالی و شغف کلی استماع خواهند کرد در اینجا به ثبوت برسانم ، اهالی شهر تاشکند خواستند علامت مراتب احترامات خودشان را بحضور اعلیحضرت امپراطور تقدیم نمایند و در اینخصوص

چنین مصلحت دانستند که از این بهتر هیچ نمیشود مگر اینکه باخیالات عظیمه و عالیہ اعلیحضرت امپراطور که عبارت از آزادی و استخلاص مردم از اسیری باشد (۲) چنانچه این فقره افتخار سلطنت امپراطور خواهد شد مشارکت و همراهی نمایند لهذا عموم اسرا و مملوکها را از قید اسیری آزاد نموده و علاوه بر این اعلام کردند که من بعد بکلی بیع و شراء (خرید و فروش) مملوک و اسیر ملغی و منسوخ خواهد شد.

اکثر این اسرا اهل ایرانند که ترکمانها از جاهای نزدیک بسواحل دریای خزر گرفته و در بازارهای خیوه و بخارا بفروش میرسانند و بدین واسطه گرفتار هزار زحمت و مرارت بودند.

این داد و ستد مردم یکی از آن بلایای آسیا بود که مردم برفع آن مقتدر نبودند ولی میبایست که این بلایا در مقابل اقتدار تربیت و ترقی مردم تسلیم باشد. این نتیجه حسنه اول است که از روابط دولت روس با اهالی آن صفحات بظهور رسید و ظهور و طلوع این نوع ترقی فال نیک و خیر مستقبل اهالی آن سامان می باشد - ترجمه بنده درگاه داود مترجم سفارت سنیه ایران - شوال ۱۲۸۲ . (۳)

-
- ۱ - ژنرال چرمایف از طرف ارتش تزاری تاشکند و سپس بخارا را تصرف کرد .
 - ۲ - این همان عنوان حق بجایی است که دولت های استعمار گر برای چیرگی بر کشورها و توده های ضعیف از دیرباز شعار خود ساخته اند .
 - ۳ - کتاب چهارم اسناد وزارت امور خارجه .

سند پنجاه و سوم

نایب وزیر مختار ایران در روسیه
در باره راه تجارتی ایران و قفقاز

خدایگانا - عالیجاه سالوان خان (۱) چند روز است که وارد پترزبورگ (پترزبورغ) شده و از قرار تقریر مشار الیه معلوم می شود که چند نفر مهندس از راه اسلامبول و بوطی روانه نموده است که در دارالسلطنه تبریز حاضر باشند که خود هم هر چه زودتر قرار امورات خود را با اولیای این دولت بدهد و دوباره بفرانسه مراجعت کرده از آنجا یکسر بدولت علیه (ایران) برود، اوایل گویا حرفهای او را اولیای دولت روسیه جزو هوا محسوب میداشتند چندان اعتنائی در اول ورود بحرفهای او نداشتند لکن این دفعه قدری حرفهای او را گوش میدهند از قراریکه خود تقریر میکرد «پرنس غرقفوف» و وزیر مالیه زیاد تحسین کرده اند و بلکه مشوق شده اند که این راه را زودتر تمام کند.

حرف سالوان خان این است که : تا اینجا قول صریح ندهند که دولت روسیه هم در سرحد خود راه شوسه را درست خواهد کرد من اعتماد باین حرفها نخواهم داشت . گویا دولت روسیه هم بعهده نواب گراندوک جانشین قفقازیه محول کرده اند که هر گونه او صلاح داند مجری بدارد ، معلوم است محض از برای اینکه راه تجارت ایران از قفقازیه باز شود دولت روسیه کمال اهتمام خواهد کرد که این راه را بسازد .

مراجعت سالوان خان معلوم نیست گویا ده پانزده روز دیگر هم در اینجا خواهد ماند چون استحضار جنابعالی لازم بود جسارت نمود، زیاده چه عرض شود. غره ذی قعدة ۱۲۸۲ (پشت کاغذ مهر - عبدالرحیم الحسینی (ساعد الملك) (۲)

- ۱ - سالوانخان = ارمنی = تبعه فرانسه ایرانی الاصل در دوره ناصری برای کارهای اقتصادی در ایران کوشش های بی ثمری کرد .
- ۲ - کتاب چهارم از اسناد وزارت امور خارجه .

سند پنجاه و چهارم گزارش وزیر مختار ایران در روسیه در باره خطوط تلگرافی ایران

خدايگانا دربال گراندوك قسطنطين به جناب مسيوتولستوى وزير پست و تلگراف ملاقات كرده مشاراليه فصلى درباب دوفقره آتیه صحبت كرد و از بنده خواهش نمود كه مراتب را باستحضار اوليای دولت عليه برساند .

اولاً مذکور داشت كه بجهت تسهيل عمل و بملاحظه اينكه عملجات تلگرافخانه ما به اصول و قواعد شما و عملجات تلگرافخانه شما به اصول و قواعد ما بصيرت تمام بهم رسانند من ازنواب والا اعتضادالسلطنه خواهش كرده بودم كه رمز تلگراف سرحد جلفارا يكى بكنيم ، يعنى دفتر تلگرافخانه ما هم بآنجا حمل و نقل شود كه الآن محل مزبور بجهت دفتر تلگراف شما معين است .

نواب معزى اليه دراول خواهش مرا قبول فرموده بود گويامتعذر شده اند كه همان محل بجهت دفترخانه مرغوب نيست بايد خانه ديگر ساخت ، چون منظور من اطلاعاتى است كه عملجات طرفين از اصول يكدیگر حاصل نمايند لهذا مرغوبى و نامرغوبى محل را پايى نيستيم خواهش دارم اذن داده شود كه دفترخانه ما هم در همانجا باشد كه بالفعل دفترخانه تلگرافخانه ايران آنجا است بعد كه خانه ديگر ساخته شد اين را تغيير دادن و هردو خانه را آنجا حمل و نقل كردن كار آسان است و ميگفت اگر نواب معزى اليه همچو صحبتى در حق

من بکنند منهم من بعد در هرباب از قبول خواستهای ایشان مضایقه ندارم و بمناسبت ذکر این فقره زیاد اظهار امتنان از مراقبت نواب والا در نظم عمل تلغراف کرد و گفت از وقتی که نواب والا بمقام تنظیم عمل مزبور برآمده‌اند الحق زیاد امر تلغراف پیش رفت کرده است.

فقره ثانی این بود که اولیای دولت قاهره ایران قیمت تلغراف را زیاد گران کرده‌اند و تلغراف بآن قیمت چنان کار نمی‌کند و میگفت در این فقره حق بجانب اولیای دولت علیه است زیرا که چندان مدتی نیست که تلغراف در ایران بنا شده مادامی که درست پشت و روی کار ملاحظه نشده اگر کسی تکلیف کند که قیمت تلغراف را کم بکنید بیشتر منفعت برمیدارید، این تکلیف در بادی نظر قدری غریب می‌نماید چنانچه ماهم تا دو سال پیش همین حالت را داشتیم لیکن همینکه چند سال گذشت و از عمل تلغراف اطلاع کامل حاصل شد خواهند دانست که اظهارات من اقرب بصواب بوده چنانچه بیشتر قرار ما با دول خارجه بهر تلغراف ۲۴ فرانک بود حالا دوازده فرانک شده آخر سال حساب کردیم دیدیم به صدسی بیشتر مداخل شده‌است باین معنی که اگر سابقاً صدمنات مداخل داشت و در این اواخر که قیمت را کم کرده‌ایم مداخل صد و سی شده و هم‌چنین در داخله روسیه حالاً مدتی میشود که قیمت آن تنزل کرده از آنوقت بی‌بعد در بعضی جاها بصد و سی و در بعضی جاها دیگر بصد صد آورده‌است یعنی اگر پیشتر سالی صدمنات تلغراف کار میکرد حالا در برخی جاها صد و سی و منات و صد و چهل منات و در بعضی جاها دیگر دو صد منات می‌آورد، دیگر منفعت بالاتر از این چه می‌شود؟

اگر اولیای دولت علیه هم قیمت تلغراف را قدری تنزل بدهند آنوقت

بیشتر راغب و طالب مخابره تلگرافی شده مکاتبات خودشان را بتوسط تلگراف خواهند نمود ، در اینصورت اولیای دولت علیه آخر سال خواهند دید که مبلغی بیشتر از سنه ماضیه عملکرد تلگراف شده است .

ماهم این همه تجربیات را از تلگرافخانه های دول اخذ کرده و معمول داشته ایم که الآن منافع استعمال این تجربیات را مشاهده میکنیم و چون این بنده را متعهد کرد که مراتب را بعرض اولیای دولت علیه برساند لهذا جسارت کرده عرض نمود زیاده چه جسارت شود - مورخه شهر رجب المرجب ۱۲۸۳ -
مهر عبدالرحیم الحسینی (ساعد الملك) . (۱)

۱ - ج ۵ کتاب اسناد معرمانه وزارت امور خارجه - توضیح - این گزارش را ساعد الملك برای علیقلی میرزای اعتضادالملطنه وزیر علوم که کار تلگراف هم در آن زمان بمهده او محول بوده نوشته است .

سند پنجاه و پنجم گزارش تلگرافی از مشهد درباره اوضاع افغانستان

وقایع افغانستان را از قراری که کسان این فدوی دولت قاهره و عالیجاه
اللهقلی سردار حاکم «کوه سومه» نوشته بودند محققاً آنکه سردار محمد اعظم
خان برادر سردار محمد افضل خان و سردار شاهنواز خان پسر سلطان احمد
خان و سردار محمد عمر خان با جمعیتی از کابل بر سر کلات غلجائی آمدند،
سردار فتح خان حاکم کلات متحصن گردیده امیر شیر علیخان از قندهار با
جمعیت خود روانه کلات شده در حدود کلات تلاقی فریقین اتفاق افتاده در
هنگام مقابله لشکر شیر علیخان از او روگردان شده با کابلی ملحق شدند، شیر
علیخان هزیمت خورده به قندهار آمد او را در شهر راه ندادند لهذا با سردار
امیر افضل خان و فتح محمد خان و سکندر خان و معدودی روانه هرات شدند تا
فراه یقیناً رسیده اند و خبر آن به هرات رسیده که در این چند روز وارد هرات
می شوند، اخبار مختلفه مذکور می شود ولیکن حقیقتی هنوز ندارد، انشاء الله
خبر صحیح عنقریب خواهد رسید.

از اینکه شیر علیخان با این حالت وارد هرات و از همه جا مأیوس است
احتمال کلی دارد التجا باین دولت ابد مدت آورده استدعای تقویتی بنماید و
یحتمل که جمعیتی از جانب قندهاری از قبل سردار شاهنواز خان متعاقب او به
هرات بیاید و هراتی هم معلوم نیست با او ایستادگی کند لاجلاج رو باین سمت

بیاید . در اینصورت چه عیب دارد از حالا از دولت قاهره تحقیق شود که هرگاه چنین اتفاقی افتاد تقویت لشکری یا پولی به هرات لازم است یا خیر و و اگر در هرات توقف نتواند کرد و رو به اینطرف بیاید دستورالعمل چه چیز است (۹)

فقره دیگر اینکه در افغانستان شهرتی دارد که محمد افضل خان بواسطه پسرش که در ترکستان است با دولت روسیه رابطه دارد و باین واسطه دولت انگلیس از او بی میل و تقویت شیرعلیخان را می نمودند اکنون که کار باینجا رسیده و دست انگلیس به او و از او به انگلیس نمی رسد چه عیب دارد محرمانه از سفارت انگلیس استمراج شود که حالا راضی می شوند امنای دولت علیه تصرفی در هرات کرده و نگاهداری شیرعلیخان را نموده از تصاحب غیر محفوظ بماند یا نه ؟ اگر چنین اذنی حاصل شود بدون مخمسه تصرف هرات بسهولت خواهد شد . و نیز چه عیب دارد که از دولت روسیه هم استمراج شود که در این اوقات تصاحب هرات چه عیب دارد و از این سؤال مشخص می شود که با سردار محمد افضل خان راهی دارند یا خیر اگر داشته باشند البته صلاح نخواهند داد در اینصورت هم مجهولی معلوم می شود و تکلیفی دانسته خواهد شد . در آن دفعه که امیر شیرعلیخان شکست خورده بود مهدیقلیخان ایلخانی جمشیدی برادر عبدالله خان بواسطه فدوی با مقرب الخاقان حاجی شهاب الملك رابطه و مکاتبه داشت خیالش اینکه چون با محمد افضل خان خوب نیست و با پسر سلطان احمدخان نیز خونی می باشد ایل خود را برداشته داخل خراسان شود و رعیت دولت گردد، مقرب الخاقان معزی الیه نیز او را امیدوار بمراحم دولت

علیه نمود، درین ضمن چون رونقی بکار شیرعلیخان بهم رسید و حاجی امیرتومان روانه طهران گردید این سخن در پرده ماند، حالا این آدمی که آمد باز همان پیغام را داده است، در این باب هم اطلاعی به اولیای دولت قاهره لازم است بواسطه آدم محمدخان هزاره این اعلام را نموده آدم اورا هم امروز انشاءالله مرخص فرمایند بهتر است.

در باب فاضل موجب پسر عباسقلیخان مرحوم که در جنگ کشته شده و آن زیادتى را در طهران مقطوع فرموده اند یادآور می شود که حسب الوعدہ که به اللهقلی مرحمت فرموده و آن پسر را امیدوار فرموده اید از خاکپای مبارك استدعا فرمائید که کما فی السابق برقرار شود شوال ۱۲۸۳ فدوی ابوالحسن الموسوی (۱)



سند پنجاه و ششم گزارش تلگرافی از مشهد در باره اوضاع هرات

دو يوم قبل تفصیلی که از هرات در باب احوالات امیر شیرعلیخان و باقی اخبار افغانستان نوشته بودند عرض کرده بودم ، حکایات آنجا تا حال هرچه مسموع شده بود مظنون بود والآن بصحت رسید ، امروز که روز پنجشنبه هشتم ماه شوال است مرتضی قلی پسر مرحوم عباسقلی خان غوریانی از نزد عموی خودش اللهقلی سردار از کوه سومه وارد شد خبرش اینکه امیر شیرعلیخان با سردار امیر افضل خان پدرزنش و فتح محمدخان برادرزاده خود و جمعی وارد هرات شدند و متعاقب آن در هرات خبر رسیده بود که سردار شاهنواز خان پسر سردار سلطان احمدخان (۱) با جمعیت و استعداد وارد فراه شده عازم هرات است ، بعد از وصول این خبر امیر شیرعلیخان در فکر خودداری و قلعه بندی افتاده مشغول فراهم کردن اسباب تعمیر برج و بارو و تعبیه خندق و غیره می باشد و سایر اخبار بنحوی است که عرض شده از این قرار کار هرات مختل است و احتمال می رود که کسی هم از جانب آنها درین جا بیاید و از روزنامه نویس (۲) و کسان مخلص نیز خبر خواهد رسید و اطلاع بر حقیقت امور بومیه انشاءالله واصل خواهد شد - باقی امر کم العالی مطاع . شوال المکرم ۱۲۸۳ ابوالحسن الموسوی (۳)

- ۱ - سلطان احمدخان و پسرش در مدت جریان اختلاف ایران و انگلیس درباره هرات نسبت به ایران وفادار بودند .
- ۲ - روزنامه نویس = راهبر نویسنده .
- ۳ - کتاب دهم 'سند وزارت امور خارجه' .

سند پنجاه و هفتم

گزارش محرمانه برای ناصرالدین شاه

درباره اسرار برخی از سفارت خانه‌ها

سفارت انگلیس - روز سه شنبه ناظم افندی (۱) بدیدن وزیر مختار آمد (۲) و از آنجا خانه وریر مختار فرانسه رفت ازقراری که آدم موسی گری دفتر دار سفارت فرانسه نقل میکرد انگلیس ها از رفتن موکب همایون بخراسان اوقاتشان زیاد تلخ است ، از زمان شیل صاحب (۳) که میرزا حسینقلی منشی سفارت بود بقدر سیصد چهارصد مهر کاغذ بهمه اسم و همه قسم داشتند آنچه کاغذجات اهل ایران از خارج و سایر ولایات به دارالخلافه می نویسند از نوکر و تجار ورعیت تماماً را باز می کنند و در دفترخانه انگلیس از کیفیت نوشتجات مطلع می شوند دوباره سرش را مهر کرده میفرستند ، در خروج و دخول چاپار این قاعده مستمر است و اکثر مردم آنچه امور مخفی دارند باطلاع و صوابدید محمدحسن خان نواب (۴) که منشی اول سفارت است (انجام میدهند) روزنامه نویس میگوید بیست و هفت سال است در سفارت عثمانی خدمت میکنم آنچه از حالت آنها فهمیده ام هرچه بتوانند در خیال مداخله و اخلال کارهای دولت ایران هستند .

روز چهارشنبه وزیر مختار روس بدیدن ناظم افندی آمد ، از قراریکه در سفارت عثمانی مذکور است وزیر مختاری از دولت عثمانی مأمور به ایران است ، بهاء افندی که معلم حمید افندی است بناظر سفارت گفت که امروز تلگراف کرده بودند که صدراعظم دولت عثمانی را عزل کردند و یکی از پاشاهای دیگر را صدراعظم می کنند (اینها) عزل می کنند اما مثل دولت ایران

کشته و یا حبس نمی کنند ، نگاه میدارند که باز بکار خدمت بیاید .
روز چهارشنبه خاکه زغالی از سفارت می خواستند بخانه یکی از نوکرها
بفرستند سرباز برای حمل خاکه زغال آورده بودند صاحب منصبهای سفارت
از سربازها پرسیدند چرا حمالی میکنید ؟ سرباز ها گفتند هرگاه کسب و
فعلگی نکنیم با این جیره و مواجب کم که آنهم نمیرسد چه قسم زندگی
می توانیم کرد (۲) .

صاحب منصب ها بوضع نوکرداری در ایران شمانت کردند که بحسب
شجاعت و طاقت نوکرایران از همه دولت ها بهتر است اما این قسم نگاه میدارند
که باترکمن هم که جنگ می کنند شکست می خورند ، با اینحال سالی مبالغی
به صاحب منصب های فرنگی (۴) که این نوکر گرسنه را مشق و تربیت می کند
میدهند .

یوسف نامی است پیشخدمت وزیر مختار انگلیس خوشگل است مثل
زن فاحشه با وزیر مختار و همه صاحب منصب ها سروکار دارد .

محمدحسن بیگ نامی است پیشخدمت وزیرمختارفرانسه زنی دارد از
چشم عاجز از برای وزیرمختار زن فاحشه می آورد . شوال ۱۲۸۳ بی امضا (۵)

۱ - ناظم افندی = شارژدافر سفارت عثمانی .

۲ - وزیرمختار انگلیس = الیسون .

۳ - شیل = وزیرمختار انگلیس درآغاز سلطنت ناصرالدین شاه .

۴ - نوابها تبعه انگلیس و روزگاری دراز در سفارت انگلیس خدمتگذار و در سیاست ایران
فحش مشکوکی داشته اند از محمدحسن خان و جعفرقلیخان و حسنعلی خان تا حسینقلی خان که از
۱۳۰۸ ق بمضویت وزارت امور خارجه ایران درآمد و چندی هم در ۱۳۲۸ ق وزیر خارجه
و در جنگ جهانی اول وزیرمختار ایران در برلن بود .

۵ - کتاب دهم اسناد وزارت امور خارجه .

سند پنجاه و هشتم

گزارش میرزا محمدخان قاجار (۱) از مشهد درباره سفر شاه و فرمان پذیری ترکمن

قربان خاکپای مبارک شوم دستخط مبارك فرموده بودید که به جهت تشریف فرمائی خراسان طوری می شد که از ریش سفیدان آخال نشین و از طایفه سائرق و از طایفه سالور که زورآبادنشسته اند در مشهد مقدس حاضر می شدند که بخاکپای همایون مشرف شوند و مورد التفات و مرحمت بشوند ، خانه زاد در این خیال بود گفتگو با حضرات کردیم و میکنیم امیدوار هستم انشاءالله طوری قرار داده شود که شرفیاب بشوند . تفصیل حالت ترکمانها حال از این قرار است که عرض می شود . طایفه سائرق که در پنجاه می نشیند در بیست و پنجم ماه مبارك باباخان که میان طایفه سائرق ، خان بزرگ است ، با قاضی آن طایفه با یکصد نفر از ریش سفیدان آن طایفه وارد شدند حال اینجا هستند آمده اند خدمت بکنند ، خانه زاد هم هر روز اخراجات میدهد ، با آنها گفتگو شد و مقصود آنها معلوم شد و انشاءالله از تصدق سرمبارک بطوری با آنها قرار خلعت داده شود .

از آمدن اینها ، تکه ، های مروی (۲) اوقاتشان تلخ اسب نمیدانم رأی مبارك قرار می گیرد اگر آنها طالب به آمدن (باشند) در سرخس نشین بکنند قبول می فرمائید یا خیر (؟) اگر اینطور بشود پدر مروی ها سوخته می شود ، علی الحساب سائرق ها که اینطور آمدند ، تکه مروی ماند ، آدمشان آمد و کاغذ اطمینان خواسته بودند نوشته دادم آدمشان رفت قرار گذاشته اند بعد از ماه مبارك از ریش سفیدان هر طایفه بیایند قرار خدمت نوکری خودشان (را)

بگذارند ، قوشه خان ، (۳) هم زیاد سعی دارد چونکه يك خان تازه پیدا شده است میان طایفه ترکمان ، آنها زیاد شائق خدمت هستند آدمشان آمد و رفت ، قوشه خان که اینطور دید آنها حال می خواهد خدمت بکند . . . طایفه سالور زور آباد نشسته اند حاضر هستند با آخال نشینها که حاضر هستند بخاکپای مبارك مشرف می شوند ، انشاء الله امیدوار هستم از هر طایفه ترکمان بخاکپای همایون مشرف شوند ، قراولخانه سرحداث از تصدق سرمبارك خوب منظم است ، دزدی خبری نشده است الحمد لله خصوص این فتح الله یار خان دره جزی .. ملاحظه می فرمائید در حقیقت الله یار خان مستحق مرحمت است يك شمیر مرصع مرحمت بفرمائید بجا است ، تفصیل ملاحظه بفرمائید معلوم می شود خانه زاد عرضی که کرده است بجا بوده است . امر امر همایون است شوال ۱۲۸۳ پشت کاغذ مهر - انا عبد من عبید محمد . (۴)

۱ - میرزا محمد خان قاجار (سپهسالار) در ۱۲۸۳ - استاندار خراسان بوده است ناصرالدین شاه در ذیحجه ۱۲۸۳ باتفاق مادرش (مهدعلیا) بزیارت آستان رضوی عازم خراسان شد و سفر او در آرامش خراسان اثر گذاشت ، ناصرالدین شاه یکبار دیگر هم در سال ۱۳۰۰ به خراسان سفر کرد .

۲ - تکه = از تیره های شریر ترکمن مجاور مرو .

۳ - قوشه خان = از سران ترکمن .

۴ - کتاب دهم اسناد خطی وزارت امور خارجه .

سند پنجاه و نهم

راپورت محرمانه برای ناصرالدین شاه

درباره رویدادهای سفارتخانه‌ها

سفارت انگلیس - وزیرمختار (۱) از تشریف فرمائی موکب همایون به خراسان در خیال آن است که اسبابی فراهم بیاورد بلکه این سفر موقوف شود. ابراهیم نامی است باغبان وزیرمختار زنی و دختری دارد هردو باوزیر مختار سروکار دارند ، وزیرمختار بسیار طالب اطلاع و فهمیدن امورات مخفیة دولتی است و در این فقره خرجهای گزاف می‌کند ، غلام خانه‌زاد به روزنامه - نویس پیغام کردم که اگر بتوانی معلوم کنی که از اهل خلوت و خارج وقایع نگار وزیر مختار کیست انعام زیادی بتو میدهم . دختری از اهل شهریار پدرش آورده از بابت فقر به وزیر مختار به سی‌تومان فروخته دختر را در خانه عبد الرزاق منزل داده‌اند ماهی چهار تومان خرج میدهند بعض اوقات وزیرمختار آنجا میرود، گاهی دختر را می‌آورند ، اسم دختر «شیرین جان» است .

سفارت عثمانی - حاجی افندی حامل نشان بنای مراجعت دارد از راه کرمانشاه و کردستان و سرحدات آذربایجان تا تفلیس میرود علی الحساب به اسم ریارت عتبات از این راه خواهد رف اما باطناً اطلاع از سرحدات است .

چاکر آستان هنوز از برای سفارت روس و فرانسه آدمی که محل وثوق باشد نتوانسته است پیدا کند زیرا این مطلب را بهر کس نمی‌توان گفت و از هر کس نمیتوان اطمینان حاصل کرد چنین نیست که فرمایشات خدیوانه را فراموش نماید یا از خرج این کار خست نماید ، به نمك با محك شاهنشاه روحنا فداه فرمایشات ملوکانه را اگر چه خیلی جزئی باشد شبها که از خواب بیدار شود در فکر انجام است چه رسد به روز ، هر چه ناتمام و موافق سلیقه شاهنشاه نباشد از عدم کفایت و نامساعدتی بخت خانه‌زاد است . شوال ۱۲۸۳ (۲)

سند شصتم
گزارش تلگرافی
در باره استرabad (گركان)

شاهزاده ملك آرا (۱) بعد از ورود تا حال همه روزه به امر سان قشون از سواره و پیاده و رسانیدن مواجب و جیره آنها اشتغال دارند و محمد خان نایب اجودان نیز همه روزه حاضر است و تنخواه را نفر به نفر به آحاد قشون می‌دهند و لشکرنویس‌ها ثبت می‌کنند و سرباز مراغه را سه روز قبل سان داده جیره پنجمه دادند و طایفه تیغی (۲) که سیاست شدند سایر طوایف دسته به دسته می‌آیند و قبول خدمت کرده خلعت و الثفات دیده مراجعت می‌نمایند .

سه روز قبل «طایفه داز» (۳) که از معاریف تراکمه هستند ریش سفیدان خود را فرستاده‌اند قبول خدمت کرده خلعت گرفته مراجعت کردند ، چند نفر از طایفه « قراقچی » (۴) چند نفر را اسیر کرده بودند ، سوار داز مانع شده نزاع کرده بودند يك نفر از سوار داز کشته شد و چند نفر هم از قراقچی کشته شده اسیر را گذارده فرار کردند .

يك نفر زن دوسال بود در میان ترکمان اسیر بود دو روز قبل ترکمان‌ها او را آورده بشاهزاده پیشکش کردند ، جوانی استرabadی در میان طایفه قراقچی اسیر بود دو روز قبل اسبی برداشته فرار کرده خدمت ملك آرا آمد .
از خوانین « جعفر بای » (۵) محمدخان و دریا قلی خان دیروز بخدمت شاهزاده ملك آرا آمده دونفر اسیر پیشکش کردند و شاهزاده ملك آرا امروز

به آق قلعه رفته دوشب آنجا توقف کرده بازدید قشون را نموده مراجعت می‌کند و در روز بیست و سوم خیال دارند به قرآنه رفته اردو بزنند و بیست روز بمانند بجهة استرداد اسرا. سربازی از فوج مراغه سرقت کرده بود گرفته سیاست کردند، مذکور داشت چند نفر از اهل فوج همدست دارم آنها را گرفته چیزی از آنها بروز نکرده سرتیپ مراغه خواست اموال مسروقه را از خود بدهد یکی از سربازها که گمان درحق او نمیرفت چند سرقلیان و چیزهای دیگر آورد دادو گفت : من نمیگذارم سرتیپ ضرر بکند و اینها پیش من بوده است . فوج لاریجانی در آق قلعه و سوار خاجوند در سیاه مالا مشغول خدمت هستند . نرخ از قرار سابق است . ۱۹ شوال ۱۲۸۳ (۶)

۱ - ملك آرا = عیاس میرزا (برادر ناصرالدین شاه) .

۲ - ۳ - ۴ - ۵ = از تیره های ترکمن .

۶ - کتاب دهم از اسناد وزارت امور خارجه .

سند شصت و یکم

گزارش میوزا سعیدخان وزیر امور خارجه به شاه

درباره گسترش تلگراف

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم - جواب یکی از کاغذهای شارژدافر روس را درباب کشیدن سیم تلگراف بر حسب اجازت همایون نوشته ارسال خاکپای مبارک نمود که اگر از ملاحظه و امضای دستخط همایون بگذرد از آن قرار جواب نوشته شود. در عین حال مأخذ نواب اعتضاد السلطنه (۱) همان خواهد بود که وزرا مشخص نموده اند و به امضای دستخط مبارک رسیده است.

فقرات کاغذ دیگر شارژدافر را حسب الامر بیرون نویس کرده فرستاد از عرض پیشگاه اقدس می گذرد بهر طور که امر و مقرر فرمودند از آن قرار جواب نوشته خواهد شد.

در ضمن قرارداد تلگرافی که مبادله شده همینقدر مقرر است که چهار نفر ایرانی را دولت ایران موجب بدهد در تلگرافخانه های قفقاز بصوابدید رئیس تلگراف روس خدمت بکنند و چهار نفر روس را دولت روس موجب بدهد بصوابدید رئیس تلگراف ایران در ایران خدمت کنند، کرایه خانه چندان وجه قابلی در تبریز نخواهد بود، روزی يك تومان مخارج میکانیکچی هم منحصر به ایامی است که او مشغول واریسی امتداد سیم است اگر دوماه بکشد بشصت تومان

و اگر چهار ماه طول داشته باشد بالمضاعف خواهد شد، اینها را دوستانه توقع کرده است بهر طور که حکم همایون شرف صدور یابد مختارند .

درباب مخارج شارژدافرلندن (۲) که مقرر فرموده اند بنظر مبارك زیاد آمده است ، اگر مقرر می فرمایند نصف دوازده هزار تومان ناصر الملك (۳) در حق شارژدافر برقرار شود که شش هزار تومان باشد، هزار هم از آنچه عرض شده بود کمتر ، باز بهره مقرر فرمایند معمول خواهد شد .

فدوی (فهرستی) در دست گرفته که مشتمل بر تمامی مخارج مختصة مأمورین و اجزای خارجه است بملاحظه همایون میرسد .

امیدوار است این غلام فدوی تجویز نکرده باشد که مال دیوان بجای بیهوده صرف شود ، بنمک همایون مردم و کارکنان سابق مداخلات بی معنی کردند ، این چاکر فدوی بجز ملاحظه صرفه دولت خیالی نداشته این مسئله در ضمن آن حساب در نظر همایون خوب واضح خواهد - شد ذیقعه ۱۲۸۳

الامر الاقدس الاعلی مطاع - مهر - سعید الانصاری (۴)

-
- ۱ - علیقلی میرزا وزیر علوم که کار تلگراف هم در آغاز زیر نظر او بود .
 - ۲ - علی اکبر خان - پس از لحضار ناصر الملك وزیر مختار، مسئول مفارت ایران در لندن بود.
 - ۲ - میرزا محمود خان قراگزلو،
 - ۴ - کتاب دهم اسناد وزارت امور خارجه

سند شخصت و دوم

نامه کنسول حاجی ترخان

در انتقاد از سیاست وزارت خارجه ایران

شماره ۲۸ - خدایگانا - دوسه روز قبل «غورناتوره» حاجی ترخان به کنسولگری دولت علیه آمده بود بعد از صحبتهای متفرقه گفت تعجب از تدبیر جناب وزیر امور خارجه دولت ایران دارم ، گفتم چطور ؟ گفت :

همه دول اکنون منظورشان از دیاد روابط اتحاد و يك جهتی بایکدیگر است و عالم بحسب طبیعت باپولتیک در جنبش است و مجموع دول بجهت حفظ و حرمت و شأن و رتبه و حقوق خود مأمور پولتیک دان هوشمند و بنا استعداد از درجه اول در پایتخت سلاطین می گذارند چنانچه اولیای دولت بهیة روسیه محض کثرت پیشرفت و تسهیل اجرای منظور خودشان در اسلامبول به ایلچی مخصوص اکتفا نموده «جنرال المیاتیف» را که ایلچی مخصوص روس در اسلامبول بود ایلچی کبیر نمودند . چرا باید وزیر امور خارجه دولت علیه با آنهمه کفایت (۱) در چنین وقت راضی باشند که دولت ایران در لندن و پاریس و از قرائیکه معلوم می شود در پطر بورغ شارژ دافر داشته باشد ؟ .

فدوی گفت گمان ندارم که اولیای دولت علیه در نظر داشته باشند همیشه شارژ دافر در لندن و پاریس گذارند و از اینکه خیالشان این است در پایتخت روسیه هم شارژ دافر باشد بهیچوجه استحضاری نداشته و نمیتوانم باور نمود .

گفت : نه چنین است که شما تا حال خبر نداشته باشید .

بجهت استحضار خاطر مرحمت مظاهر جنابعالی جسارت بعرض نمود .

مهر - معصوم انصاری ۲۲ محرم ۱۲۸۴ (۱)

سند شصت و سوم

گزارش کنسول ایران در حاجی ترخان

در باره نا امنی در ترکمن صحرا

خداوند گارا - جناب غورناتوره حاجی ترخان تفصیلی در کیفیت استرabad و هجوم تراکمه به کمترین فدوی بیان نموده و تعجب میکرد که اولیای دولت علیه ایران باوجود استحضار تمام از رفتار و خیال تراکمه در استرabad و آن صفحات استحکامات لازمه از قشون و غیره در آن جا مهیا ننموده و همیشه اهالی استرabad از قتل و غارت آن طایفه شریر متزلزل و پریشان و اطمینان درست از اموال و جان خودشان ندارند و این طایفه جسور شده اند که ادعای تصاحب استرabad را نموده و آنجا را محاصره کرده و گفته اند که باید ده هزار تومان حاکم استرabad بما تعارف بدهد و حاکم از جانب ما نصب بشود .

کمترین فدوی در جواب مشارالیه گفت: ترکمان ها آشوبی در استرabad کرده چند نفری در میانه کشته شده ولی اینطوریکه جناب شما می گوئید باور ندارم که ترکمان ها بتوانند اینقدر جسور و دلیر بوده باشند که ادعای تملک در استرabad و نصب حاکم در آنجا بنمایند و اولیای دولت علیه نه چنین است که استحکامات لازمه در آن حدود نداشته و فرصتی زیاده از این باین طایفه بدهند ، انشاء الله خیلی زود بگوش شما خواهد رسید که چگونه آنها را مغلوب و منکوب و بسزای اعمال ناصواب خودشان خواهند رسانید .

گفت: البته باید يك دولت قدیم مثل ایران همیشه در خیال نظم و ترقی خود بوده اسباب آسایش تبعه خود را در همه جا فراهم بیاورند.

چند روز بعد از این گفتگو از عالیجاه «میرزا آبکار» مترجم قنصلگری که نزد مشارالیه بجهت امری رفته بود پرسیده بود که به قونسول اینروزها پاکی از طهران آمده یا خیر؟

«میرزا آبکار» گفته بود بتازگی که خیر، جناب «غورناتور» گفته بود اینروزها می خواستند کیفیت استراباد را بطور بد در روزنامه حاجی ترخان چاپ نمایند که حاکم آنجا محض از ترس خود و نمودن حسن خدمت بخاکپای اعلیحضرت شاهنشاه ایران عریضه داشته است که ترکمانها را مغلوب و شکست فاحش داده و اکنون استراباد قرین نظم و نسق و اهالی آن جارا نهایت آسودگی حاصل است، و انگهی واضح است که تا بحال ترکمانها از محاصره استراباد و بی اعتدالی خودشان در آن صفحات دست نکشیده و در عزم خود باقی هستند. از تجار استراباد اینروزها وارد حاجی ترخان می شوند هر کدام بطور دیگر این کیفیت را تقریر می نمایند و کمترین فدوی که بهیچوجه در این باب استحضار ندارد که در وقت ضرورت و گفتگو با کارگذاران دولت بهیه روسیه بتواند اظهار اطلاع نماید و نمیداند که خدام جناب جلالتمآب اجل دام اجلاله العالی با وجود جسارتی که فدوی در ضمن عریضه مورخه شانزدهم شهر صفر المظفر ۱۲۸۴ در باب بی استحضاری خود از اوضاع دارالخلافه نمود چرا نخواستند بصدور نوقیع رفیع فدوی را از این واقعه مستحضر فرمایند. امیدوارم که انشاء الله از فر شوکت و اقبال سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه

ظل الله روحنا و روح العالمین فداء و از حسن تدابیر صائبه اولیای دولت علیه تاکنون تنبیه شایسته باین ضایفه یاغی شده و امن و امانی که مأمول ایرانیان است در آن صفحات حاصل شده باشد ، اگر تا وصول این عریضه این کیفیت را خدام جناب جلالتمآب خداوندگاری بجهة استحضار کمترین فدوی مرقوم و ارسال نفرموده اند غذغن خواهند فرمود که فدوی کمترین را از تفصیل این فقره بی اطلاع نگذارند زیاده جسارتی ندارد - مورخه ۲۴ شهر ربیع الثانی ۱۲۸۴ مهر - معصوم انصاری . (۱)

سند شصت و چهارم

گزارش کارگذار کردستان به وزارت امور خارجه

در باره پیشنهاد عشایر عثمانی

در این اوقات که خبر اغتشاش سرحد کردستان و مقابله عساکر و سرحدنشینان طرفین دولت علیه ایران و عثمانی انتشار یافته است از طرف شخصی که در آن طرف ها دستی دارد و مردم با او بطریق ارادت حرکت می نمایند اظهار شده که اگر کارگذاران دولت علیه ایران مایل باشند چند نفر حاکم و مباشر بی جمعیت و اسباب از جانب خود مأمور و روانه و الاً من خود بهر یک از ولایات از قبیل سلیمانیه و کوت و بصره و یعقوبیه و شهربان و غیره مامور می نویسم روانه میکنم که اهل بلد هر یک از آن ولایات بمیل و خواهش خود بی آنکه تیرتفنگی از طرفی دربرود مأمورین عثمانی را بیرون نموده و بمأموران دولت علیه خدمت نمایند .

این شخص الآن در خاک ایندولت علیه و از اشخاص مقبول القول است ، و از طرف دیگر چون جمیع عشایر اعراب از حرکات ناهنجار ایالت بغداد بستوه آمده و متفر می باشند به والی پشتکوه (۱) رشته پسر و برادر خود را فرستاده اند که اگر اولیای دولت علیه ایران بما اطمینان بدهند و مایل باشند بی آنکه جمعیتی از آن طرف مأمور شود ما خود در مدت ۱۵ روز بغداد و عتبات و آن نواحی را با نجف اشرف بتصرف می دهیم و خود متحمل زحمات انجام این عرض می شویم و عارضین این مطلب از عشایر معتبر عربند ، از جمله طوایف بنی لام و خزائل و آل بنی رحمة و غیرهما و در عرب معتبرتری از این طوایف نیست .

محض استحضار خاطر مبارك لازم بعرض دانستم که این اشخاص از از عهده انجام این مطالب می توانند برآیند ۲۴ ربیع الثانی ۱۲۸۴ (ق) پشت کاغذ مهر - یا موسی (۲) .

۱ - حسینقلیخان والی پشتکوه معروف به ابوقداره از مرزداران و سران نامی عشایر .

۲ - کتاب هفتم اسناد وزارت امور خارجه .

سند شصت و پنجم
نامه وزیر مختار ایران در روسیه به وزارت امور خارجه
درباره اختلافات مرزی

خدايگانا - بعد از وصول وزارت تعليقه رفيه مورخه شهر ربيع الاول که در باب امورات معوقه سرحدیه و رد فراریان دولت علیه مرقوم و ارسال فرموده بودند از ییلاق بشهر رفته در وزارت خارجه جناب «وسمن» معاون وزارت مزبوره را ملاقات کرد و فقرات مندرجه تعلیقه رفيه را که همه مطالب و نکات عمده بودند فقره بفقره خاطر نشان کرد، الحق مشارالیه هم همه فقرات را تصدیق کرده گفت فی الحقیقه لازمه دوستی دولتین است که در عموم مطالب مساوات ملاحظه شده چنانچه از آن طرف مساعی لازمه در انجام مهام اتفاقیه بعمل میآید از اینطرف هم مراقبت کافی معمول شود و چون از مضمون تعلیقه رفيه مسامحه و ممانعت کارگذاران سرحدیه روس معلوم میگشت لذا این بنده را وعده صریح دادند که در این باب احکامات اکیده بقفقازیه نوشته ایفاد دارند که کارگذاران آنجا ابدأ ممانعت و اهمال در انجام مطالب دولت علیه نکرده چنانچه شایسته و مقتضی دوستی و مساوات است رفتار کنند و چون نظر بخواهش بنده حین فرستادن احکامات مزبوره بسفارت هم اطلاع خواهند داد، آنوقت بنده هم خدمت جنابعالی عرض و اظهار خواهد نمود .

در باب مقرب الخاقان سیف الملک (۱) و عالیجاه فرضی خان ایل بیگی (۲) هم فصلی ذکر کرد و اینگونه اهتمامات حسنه آنها را در انجام امور اتفاقیه سرحدیه زیاده در نظر آنها جلوه گر ساخت، چرا علاوه بر اینکه اینگونه

مراقبت و اهتمام مقرب الخاقان سیف‌الملک را در باب طی دعاوی تبعه روسیه میبایست محض امثال امر اولیای دولت علیه به اولیای دولت روسیه اظهار داشته و تحصیل تحسین و امتنان آنها را نماید بلکه بملاحظات دیگر هم مقتضی بود و میباید که اهتمام زیاد در این باب از جانب بنده بعمل آید ، زیرا که خود بنده در نزد جناب «کنیاز باراتسکی» جانشین سابق قفقازیه شخصاً اینگونه رفتار و حرکات مأموله مقرب الخاقان مشارالیه را ضامن شده است.

البته مقرب الخاقان سیف‌الملک خاطر دارند مادامی که این بنده در قفقازیه مأموریت داشت چقدر از اوصاف حمیده و بی‌غرضی مشارالیه به کارگذاران آنجا ذکر کرده و از حسن نیت مقرب الخاقان مزبور آنها را مطمئن کرده است.

فی الحقیقت اینگونه رفتار ایشان نه فقط بر حسب رضامندی اولیای دولین قوی شوکتین است بلکه باعث روسفیدی مزید اعتبار قول بنده هم میباید انشاءاله باز آنچه در این باب مقتضی شد از جانب بنده مضایقه و فرو گذاری نخواهد شد ، چون لازم بود جسارت بعرض نمود - مورخه چهاردهم شهر جمادی الاولی ۱۲۸۴ مهر - عبدالرحیم الحسینی .

۱ - سیف‌الملک (ظاهرآ) وجیه‌الله میرزا .

۲ ط فرضی‌خان = از ایل‌یگی های شاهسون .

۳ - کتاب هفتم اسناد وزارت امور خارجه .

سند شصت و ششم
گزارش فرهاد میرزا (۱) والی کردستان
در باره یکی از یاغیان مرزی

در باب «یاراحمد جاف» (۲) مقرر شده، مشارالیه این روزها عریضه نوشته اظهار بندگی کرده بود که لب نانی بمن بدهید که گذران من بشود و مایل خدمت گذاری دولت ایران هستم که از تبعیت عثمانی دست بردارم، جوابی خواهم نوشت که دورادور خدمت کردن معنی ندارد اگر راست میگوئی به شهر سنج بیا و همین جا ساکن باش، البته اولیای دولت باندازه حالت تو مرحمت خواهند داشت و از تقصیرات سابقه تو عفو خواهند فرمود، تا جواب اوچه برسد.

الآن در «ابناوه سومه» است و اگر تمکین نکرد صریحاً بحکومت سلیمانیه (۳) اظهار خواهد شد ولی حضرات هم کمال عجز را دارند و از عهده او بر نمی آیند و از هرزگی او طرفین خسته شده اند و چنین است که اگر تلف شود، دولت عثمانی بر اتلاف او راضی تر از دولت ایران خواهد بود.

در باب طایفه «جاف» هم سواد رقم آقا عباس را همراه آدم میرزا محمد رضای وزیر (۴) که هفتم ماه محرم روانه شد فرستادم هنوز جواب آقا عباس نیامده است که آن رقم را نشان داد و چه شد (؟) ولی اظهار آنکه بحکومت سلیمانیه اعلام شود مأموری از جانب ایشان به همراه جاف باشد، من صلاح نمیدانم، چرا که آمدن آن مأمور يك حق ثابتی خواهد شد و از آن گذشته اختیار ما در تأدیب و تنبیه آنها کم خواهد شد، کردستانی اگر اذن باطنی داشته باشند عجز از آنها ندارند، اگر مریوانی و سقزی از دست آنها عجز داشته باشند بخلاف

طوایف دیگر کردستان مثل «مندمی»، «کشکی»، «کوماسی» هستند که آنها در برابرشان کمال عجز دارند، اگر یک گوسفند ببرند ده گوسفند میتوانند تلافی بکنند، حضرات جاف بحالت ترس باشند بهتر است تا آنکه مأموری همراه آنها باشد که مایه زحمت بشود و شاهد مدعا گردد و بالفرض اگر حالا شکایتی کنند چون بتناول و تعدی عادت داشته‌اند و ماهم در مقابل حرفی بزیم قول ما مسموع‌تر است - دیگر اختیار با سرکار است.

محرم الحرام ۱۲۸۵ (پشت کاغذ مهر - عبده‌الراجی فرهاد) (۵)

-
- ۱ - معتمدالدوله . ۲ - یار احمد جاف = از رؤسای ایل جاف تابع عثمانی .
 - ۳ - از شهرهای دولت عثمانی (اکنون از شهرهای عراق) .
 - ۴ - میرزا محمد رضا = وزیرستندج .
 - ۵ - کتاب هشتم - اسناد وزارت امور خارجه .

سند شخصت و هفتم

گزارش هشیوالدوله سفیر ایران در عثمانی

درباره بحرین

فرمان خاکیای اقدس همانونت شوم - از وزارت جلیله خارجه تلغراف رسید که دولت عثمانی در ماده بحرین چه حق گفتگوئی دارد (۲) در این باب جوابی نفرستادم و چون در نظر آفتاب اثر ملوکانه هر چیزی مشهود و معلوم است جسارت بعرض می نمایم: هرگاه از طرف والی بغداد بخاطر جمعی این مرحله که می بیند دولت علیه هیچگونه استعداد بحریه ندارد چهار فروند کشتی بخار به سمت بحرین فرستاده شود جواب اورا بهمان شرائط معاهده میتوان داد، بعقیده چاکر خانه زاد صلاح حالت امروزه این است که بهمان تلغراف دولت انگلیس که می گوید بحرین متعلق به دولت ایران است اکتفا رود و بجهة سدره ورخنه دیگران بحرین و خلیج را بموجب فرمان در حمایت کارکنان دولت انگلیس واگذار فرمایند هم اثبات جدیدی بر حقیقت دولت علیه خواهد نمود و هم آنکه موفقی در حمایت انگلیس قریب افتاحدی مقتدر به آن نیست که در مقام تعرض بر آید یا خیال دست اندازی نماید، اگر اراده مبارک شهر یاری تعلق گیرد اسلم شقوق این است که بر حسب فرمان در حمایت کارکنان دولت انگلیس واگذار فرمایند. و چون شرح و بسط این فقره را در معروضات وزارت جلیله خارجه عرض نموده ام و بلحاظ مبارک خواهد رسید در این عریضه تفصیل ندادم، مقصود از عرض خانه زاد این است که امور خارجه بحرین و خلیج در حمایت کارکنان دولت انگلیس باشد نه داخله، در امور داخله آنجا مداخله از طرف دولت انگلیس ضرورت ندارد. الامر الاشرف الاعلی مطاع ۱۲۸۶ - پشت کاغذ مهر - عبده الراجی محمد حسین (۱)

سند شصت و هشتم
گزارش عیسی خان قاجار از گروگان
درباره رویدادهای مرزی

خداوند گارا- آدم امینی که حسب الفرمایش سرکار به قزل سو فرستاده بود
الیوم که سه شنبه دهم رمضان المبارک است مراجعت نموده به «خواجه نفس»
آمد و گزارشات را از این قرار بیان نمود که چهار فوج سربازوشش صد سوار
وسی عراده توپ دولت بهیه روسیه از آب خارج شده در همان کنار آب قلعه
بنا کرده بعضی خانه های چوبی که همراه آورده بودند نصب نموده وساکن
گردیده و حال مشغول بنائی و ساختن قلعه و عمارات میباشند و کشتی هارا روانه
نموده و يك فروند آتشی در آنجا نگاهداشته اند تا بعد چه روی دهد، عجالاً
این خبر را آوردند که عرض شد زیاده جسارت نمی نماید - ایام دولت متدادم باد
پشت کاغذ مهر - عبده الراجی عیسی - باخط سلیمان خان حکمران استرآباد خطاب
به وزیر دول خارجه (۱) کاغذ عیسی خان آقای قاجار است که در سرطایفه
«اقورجلی» است (۲) جاسوس فرستاده بود از روی تحقیق مراتب قزل سو و
جمعیت ارس را نوشته است باز هم مجدداً آدم فرستادم رفته است از برای
خبر بعد از رسیدن عرض خواهد کرد ۱۲۸۶ (۳)

۱ - وزیر دول خارجه = میرزا سعیدخان .

۲ - اقورجلی از طوایف ترکمن .

۴ - کتاب ۸ - اسناد وزارت امور خارجه .

سند شصت و نهم

گزارش

درباره اختلافات شاهسون

چنانچه سابق عرض کرد «فرضی خان» (۱) را مأموردولت بهیه «روسیه» اصرار کرد درپيله سوار حاضر شود وناظم (۲) رسماً کاغذ نوشت او را آورد به پيله سوار و کدخدایان شاهسون کلا درسراو جمع شده مشغول کارند و مأمور روسیه در منزل حاجی میرزا مهدی خان بود خواهش کرده بود که فرضی خان برود آنجا تا ملاقات کنند، فرضی خان هم که پایش درد گرفته بود بیک طوری او را برد به منزل ناظم، مأمور روسیه با مشارالیه سؤال و جواب کرده بود در باب اتمام دعاوی کلیه ایل شاهسون، فرضی خان گفته بود سواى «قوجه بیگلر» و طایفگی نورالله (۲) که من از آنها رجوع ندارد یعنی در اطاعت من نیستند اتمام باقى دعاوی کل شاهسون بعهده من همه را تمام میکنم و خودم را از تهمت ها خلاص میکنم، مأمور روسیه مهربانی به او کرده بود و حال به عموم مدعیان اخبار شده که حاضر شوند اول ادعاهای تمام شده را که حاجی میرزا مهدی خان قبلاً سند داده پردازند بعد بمقام سؤال و جواب ادعاهای تازه برآیند و خلاصه جملگی از رئیس و مرئوس، ایل بیگی و کدخدا و غیزه مشغول کار هستند و عجله زیاد در اتمام کار هویدا است.

حقیقت مأمورین سالهای سابق بسر عزیزت جمله را با اغراض نفسانی رفتار کرده اند و محض طمع خودشان و غرض کلیه و هوای نفس راه رفته اند،

کار گذراندن یعنی چه (؟)

همه را عیش و عشرت کرده اند و در بند پول و غیره بوده اند که خیلی دعاوی تبعه روسیه ریخته است به امسال و مخلص دچار مرارت گردید و شب و روز خود را گم کرده و از خداوند تعالی مسئلت ها دارد که خداوند بزرگ با آبرو مخلص را از این مأموریت معاودت دهد، انشاء الله تعالی، و خداوند را باولیای عظام کرام خود در این بابت شب و روز قسم میدهم تا مقدر چه باشد؟ ربیع الاول ۱۲۸۶ پشت کاغذ - مهر - جواد جنرال آجودان مخصوص (۴)



- ۱ - فرضی خان = از سران شاهسون .
- ۲ - ناظم - حاجی میرزا مهدیخان قاضم سرحدات .
- ۳ - قوجه بیگلر و طایفگی نورالله دواپل از شاهسون .
- ۴ - کتاب هشتم اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتادم

استشهاد حسنعلی خان نصیرالملک فرماندار بوشهر
درباره رفتار کارکنان کشتی های انگلیسی

استشهاد واستعلام می نماید از علما و تجار سکنه بندر ابوشهر که علیم و خیرمی باشند بر اینکه سابقاً غلامهای سیاه قریب دروازه اجتماع نموده طبل و سازی نواختند و رقص می کردند، در سینه گذشته که بنده درگاه مأمور حکومت بوشهر شد نظربه اظهار علماء که این عمل خلاف شرع است و تشکی جمعی از اهالی بوشهر که غلام و جواری (۱) ما بدآموز می شوند غدغن کرد آن عمل موقوف باشد و همچنین بود تا اینکه بتاريخ عصر یکشنبه چهارم شهر حال رجب المرجب سوار شده بیرون شهر میرفتم ، محاذی دروازه صدای همان ساز و آوازا از دور شنیدم فرستادم مرتکبیش را کما فی السابق متفرق کنند ، در صدد که برمی آیند يك نفر وکیل و سه نفر سرباز را زیاده مجروح کرده بالاخره سه نفر از غلام ها گیر آمده بودند، پس از عود بنده درگاه به شهر معلوم شد آنها عمله جهاز انگلیس هستند فوراً فرستادم نزد مقرب الخاقان میرزا محمدخان کارگذار امور خارجه که روانه کوتی نماید. (۲) هر کس از مراتب مفصله اطلاع و استحضار دارد شهادت خود را در صدر و حاشی این ورقه نوشته به امضاء خود مختوم سازد که عندالاجابة حجت باشد .

متن یکی از تسجیلات چنین است .

بسم الله و الحمد لله و صلی الله علی محمد وآله - شرح قبایح اعمال و فضایح

افعال عید و جواری جماعتی از جهال این بلده از حیث اشتغال به مناهی و ملاهی بطور اجمال ممکن نیست و تفصیلا مجال نبود و شایستگی نداشت و صلحاتی که از آثار مترتبه بر آن افعال بشریعت مقدسه رسیده زیاده از حد احصاء است لذا این احقر دعاگویان دولت قاهره و جمعی دیگر از سرکار مقرب الخاقان آقای نصیرالملک دام مجده و عزه بعنوان استدعا و التماس خواهش نمود که منع بفرمایند و سد این باب کنند ایشان هم مسئول و ملتزم دعاگویان را اجابت فرمودند و رفع این غائله را بالکلیه نمودند به حیثی که اثری از آثار آن شعار باقی نماند و قاطبه سکنه این دیار شکر گذار پادشاه معدلت مدار حضرت ظل اللهی و علی الاتصال فی الغدو و الاتصال اهتمام تام و جهاد تمام در دعا گوئی کردند و این منع برقرار بود تا بتاریخ متن که مراتب مزبوره طابق النعل واقع شد و در وقوع جمیع فقرات مسطوره در متن شکی و شبهه (نی) نیست حرره الجانی خادم الشریعة المقدسه و الداعی الدولة القاهرة - حسین ابن علینقی الشهیر به غلام محسن الکازرونی - مهر - ان الحسین مصباح الدجی و سفینه النجات (۲)

۱ - جواری = کنیزان .

۲ - این سند تعصب و دلبستگی مردم را به ارزشهای درست اخلاقی در یک قرن پیش نشان می دهد .

۳ - کتاب ۸ - اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتاد و یکم

گزارش کارگزار گیلان به وزیر امور خارجه (۱)

شکایت از رفتار مجدالدوله

در این ایامی که جناب مجدالدوله (۲) بجهة نظم امرطوالش در انزلی تشریف داشتند یکی از روزها دستخطی به غفارخان فراشباشی خودشان که در شهر و نگهبان میرزا عبدالوهاب مستوفی (۳) بودند نوشتند که بهر قسم ممکن است تنخواه از میرزا عبدالوهاب بگیرد و دیگر عذر از او مسموع نیست و گویا امر صریح به ضرب و زجر هم کرده بودند، غفارخان میرزا عبدالوهاب را به دست چند فراش داد او را در میدان درب خانه در معبر عام بچوب بستند، ازدحام عام شده عیال و اطفال میرزا عبدالوهاب اول به کنار میدان آمده قدری گریه وزاری کردند و مردم تماشائی را به رقت آوردند بعد از آن بعضی بخانه قنصل روس برخی بخانه قنصل انگلیس پناه بردند و در حالت مردم انقلاب بهم رسانیدند. قنصلها آدم فرستادند از آن محبس او را بیرون آورده بجای اولش که منزل خود فراشباشی بود بردند و از طرف هر قنصولی فراش موکل او گردید که کسی او را اذیت و بی احترامی نکند، بعد از آن هر دو قنصل عریضه خدمت جناب مجدالدوله نوشته نایب قنصل روس را به انزلی فرستادند رفت شفاعت کرده مراجعت نمود.

بعد از دو روز جناب مجدالدوله نیز بشهر تشریف آوردند، روز بعد از ورود بی اطلاع همه کس بخانه قنصل انگلیس تشریف بردند، بواسطه از قول میرزا نصراله منشی قنصلگری شنیدم که وقت ملاقات خواسته بودند دست بدست

قنسل بدهند قنسل مضایقه کرده گفته بود : تا شماعهد نکنید که امر میرزا عبدالوهاب را بخوبی بگذرانید دست بدست شما میدهم ، همین طور عهد کردند در همان مجلس پسر میرزا عبدالوهاب را که تا آنوقت در قنسلگری مانده بود بحضور خواستند و التفات کردند و اطمینان دادند روانه کردند .

در آن مجلس بخواهش قنسل قرار شد که شش هزار تومانی که از میرزا عبدالوهاب مطالبه می نمایند ملك قبول کنند ، از آنروز تا حال این گفتگو در میان است و بتوسط منشی قنسلگری روس میرزا عبدالوهاب از مردم دوست و آشنای خودش ملك می گیرد و به جناب مجدالدوله در عوض این تنخواه می دهد .

چون این فقره مربوط به قنسلگریها شده بود استحضار خاطر مرحمت مآثر عالی را لازم دانسته جسارت بعرض نمود - امر الاکرم العالی مطاع ۱۷ شعبان ۱۲۸۶ پشت کاغذ - مهر - خانلر - (۴)

۱ - وزیر امور خارجه = میرزا سعید خان .

۲ - مجدالدوله = امیر اصلاخان .

۳ - میرزا عبدالوهاب = مستوفی گیلان (مسئول مالیه) .

۴ - خانلر = خانلرخان - کتاب هشتم - اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتاد و دوم

گزارش کارگذار فارس به وزیر امور خارجه

درباره تلگرافچیان انگلیس

در اول عشر ثانی شهر شعبان المعظم ۱۲۸۶ تلگرافی از جانب جناب جلالتماب آقای مستوفی الممالك (۱) دام مجده العالی خدمت نواب مستطاب والا حسام السلطنه (۲) رسید که حسب الامر اقدس همایونی شاهنشاهی روحی فداه رجوع کارهای حضرات تلگرافچیان انگلیس متوقف در فارس را به میرزا محمد علی خان کارگذار مهمام خارجه نمایند که از روی قاعده خدمت نواب والا عرض نماید و انجام امورات و رجوعات آنها را نماید. نواب مستطاب والا هم بعالیجاه و لوی صاحب که حال رئیس تلگرافخانه شیراز است اعلام فرمودند.

مشارالیه عریضه خدمت نواب والا نوشته است که من انکار دارم از رجوع کارهای تلگرافخانه دولت انگلیس به میرزا محمد علی خان منشی میرزا سعیدخان و چنانچه شما خود اقدام به انجام نفرمائید لابد رجوع به دارالخلافه می نمایم.

نواب والا این کاغذ را باین بنده ننمودند ولی قسمی واقع شد که آگاهی حاصل نموده محرمانه عرض نمودم البته نواب والا در جواب تلگراف جناب جلالتماب آقا جوابی نوشته اند و جناب خدایگان را آگاهی حاصل خواهد آمد.

از جوابی هم که نواب مستطاب والا بعالیجاه «لوی صاحب» مرقوم داشته‌اند الی حال کمترین بنده را اطلاع حاصل نشده چنانچه فرمایش فرمایند و اطلاع بهمرسانم بعرض خواهم رسانید، شاید نواب و الاهم خدمت جناب خدایگان نوشته باشند.

طوری شده است که این حضرات الی حال بمیل خاطر خود حرکت نموده و می‌نمایند چگونه می‌شود که راضی شوند رجوع کار آنها را بکسی نمایند که نتوانند بخلاف قاعده قدمی بردارند.

چون آگاهی جناب خدایگان لازم است احتمالا جسارت بعرض نمود فی ۲۰ شعبان المعظم ۱۲۸۶ پشت کاغذ - مهر - محمد علی (۳)

۱ - مستوفی الممالک = میرزا یوسف .

۲ - حسام السلطنه = سلطان مراد میرزا والی فارس .

۳ - کتابد سوم اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتاد و سوم

گزارش وزیرمختار ایران در روسیه (۱)

درباره احتمال تجاوز در مرز گرگان

محرمانه - خدایگانا - از قراریکه این بنده از خیالات حضرات و روزنامه‌ها استنباط می‌کند سال آینده دورنیست از سمت استرآباد و اترک‌قشون و استعدادی از این دولت تا خیوق روانه نمایند ظاهراً شهرت خواهند داد که از این سمت راه تجارت با ترکستان نزدیک می‌شود و خان خیوق و سایرین هم راضی باین فقره هستند که تجارت آنها هم رواجی در مملکت روسیه داشته باشد، دولت روس مجبور می‌شود که این راه را باز نماید لکن خدا میداند که نتیجه این کار بکجا منجر خواهد شد؟ ترکمانان آن صفحات را با زور و استمالت و پول دادن بمقام اطاعت خود آوردند لیکن طوایف یموت و کوکلان بعد از اینکه اینها بآنجاها نزدیک شدند و در اوایل جلب قلوب از ترکمانان اترک کردند چگونه رفتار خواهد کرد؟ وجه نوع مالیات دولت را خواهند داد؟ این بنده نمیداند، هزار گونه هرزگی و تاخت و تاز را خواهند کرد، همینکه از طرف دولت زور دیدند خود را بآنطرف اترک کشیده در ظل حمایت اینها خواهند شد، اینها هم محض از برای دلگرمی آنها و حسن سلوک هزار قسم اشکالات بجلب خواهند انداخت. این بنده با بعضی اشخاص که در اینجا صحبت می‌شود صریح می‌گوید که این حال آنوقت قوامی خواهد داشت که دولت روس

حمایت از دولت علیه ایران کرده انتظام آن صفحات را از او بخواهد والا^۱ قشون فرستادن دولت روس آن صفحات را نوعی از حالت حالیه بیرون خواهد آورد که خیال اولیای هردو دولت همیشه مصروف امورات آن صفحات خواهد بود، در اینصورت بعضی خیالات اهالی اینجا ثمری نخواهد داد، بسمبارک جنابعالی قسم است این بنده آنی از این خیال آسوده نیست و نمیداند که آخر این کار چه خواهد شد ؟ مگر اینکه خداوند خود از جای دیگر چاره این کار را بنماید و مشغولیت دیگری از برای حضرات پیدا شود والا^۲ بسی مشکل است که از این خیالات صرف نظر نمایند . چون استحضار بندگان عالی لازم بود جسارت ورزید .

غره رمضان ۱۲۸۶ - پشت کاغذ - مهر - ساعدالملک .

۱ - ساعدالملک = میرزا عبدالرحیم تبریزی .

۲ - کتاب هشتم اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتاد و چهارم

گزارش ابراهیم خان کارگذار تبریز

درباره خریداری تفنگ

خداوند گارا- معادل یکصد و نود صندوق تفنگ، دولوله ایتیاعی مقرب
الخاقان میرزا یوسف خان شارژدافر پاریس (۱) ارسالی عالیجاه محمدجعفر
بیگ در حمل سیداسلام شتردار وارد دارالسلطنه تبریز شده بود، عالیجاه مشارالیه
و عالیجاه میرزا علی اکبر خان کارپرداز (۲) طرابوزان نوشته بودند مبلغی از کرایه
آنها در طرابوزان داده نشده باید در تبریز رسانیده شود، حضور بندگان اجل
ارفع امجد دام اجلاله تلگراف کرده بودم مقرر شده بود يك هزار و پانصد و
هشتاد و سه تومان وجه کرایه صندوقهای مزبوره از میزان دارالسلطنه تبریز
وصول و ایصال داشته شود، فدوی وجه را از میزان (۲) گرفته به سیداسلام
رسانیده در حاشیه کاغذ عالیجاهان مشار الیهما سیداسلام رسید آنرا نوشته
قبض داده است، فدوی اهتمام و مراقبت لازمه را بعمل آورده قرارداد بدون
تأخیر باز در حمل سیداسلام مزبور روانه دارالخلافه باهره داشتند و لازم
بود که آدم مخصوص همراه آنها فرستاده شود که مواظبت کامله بعمل آورد
و نگذارد به وجهی عیب و صدمه وارد بیاید، عالیشان صادق بیگ غلام چاپار
وزارت جلیله امور خارجه اینجا بود فدوی او را مناسب دیده باتفاق صندوقهای
مزبوره روانه داشت ده تومان هم برای مخارج عزیمت او و جزئی خرجی

خانه‌اش فدوی داده روانه کرد و متعهد و ملزم شده است که کمال اهتمام را بعمل آورده در نهایت خوبی و بدون اینکه عیبی حاصل کند وارد دارالخلافه الباهره نماید، سید اسلام هم سید خوب و خدمتگذار است و شتردار معتبر می‌باشد، همیشه بارهائی که حمل و نقل آنها دشوار بوده و اشکالی داشته است او متقبل حمل و نقل آنها شده بمقصد رسانیده است اگر این صندوق‌ها را هم خوب به طهران وارد کرد التفاتی در حق او مبذول فرمایند که مایه امیدواری او شود. زیاده چه جسارت عرض شود - الامر الرفع الامجد مطاع معروضه ۱۵ شهر رمضان المبارک ۱۲۸۶ پشت کاغذ - مهر - العبد ابراهیم (۳)

۱ - یوسفخان = مستشارالدوله .

۲ - کارپرداز عنوان نمایندگان کنسولی ایران در خارج از کشور .

۳ - کتاب هشتم اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتاد و پنجم

نامه شجاع الدوله حکمران ارومیه به وزیر امور خارجه

درباره تصرفات عثمانی در قطور (۱)

فدایت شوم. در باب احداثی جدید که سرحد نشینان دولت عثمانی از قراولخانه و غیره در قطور ساخته اند و خدمت سرکار زحمت دادم و سرکار هم مرقوم داشته بودید که باو کلای سرحد عثمانی سنوال و جواب شود و خود هم به آدم و باش شهبندری و دولت مسطوره شرحی مرقوم داشته و سواد آنرا لفاً فرستاده بودند که بجهت اطمینان و استحضار کامل عالیجاه باقرخان سرهنگ را فرستادم رسیدگی درست بعمل آورده بود، بطوریکه سابق زحمت داده بود بنا و احداث کرده اند اگر چه بمقتضای رقیمة سرکار قریب بمضمون سواد ایفادی شرحی بعالیجاه کمال پاشاال متصرف وان (۲) نوشته و فرستاده ام هنوز جواب نرسیده است ولی باعتقاد مخلص حالا که ساخته اند باین ارسال و مرسل تمکین و اذغان نخواهند کرد.

راه این فقره در صورتیکه اولیای دولت ابد آیت صلاح با اند و مصلحت دولت اقتضا کند این است که در يك شب چند نفری رفته خراب کرده آثاری نگذارند و این معنی زیاد آسان است بجهة اینکه علاوه بر چهار و پنج نفر آدم در آنجا ندارند و درجائی واقع است که خیلی مشرف به دهات خوی و بالای تلی است که از پائین آن تل رودخانه قطور می گذرد ، در يك شب رفته خراب کرده و به آب میدهند و بازمین یکسان کرده اثری باقی نمی گذارند و کسی هم آگاه نمی شود والا باینطورها به درد سر منجر شده و بخرابی آنجا راضی

نخواهند شد ، موقوف براین است که اولیای دولت قاهره دستورالعمل بدهند و سرکارهم جواب التفات نمائید. زیاده عرضی نیست.

با خط خود شجاع الدوله (۳) فدایت شوم آن چهار و پنج نفر آدم که در آنجا به قراول دارند آنها را هم طوری میتوان کرد که در آنجا گرفته و نگاه دارند بعد از آنکه کار خودشان را کردند آنها را هم ول می نمایند بدون دردسر و مخمسه است زیاده زحمتی نیست» پشت کاغذ مهر - شجاع الدوله (۱)



- ۱- قطور - دهستان مرزی خوی- قطور ایران را درویش پاشا فرماندار استان وان عثمانی (زمان صدارت امیرکبیر) تصرف کرد و در زمان صدارت سپهسالار (۱۲۹۴ق) به ایران بازگردانده شد.
- ۲- کمال پاشا والی استان وان.
- ۳- حکمران ارومیه اسم کوچکش دانسته نشد و این شخص بهرام میر حسینخان زعفرانلو (شجاع الدوله قوچانی) میباشد.
- ۴- کتاب هشتم اسناد وزارت امور خارجه.

سند هفتاد و ششم

پیشنهاد محمد رفیع طباطبائی مجتهد تبریزی (۱)

در بارهٔ سربازگیری

بعرض میرساند. در قدیم الایام اغلب اهل ولایت از عرض پاره‌ئی مطالب مستغنی بوده و چندان محتاج شرح و تفصیل نبودند ولی این اوقات صدمات وارده غالباً عمومی است هر کس برای خود و بستگان گرفتار است و قادر بگوشه گرفتن و یا سکوت نیست و کسی نیست حقیقت مطلب را کماهی بعرض اولیای دولت قاهره برساند چنانچه دعاگو دربارهٔ خود عرضی ندارد و محض اطلاع رضائاً الله عرض می‌کند، نهایت احتراز را دارد و مستدعی است عریضهٔ دعاگو از نظر غیر مصون باشد. صورت خارجی پیدا کردن فقره بنیچه بندی سرباز با هر گونه محسناتی که ملحوظ شده طوری فراهم می‌آید که اتمام و انجام آن با شرایط مقرره حالاً و مآلاً باعث استیصال و بی پائی اکثر مملک و رعایا خواهد بود. از آنجا که اهل آذربایجان همیشه با کمال شوق در اجرای مکنونات خاطر مبارک با جان و مال حاضر و آماده هستند کمال اطاعت و تسلیم دارند ولی آرزو دارند بعضی مفاسدی که بطور و طرز اینکار مترتب و در اینجا مشاهده است بعرض باریافتگان حضور همایون برسد شاید بنحوی اصلاح گردد.

مقرب الخاقان «مشکوة الملك» امین رعایا، بعرض عرایض بی غرضانه در این باب ها مصحوب آدم مخصوص خود عرضه داشت کرده انشاء الله طوری خواهد شد که مکنون خاطر مبارک ظل الهی بعمل آمده و خرابی که در این ضمن برای نوکرو رعیت منصور است اصلاح شود، از جمله مسائل مشکله اینکار آن است که

بین‌دهات و مزارع خالی از سکنه محالات و سایر در مقام تقسیم فرقی نگذاشته‌اند حال آنکه سرباز از قرار نفر است کم و زیادی مالیات دخلی بزیادی عدد سرباز ندارد.

از جمله در محال دهخوارقان و بعضی جاهای دیگر که در حین ممیزی غله اراضی را بانضمام مالیات باغات علاوه سرشمار و خانه شمار کرده‌اند مراعی و مواشی هم که علاوه است در اینجاها بی‌حرف بقرار تقسیم بنیچه نفر کفایت نخواهد کرد، حال که مزرعه نام دهی است و از قرار مذکور سکنه آنجا نه خانوار است قریب چهار هزار تومان مالیات اراضی و باغات و سایر دارد، معلوم نیست در اینگونه جاها قرار بنیچه چگونه صورت خارجی پیدا خواهد کرد.

اگر بملاحظه محسنات قرار بنیچه‌بندی اولیای دولت قاهره سرباز جدید را بقدم ترجیح داده‌اند و از سرباز قدیم صرف‌نظر فرموده‌اند ممکن بود لامحاله مالیات کل مملکت آذربایجان را بعد از وضع موضوعات و تخفیفات و مالیات خالی از سکنه و اراضی و باغات يك كاسه فرض فرموده هر قدر فوج لازم داشتند یا علاوه میخواستند بلا تفاوت بهمه محالات بالسویه تقسیم فرمایند که این قرار محکم را هیچوقت جای تزلزل و اضطراب نبوده و همه رعایا و ملاک التفات و مرحمت اعلی حضرت اقدس شهرباری روحی و روح العالمین فداه را درباره خود بی‌تفاوت مشاهده میکردند. لازم بود مراتب را رضائاً لله عرض نموده دعاگو خود علاقه‌قابلی ندارد که بآن جهت جسارت نماید و در جزئی علاقه خود و بستگان اهل نظام بیشتر از قرار بنیچه دارد ولی برای اطلاع خاکپای مبارك عرض شد. شوال ۱۲۸۶ (ق)

۱ - این گزارش که برای ناصرالدین شاه نوشته شده از مراسم سر بازگیری دوره قاجاریه

اطلاعات جالبی بدست میدهد.

۲ - کتاب هشتم اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتاد و هفتم

گزارش وزیر مختار ایران در روسیه (۱)

درباره اعتراض انگلیس به دخالت روس مادر مرداب انزلی

خدایگانا - الآن که سرپاکت را می بستم نایب ایلچی کبیر دولت انگلیس
بسفارت سنیه آمده گفت : ایلچی مرا فرستادند از شما تحقیق کنم که این فقره
صحت دارد که دولت ایران اجازه داده است داپوره های دولت روس داخل
مرداب انزلی بشوند یا خیر ؟

بنده اینقدر جواب دادم که هنوز از اولیای دولت علیه رسماً بمن خبری
ننوشته اند منهم ، در روزنامه های روسیه این فقره را خواندم البته وقتی که دولت
این تکلیف را قبول خواهد کرد يك قرارداد در میانه دولتين خواهد بود و
دولت انگلیس را از همان قرارداد اطلاع خواهند داد . گفت ایلچی هم همین
را میگفت که هرگاه این فقره را دولت ایران قبول کرده است البته سفارت
انگلیس هم در طهران معلوم خواهد بود .

بعد گفت : دولت روس از برای سال آینده تدارك می بیند که ده هزار قشون
بطرف خبوق بفرستد که طوری کنند که میانه این دودریا را بهم متصل نماید و
این قشون از قفقازیه خواهد رفت . بنده گفتم : مدتی است روزنامه های روسیه در
سراین فقره گفتگو می کنند که راه تجارت ترکستان بداخله روسیه وقتی سهل و
آسان خواهد شد که دریای آرال به دریای خزر مربوط بشود ، چون دولت
انگلیس از آن سمت منفعت کلی دارد ، باین معنی که مال التجاره مشرق زمین
را از راه دریا برده بادریا میرساند حالا هم که نهر سویس (۲) باز شده راه بالکلیه
نزدیک گردیده است هرگاه دولت روس میانه این دو دریا را بهم متصل نماید
از آرال گذشته داخل جیحون می شود و در جیحون داپورهای کوچک راه میاندازد
مال التجاره ترکستان را از دریای آرال گذرانده بدریای خزر وارد می کنند

وقتی که آنجا داخل شد راه بهمه مملکت اروپا خواهد داشت .
تجارت انگلیس درست مشرق زمین بالکلیه نکث خواهد رسانید لکن
عمده منظور دولت روس ساختن راه آهن است نه اینکه باز کردن نهر مثل
دریای سویس و از فرستادن قشون هم این مقصود را می خواهد مجری دارد .
گفت دولت روس می خواهد که خان خیوق را قدری گوشمالی داده حال در
تدارك قشون و استحکامات آن صفحات است .

بعد از ه قزل سو، پرسید که دولت روس می خواهد قلعه محکم در آنجا بسازد
شما استحضار از این فقره دارید ؟ گفتم بی استحضار نیستم در طهران اولیای
دولت در مذاکره اند با سفارت انشاء الله همینکه قراری گذاشتند البته دولت شما
بی اطلاع نخواهد ماند .

گفت داپورهای دولت روس به انزلی خواهد رفت (؟) گفتم: بلی قبله عالم
خواهش کرده است چند داپور دولت روس در انزلی باشد تا هرگاه میل فرمایند
مختصر گشت و گذار نمایند .

گفت افواهاً مذکور می شود که دو کرور تعارف به شاه خواهند داد ،
گفتم یقیناً حرف افواهی می باشد نه از کار گذاران دولت بمن اظهار کرده اند نه از
اولیای دولت متبوعه نوشته اند ، باید بی اصل باشد .

بعد گفت هر گونه احوالات از مشرق زمین این دو سفارت بشنوند بهتر
است بهم دیگر اطلاع بدهند، بنده گفتم، البته .

خدا حافظی کرد و رفت و چون استحضار جنابعالی لازم بود عرض شد
شوال ۱۲۸۶ پشت کاغذ - مهر - ساعد الملك (۳).

۱- عبدالرحیم طباطبائی = ساعد الملك.

۲ - نهر سویس = کانال سوئز .

۳- کتاب هشتم اسناد وزارت امور خارجه .

سند هفتاد و هشتم

گزارش حسنعلی خان گروسی جنرال اجودان مخصوص درباره اختلافات مرزی مغان

فدایت شوم - مخلص را از سابق کمی اطلاع به حالات مغان و ایلات و دعاوی دولت روسیه از دور نزدیک بود حالا که وارد مغان شد در این چندروزه کما هو حقّه اطلاع و استحضار بهم رسانید ، از قرار تقریر مأمور دولت روسیه قریب دو کرو رمنات ادعای تبعه دولت روسیه است از قوجه بیگلوها (۱) الحاصل اینکار بسیار بسیار عمده‌ئی است و بسیار کار سخت است که خداوند انصاف دهد به شاهزاده ضیاء الدوله (۲) که سه چهار سفر بمغان تشریف آورده‌اند و همه را بطور غرض رفتار فرموده و کارران گذرانده‌اند . این کار اجزائی خواهد و اسباب می‌خواهد ، بسیار خوب ، بنده حاکم هستم ، حاکم بی‌اجزائی تواند کار انجام دهد ، عمده ادعاهم از ایل شاهسون مشکین است ، اتمام آنهم تا شخص فرضی خان (۳) در پیله سوار حاضر نباشد بسمبارك اعلی حضرت شاهنشاه روخسافده نخواهد شد ، که این مرد معتبر است ، مسلط است ، مطلع است ، شاهسون مثل سنگ از اومی ترسد و البته برای رفع تهمت‌ها هم که از بی‌التفات شاهزاده ضیاء - الدوله به اسم او بسته شده و دولت روسیه از او شکایت دارند سعی می‌شود که دعاوی به اتمام برسد آسوده باشد و رفع تهمت‌ها بشود ، خلاصه حقش این بود که عرض شد و ابداً غرضی در بنده سوای انجام کار که روسفید شوم هیچ نیست و نخواهد بود بحق خداوند هر چند که بنده را بمرارت انداختید لیکن مصلحت

شما مأموریت بنده بود که نه غرضی دارم و نه طمع، سوای تحصیل آبرو انشاءالله تعالی، باری صلاح کار مأموریت خود را مخلص بهتر میداند و اطلاع دارد از حالات این صفحات، مصلحتاً فرضی خان را حکماً سند داده کاغذ رسمی داده کشید آورد تا نزدیکی ها و خود به پيله سوار وارد شد دید که آوردن فرضی خان بسیار خوب بوده که مأموردوات روسیه عمده خواهشش این است که فرضی خان باید از مشکین بیاید تا دعاوی تمام شود.

مخلص به او گفتم که فرضی خان مجبور نیست بیاید اگر شما خواهش کنید من اینقدرها اذن از دولت متبوعه خود دارم که بفرستم او را بیاورند شما کاغذ رسمی بدهید که سند من باشد تا من بفرستم او را بیاورند، مشارالیه قبول کرد، گفت حاجی میرزا مهدی خان (۴) بیاید آنوقت کاغذ میدهم، خلاصه اگر کاغذ رسمی داد فرضی خان را میآورم و انشاءالله تعالی جمیع کارها بروفق مرام با تمام خواهد رسید و الا صریح عرض میکنم که اگر فرضی خان نیاید کارها ناقص خواهد ماند از بنده پیش از وقت عرض کردن است، سرکار شما مراتب را به جناب جلالتمآب وزیر امور خارجه دام اجلاله هم بهمین سیاق که عرض کردم اطلاع دهید که با جناب وزیر مختار دولت روسیه در باب حضور داشتن فرضی خان گفتگو فرمایند که باید لزوماً فرضی خان حاضر شود تا کارها انجام گردد.

تفصیل این بود، در کمال صدق عرض شد که بی وجود داشتن فرضی خان امری است محال که این کار سخت بزرگ و دعاوی چند ساله صورت بگیرد، اکثر ادعا را در شخص اومی نمایند چگونه می شود که مدعی و مدعی علیه

حاضر نباشند در مقام تحقیق، او مسلط است به ایل و طایفه و عشیره، بنده چه بلدیت دارم که فلان شخص در کجا است و در کدام طرف و در کدام طایفه است و شاهسون، هم فرضی خان را اوجاق میدانند، دروغ بسراو قسم نمیخورند. خلاصه بسیار بسیار واجب و لازم است بودن فرضی خان و اگر مأمور کاغذ بدهد همان ساعت آدم خواهم فرستاد او را حاضر نمایند. بجهة اطلاع عرض شد (۵) ذیقعه ۱۲۸۶

-
- ۱ - قوچه بیگلو - از اهل های معتبر شاهسون .
 - ۲ - ضیاءالدوله = انوشیروان میرزا - حکمران اردبیل و مشکین .
 - ۳ - فرضی خان = از سران شاهسون .
 - ۴ - میرزا مهدیخان = ناظم مرحدات .
 - ۵ - کتاب هشتم - از اسناد وزارت امور خارجه - این گزارش به میرزا سعید خان وزیر امور خارجه نوشته شده است .

سند هفتاد و نهم
گزارش محمد علیخان کارگذار شیراز
درباره کنسول دولت هلند

عالیجاه «سیوفون» قونسول دولت هالند مأمور اقامت بندر ابوشهر در
اواخر عشر آخر شهر ذی قعدة الحرام از شیراز روانه بندر ابوشهر گردید، در مدت
توقف شیراز سه فقره شرفیاب حضور نواب اشرف والاحسام السلطنة گردید از
شمول التفات نواب والا کمال خرسندی و امتنان حاصل نمود يك قبضه تفنگ
کار جباخانه شیراز را که بنظرش خیلی خوب آمده بود نواب والا بمشارالیه
التفات فرمود، نیز نهایت امتنان از طرز الطاف نواب والا بهم رسانید، سه چهار
فقره هم با این بنده دید و باز دید نمود؛ از مراقبت کارهای او و اینکه بهر جا
می خواست آمد و شد نماید خبر می نمود اسب سواری و آدم و نماینده میفرستادم
کمال رضامندی را اظهار میداشت.

علی ای حال در کمال خرسندی و امتنان روانه شده است.

سواد معاهده قرارداد فیما بین دولت قوی شوکت علیه و دولت متبوعه
مشارالیه را با قاصد مخصوص معجلاً بجهة مقرب الخاقان میرزا محمدخان
کارگذار مهمام خارجه بوشهر فرستادم و بمقرب الخاقان میرزا حسنعلیخان
نصیرالملک حاکم بوشهر نیز اعلام داشتم که بدستور العمل کارگذار خارجه
پذیرائی از مشارالیه بعمل آورند، رقم بمهر نواب اشرف والاحسام السلطنة
بجهة منازل عرض راه از شیراز الی بندر ابوشهر صادر نموده بمشارالیه داده
شد که در هر منزل مکان شایسته به او بدهند و مراقبت شود که در کمال آسودگی

بدون آسیب بصوب مقصود روانه گردد .

از قراریکه اظهارداشت عالیجاه بالیوز با تلغراف خواش نموده که مشارالیه در بوشهر به کوتی انگلیس برود منزل بگیرد تا منزلی بجهة خود معین دارد و باین بنده اظهارداشت فرمانی که از پادشاه هولند بر مأموریت خود داشتم در دفتر وزارت جلیله خارجه مانده است هماغه عرض نمائید که بفرستند چون حکم مأموریت من در آن است لازم است که در دست داشته باشم لذا جسارت بعرض نمود که مقرر فرمائید بفرستند که بجهة مشارالیه فرستاده شود .
زیاده جسارت نشود فی ۸ شهر ذیحجه الحرام ۱۲۸۶ - پشت کاغذ مهر -
الراجی - محمد علی - (۱)

سند هشتادم

گزارش میرزا ابراهیم خان کارگذار استرآباد

درباره اختلافات مرزی

نمره - ۲۲۰ سابقاً عرض شده که مقرب الخاقان حسنعلیخان جنرال - آجودان برای پیشرفت انجام مطالب سرحدید درپله سوار وجود عالیجاه فرضی خان ایل بیگی را لازم دانسته و اظهار کرده که مأمور روس هم بمقرب الخاقان مشارالیه گفته است که باید عالیجاه مشارالیه را حاضر کند و فدوی تفصیل را که عرض نمود منتظر بود از جانب بندگان اجل ارفع امجد دام اجلاله العالی هرنحو مرقوم و مقرر شود از آن قرار جواب کاغذ مقرب الخاقان مشارالیه رادر این باب بنویسد ولیکن بعد از آنکه از مقرب الخاقان مشارالیه مراسلات جدیده رسید بقراری که اظهار کرده است بعد از ورود مقرب الحضرة الخاقانیه حاجی میرزا مهدیخان ناظم سرحدات ، مأمور روس (۱) در باب آمدن و حاضر بودن فرضی خان اصرار کرده اورا نظربه اصرار مأمور مربوطه پيله سوار خواستند و برده اند با مأمور روس هم ملاقات کرده و مشغول تهیه مقدمات انجام و اتمام مطالب سرحدیه می باشند و عالیجاه مشارالیه تعهد تمام نمودن همه مطالب متعلقه به شاهسون مشکین بغیر طایفه قوجه بیگلو که از او اطاعت ندارند کرده است و بقراری که نوشته اند شرائط اهتمام را بجا می آورد .

فدوی لازم دید بعرض مراتب جسارت نموده اصل کاغذهای مقرب الخاقان مشارالیه را هم برای مزید استحضار خاطر مبارك ارسال داشت .

زیاده چه عرض شود - الامر الارفع الامجد مطاع - معروضه ۱۸ شهر دی معده الحرام ۱۲۸۶ - پشت کاغذ مهر - العبد ابراهیم (۲)

سند هشتاد و یکم

نامه کارگذار فارس (۱) برای وزیر امور خارجه (۲)

در باره شیخ بتدرلنگه

خدایگانا - در اول عشر آخر شهر ذیحجه الحرام رقیمه (ثی) از جانب اجل اکرم آقا (۳) دام اجلاله العالی در باب سوء سلوک عالیجاه شیخ خلیفه ضابط بتدرلنگه (۴) نسبت بر عیای دولت انگلیس بجناب جلالتمآب آصف الدوله (۵) رسید که بر حسب اظهار سفارت آندولت مرقوم فرموده بودند سواد را بجهة اطلاع جناب خدایگان اینک ایفاد حضور داشته ام ملاحظه خواهند فرمود ، بمحض وصول شرحی مؤکد بعالیجاه شیخ خلیفه ضابط آن بتدر مرقوم داشتند و سوادى هم از رقیمه معروضه نیز بجهت مشارالیه فرستادند و رسیدگی و تحقیق و تدارك فقرات مذکور را بعهدہ مأموری که از جانب حکومت فارس در آن بتدر میباشد محول فرمودند و معجلاً ایفاد گردید ، بهر نحو جواب برسد نیز معروض خواهد داشت ولی از بابت فقد اسباب بحریه ، مشایخ و ضابط این بتدر بمیل خاطر خود حرکت می نمایند .

هرگاه از جانب حکومت فارس مواخذه و سیاستی لازم افتد بمحض اطلاع اموالی که دارند در کشتی های خود حمل نموده میان دریا میروند . مگر چیزی که پای انگلیس ها در میان باشد ، چون کشتی های آن دولت در خلیج فارس موجود و آماده است لابد تمکین می نمایند و خاطر خواه آنها را بعمل

میاورند ، در حقیقت تسلط و تحکم انگلیس ها در این خلیج زیاده از حکومت فارس است - زیاده جسارت است فی ۲ شهر محرم الحرام ۱۲۸۷ - مهر - محمد علی (۳)

۱ - محمد علی خان . ۲ - میرزا سعید خان .

۳ - میرزا یوسف مستوفی الممالک .

۴ - نادر شاه حکومت بندر عباس و بندر لنگه و جزیره قشم و هرمز را به شیخ طائفه بنی معین داده بود ، پس از نادر سلطان مسقط در جزایر خلیج متعلق به ایران دست تجاوز گشود ، در سال ۱۲۷۶ دولت ایران نماینده سلطان سعید حاکم مسقط را از جزایر ایران بیرون راند و سعید جزایر مربرور را از ایران اجاره کرد ، شیخ خلیفه هم در بندر لنگه عنوان اجاره دار داشت .

۵ - محمد فلیخان نایب الایاله از طرف ظل السلطان والی اصفهان و فارس نیابت داشته است .

۶ - کتاب ششم - اسناد وزارت امور خارجه

سند هشتاد و دوم

نامه میرزا هادیخان کارگزار سندج به وزارت خواجه (۱)

درباره تشریفات ورود شهیندر عثمانی

روز جمعه ۱۳ شهر محرم الحرام عالیجاه «معروف آقا» شهیندر عثمانی (۲) به دوفرسخی قصبه سندج رسیده بود ، خودش هیچ اطلاع نداده يك نفر از رعیت های آنها صبح خبر آورد که معروف آقا دو ساعت دیگر وارد خواهد شد ، چونکه خودش کاغذی ننوشته و اعلام نکرده بود و فدوی مأموریت او را ندانسته بود که تشریفات لازمه بعمل آید باوجود این تفصیلات محض ملاحظه اتحاد دولتین علیتین حسب الامر نواب مستطاب اشرف ارفع امجد اعظم شاهزاده والاروحی فداه (۳) تشریفات شایسته بعمل آمد ، بقرار تفصیل حسب الفرمایش نواب والا باستقبال عالیجاه مشارالیه رفته او را ، ارد نمود .

از طرف نواب اشرف والا ، میرزا مهدی با بیست نفر غلام سرکاری

از طرف اهالی شهر - اسمعیل بیگ داروغه با بیست سوار .

از طرف اینغلام میرزا علیخان غلام زاده با اتباع کارگزار خانه ، درمترلی که تعیین شده بود منزل کرد ، همان روز نزدیک عصر اینغلام دو خوانچه شیرینی حسب المعمول به منزل مبارکی عالیجاه مشارالیه فرستادم ، صبح روز ۱۴ خود بمنزل مبارکی رفته نهیت گفته ملفوفه فرمان همایون و تعلیقه جنابعالی را که در سفارش و مأموریت مشارالیه صادر شده بود در آنجا بفدوی داده بعد از گفتگو اظهار کرد که باید این فرمان و تعلیقه را حضور نواب اشرف والا برسانید و عرض بکنید که باید بمن اذن جلوس بدهد بیایم در خدمت نواب والا بنشینم

فدوی هم مراتب را بعرض رسانید، نواب اشرف والا فرمودند: اولاً بی اجازه جناب جلال‌التمآب وزیر (۴) دام اجلاله اذن جلوس به او نخواهم داد ثانیاً او با من کاری ندارد که هر روز به جهة امری پیش من آمده بنشیند، فرمان همایون و تعلیقه جناب وزیر را خودش آورده و از مضمونش مطلع است .

هرچه مطالب وامورات تجارتی دایره تبعه دولت عثمانیه است و اتفاقی بوده باشد باید بشما بنویسد و موافق معاهده بین دولتن علیتین انجام امرش را از شما بخواهد و شما هم آنچه که لازم است بعرض رسانیده جواب بگیری، غیر این کاری با من ندارد .

احتمال کلی دارد که خود «معروف آقا شهبندر» تفصیل را بسفارت عثمانیه اظهار کرده باشد و از سفارت خدمت جنابعالی اظهار نمایند واجب بود جسارت شد . فی ۱۶ شهر محرم الحرام ۱۲۸۷ - مهر - کارگذار خارجه کردستان (۵)

۱ - در زمان قاجاریه و پیش از لنو کاهی نولاسیون از طرف وزارت خارجه اداره‌هائی بنام «کارگذاری» و کارگذارخانه در مراکز استان و شهرهای مرزی ایران وجود داشت و سرپرست آن اداره کارگذار نامیده می شد .

۲ - شهبندر = نایب کنسول - عنوان مخصوص نایب کنسولهای عثمانی .

۳ - شاهزاده = فرهاد میرزا معتمدالدوله حکمران کردستان .

۴ - وزیر = وزیر امور خارجه (میرزا سعیدخان) .

۵ - کتاب ششم اسناد وزارت امور خارجه .

سند هشتاد و سوم

گزارش میرزا یوسف مستوفی الممالك (۱)

درباره نرخ گندم

حضرات اربابان و اشخاصی که دكاكین خبازی پای آنها گذاشته شده است حتی جناب حاجی ملا علی (۷) هم بموجب رقه اظهار داشته اند که نرخ میدان خرواری شش تومان الی هفت تومان است امکان ندارد که نرخ نان خرواری پنج تومان باقی بماند، یکمن یازده پول هم که حالا میفروشند که خرواری پنج تومان و سه هزار و پانصد باشد باز باقی نخواهد ماند، اعتماد حضار مجلس این است که امر و مقرر شود نرخ را خرواری شش تومان مقرر فرمایند که ملاك و خباز واحدی حرف نداشته باشد در این ضمن گندم انبار هم خرواری شش تومان فروخته خواهد شد آنوقت خباز حق ندارد که بگوید ضرر میکنم یا نان را کم و بد میفروشم، موقوف برای انور ملوکانه است.

گندم کهنه که الان در انبار دیوان است کلاً خراب و معیوب است یا برخی سر آن بگذارند و ساری اصلان (۳) آن را پاك کرده برخی که ارباب ها گندم خودشان را بخیاز میدهند او هم داده قیمت آن را بگیرد یا دیوان آدمی بگذارد گندم انبار را پاك بکنند و پاك کرده بخیاز بدهند و ضرر کسر آن را دیوان متحمل شود زیرا که با این تفصیلات صاحبان دكان و خباز قبول نمی کنند که گندم خراب و معیوب و هر خاك از انبار ببردند و نان را خوب و بی عیب بفروشند،

هرگاه دیوان گندم کهنه خودش را در انبار نگاهدارد و از گندم نوبه خباز بدهد گندم کهنه بالمره تمام وضایع خواهد شد ، می باید اول گندم کهنه را داد هر قدر باقی ماند از گندم نوداده شود .

یاد داشت حاجی ملاعلی کنی .

عرض می شود به اعتقاد من نرخ گندم را درشش تومان قرار بدهند نان را هم درشش تومان این های وهوی می خوابد، نان را حالا که شانزده پول می فروشند دو پول هم علاوه کنند، دیگر هیچ زحمت و مرارتی ندارد مردم هم همه بهمین قیمت بی مضایقه خواهند فروخت اگر گران است مردم هم قدری گران بخورند، چون من گندم خود را در همان نرخ پنج تومان قبول کرده ام دیگر با غرض نیستم محض صلاح بینی است (۴)

۱ - میرزا یوسف = رزیر استیفا .

۲ - حاجی ملاعلی = کنی = مجتهد طهران و ملاک بزرگ از این گزارش پیدا است که در سال قحطی او هم با ارزان فروختن گندم و کاهش نرخ نان مخالف بوده است ! .

۳ - ساری اصیلان = مسئول انبار گندم .

۴ - کتاب شانزدهم - اسناد وزارت امور خارجه .

سند هشتاد و چهارم

عهد میرزا عیسی وزیر طهران

درباره ساختن خندق های اطراف شهر (۱)

این خانه زاد و چاکر درگاه خلایق امیدگاه در خاکپای مبارک همایون
اقدس شهر یاری روحی و روح العالمین فداه ملتزم و متعهد است که تا تاریخ پانزدهم
شهر جمادی الاول ناتمامی خندق جدید را که عرض دهنه خندق نه ذرع و نیم
و عمق پنج خندق را هر جا چهار ذرعی بوده باشد تمام کرده تحویل بدهد و هر
جای خندق را به پنج ذرعی رسانیده باشد تنخواه آن را قبله عالم روحی فداه
امر و مقرر فرمایند تنخواه نقد مرحمت و بمصرف ناتمامی دروازه ها برساند و
زمین خندق در چهار ذرعی یا آنچه پنج ذرعی شده است در کمال تنقیح تسطیح
وصاف نموده و مکانهایی که سیلاب شسته باشد و خرابی در اطراف خندق باشد
آنها هم نیز مسطح شده تحویل شود و پله های خندق که بجهة راه عمله رواست
آنها را هم نیز تراشیده و خاکش برداشته شود چنانچه تا موعد معروضه تمامت
خندق را بتفصیل که ملتزم است تمام نکرده تحویل ندهم بهر گونه مواخذه و
سیاست درباره خانه زاد امر و مقرر گردد برسد. تحریر آ هفدهم شهر صفر المظفر
سنه ۱۲۸۷ مهر - عبده عیسی الحسینی . (۲)

- ۱ - کندن خندق در اطراف طهران يك وسیله ابتدائی و در عین حال اطمینان بخش برای
جلوگیری از خطر سیل بود، پس از پر شدن خندق ها و تصرف اراضی خندق از طرف زمینخواران
و شهرداری همه ساله سیلاب در طهران خرابی هایی بار می آورد .
- ۲ - کتاب شانزدهم - اسناد وزارت امور خارجه .

سند هشتاد و پنجم

گزارش میوزاحسینخان مشیرالدوله سفیر ایران در عثمانی

درباره تشریفات مسافرت ناصرالدین شاه به عتبات

قربان خاکبای جواهر آسای اقدس مبارکت شوم در باب تشریفات و احترامات موکب مسعود همایون به عراق عرب : خاطر اعلیحضرت اقدس شهریارى روحانفاده را از هر جهت امنیت میدهم که ابداً قصوری و کسری واقع نشود و احتراماتی که شایسته عظمت تاجداری و سلطنت تواند بود معمول آید چون میدانم درجه تشریفات را باید تا چه میزان مجری دارند و رعایت احترامات را به چه درجه ملاحظه و منظور نمایند، بغیرت خود هموار نخواهد نمود که در شرائط آن نقصانی معلوم گردد اگر چه خیلی جزئی باشد و در زیر سایه همایونی چون توجه اعلیه حضرت شهریارى روحانفاده شامل حال چاکر است چنان نفوذ اظهارات در خود می بینیم و پیشرفت در هر مطلبی که بخاطر میآورم ملاحظه می نمایم که بهیچگونه اظهارى نشده است مگر آنکه درجه قبول یافته و مجری شده است، مادام که نظر توجه همایونی بر فرق این علام خواهد بود امیدوارم منشاء و مصدر خدمات خیلی قابل و لایق توانم شد و اعلیحضرت همایون را راضی توانم داشت ... بهر جهت يك فروند داپور مخصوص که حامل ملزومات تشریفات همایونی بود از طرف اعلیحضرت سلطان روانه بغداد گردید و خیلی تدارکات و اسبابهای قیمتی از خزانه حمل شده است و الآن در خیال این مرحله هستم که با بابعالی (۱) قراری بگذارم که مدحت پاشاوالی بغداد (۲) نا کرمانشاهان به استقبال رکاب مبارك روانه شود و مأمورین از جانب اعلیحضرت

سلطان که از اسلامبول بجهة تشریفات و پذیرائی روانه خواهند شد رعایت لازمه را در سرحد منظور و معمول دارند ... با اطمینان قلب عرض مینمایم که بطور یقین والی بغداد را در کرمانشاهان بشرف حضور همایون مشرف خواهم نمود، در اینصورت از حالا عرض میکنم دستخط همایون به نواب عمادالدوله (۳) صادر شود که از حالا ملتفت این معنی باشند و در تدارك بر ایندو بقدری که ممکن است اسباب تجمل و شکوه فراهم آورده والی بغداد را در سرحد پذیرائی نموده به کرمانشاه وارد سازند، این غلام هم در آن وقت و موقع حاضر خواهم بود و ترتیبات هر کاری را به اقتضای آن خواهم داد ولیکن قبل از وقت نواب معزی الیه مستحضر باشند بهتر است که فکر تدارکات برانید و هر قدر میسر است مجلل و باشکوه حرکت فرمایند و لوازمات خیلی سنگین و اسبابهای قیمتی تهیه نمایند.

در اینگونه موارد و لینعمت ستائی و خودنمائی باید نمود . در ترتیبات افواج سواره که در آنجا حاضر خواهد بود مال و البسه و اسلحه آنها را خیلی مرتب و مزین دارند در سایر ترتیبات عرض و جسارت چاکر اقتضا ندارد و اوامر ملوکافه و دولت پرستی نواب معزی الیه کفایت و کفالت خواهد نمود. بنواب عمادالدوله مرقوم فرمایند هرگونه تدارکات رانیه ببینند نه به اسم پذیرائی والی بغداد بلکه محض تشریفات موکب همایونی باشد، دیگر از امورات اینجا و تفصیل تشریفات و احترامات موکب همایونی شرح و بسط دادن ضرورتی ندارد، چاکر خانه زاد قدر و منزلت عظمت و جلالت و لینعمت همایون خود را میدانم و میزان تکلیف طرف مقابل را هم در پذیرائی می فهمم از آن چه باید باشد دقیقه بی رامهمل و متروک و ناقص نخواهد گذاشت.

رئیس مأمورین از طرف اعلیحضرت سلطان هنوز محققاً معلوم نیست چه کسی خواهد بود (؟) چیزی که مشخص است يك نفر که بپایه وزارت باشد مأمور

خواهد بود باجند نفر از آجودانهای خاصه حضور سلطان و تشریفات چسی، چاکر خانه زادمأمورین را برداشته باخود تاسر خدمی آورد و آنها را گذاشته خود بعتبه بوسی آستانه علیه مشرف خواهم شد، در زیر سایه همایونی يك هياهو در دربار بعالی انداخته ام که روزی چند دفعه از طرف سفارت سنیه اظهارات به بابعالی می شود و چند دفعه از باب عالی پیغامات بسفارت می آید. الامر الاشرف الاقدس الاعالی مطاع - مهر عبده الراجی - محمد حسین. (۴)

۱- بابعالی = دربار سلطان عثمانی.

۲- مدحت پاشا- بمدها صدراعظم عثمانی شد .

۳- عمادالدوله = امامقلی میرزا (فرزند دولتشاه) حکمران کرمانشاه.

۴- کتاب ۱۶ اسناد وزارت خارجه - از مهر سه سالار چنین بر می آید که نام او «محمد

حسین خان» بوده و پس از آنکه به ایران آمده به «میرزا حسین خان» شهرت یافت و خودش ذیل نامه هارا تنها با امضای «حسین» علامت می گذاشت.

سند هشتاد و ششم

گزارش دوم مشیرالدوله سفیر ایران در عثمانی

درباره مسافرت ناصرالدین شاه به عتبات

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم - در فقره طائفه خبیثه بایه مؤکداً امر و فرمایش فرموده بودند که از حال تعلیمات بجهة والی بغداد گرفته بفرستد که هر کس بآن صفت و اسم معروف باشد بگیرند در محبس بیندازند، امیدوارم چاکر خانه زاد که در ظل عاطفت همایونی تربیت یافته ام از ملاحظه اطراف اینگونه امور هیچگونه غفلت ننموده مطالعات عاجزانه خود را در تحصیل حفظ و حراست وجود مقدس اعلیحضرت شهریار جمجاه روحنا فدا ره تأمین خاطر حاصل کرده باشم، قبل از زیارت دستخط مبارک تعلیمات بلیغه و احکامات لازمه از طرف بابعالی بعهده والی بغداد فرستاده شده است، غلام خانه زاد هم شرحی مبسوطاً به کاربرد از بغداد نوشته و راه به او نموده ام که چگونه در تحقیق و تفتیش بوده جستجو کند در هر محلی که سراغی از آنها شد بدستگیری حکومت دستگیر کند .

اینکارها شده بود و لکن شرم نمودم که بصراحت اسمی از طائفه خبیثه برده در خاکپای همایون متذکر آنها شوم؛ در عریضه که فقره ایلخانی عرض شده بود شرحی سربسته معروض داشتم که پس از ملاحظه معلوم فرموده اند که مقصود از آن معروضات و بیانات که از طرف بابعالی تعلیمات فرستاده شده است که حین شرفیابی همایون در هر یک از روضات مقدسه متبرکه احدی نباید باشد آن چه بوده است، اسم آن طائفه خبیثه را نخواستم در آن موقع یزبان آورده باشم ،

بقدری که محل اطمینان خاطر باشد خیالات نموده و قرارها داده ام بعد از آنکه خانه زاد وارد آن صفحات شدم میدانم چه قسم اهتمامات در دفع و رفع و حبس و قید آنها نموده خاطر مبارک را از هر جهت آسوده دارم و در سایه همایونی هشیار و بیدارم و تکالیف چاکری خود را در هر حال میدانم خاصه محافظت وجود مقدس همایونی روحانفاده را که اهمیت بر همه چیز دارد. الامر الاشرف الاعلی مطاع - پشت کاغذ - مهر - عبده الراجی محمد حسین. (۱)



۱- محمد حسین = میرزا حسین خان مشیرالدوله = میرزا حسین خان بهلولار
کتاب ۱۶ - اسناد وزارت امور خارجه .

سند هشتاد و هفتم
گزارش روزانه مدرسه دارالفنون
دوشنبه نوزدهم شهر محرم الحرام ۱۲۸۸ ق (۱)

میرزا کاظم معلم حکمت طبیعی دو ساعت از روز گذشته بمدرسه مبارکه حاضر شده بشاگردان سپرده خود از ساختن آبهای معدنی مصنوعی کبریتی و حدیدی و قلیائی درس داده قریب دو ساعت بتعلیم درس پرداخته بعد از ظهر شاگردان رتبه اول مشارالیه بترجمه کتب علمیه مشغول گردیدند ، از قراری که مشارالیه اظهار داشت سه جلد از تذکرةالاذویه ناصری بشاگردان خود درس گفته است. «مسیوریشاد» معلم زبان فرانسه نیز پنج ساعت بغروب مانده به مدرسه آمده از کتاب حکایت و گرامر بجمع شاگردان درس داده مدت دو ساعت مواظب درس بوده بعد معاودت لمود. «مسیواندرنی» معلم پیاده و «مار دروس خان معلم زبان روسی بجهة عید مذهبی نتوانستند به مدرسه حاضر شوند ولی شاگردان پیاده و زبان روسی بمذاکره درسهای گذشته مشغول شدند «مستر طر» معلم زبان انگلیسی یک ساعت از ظهر گذشته بمدرسه حاضر شده از تاریخ و حساب و حکایت انگلیسی درس بشاگردان تلگراف «مرس» داده بعد از دو ساعت مراقبت مراجعت کرد، شاگردان هندسه بمدرسه مبارکه حاضر شدند چون میرزا عبدالغفار معلمشان بجهة برپانمودن مجلس روضه در منزل خود نتوانست بمدرسه بیاید لذا شاگردان به نقشه کشی و مذاکره درس مشغول شدند . مسیو کنستان معلم نقاشی از قواعد مشق نقاشی بشاگردان خود مشق و تعلیمی داده بمترل خود رفت ، « آخوند ملاحسین » از کتب عربی و فارسی بشاگردان خود

درس داده بعد از ظهر نماز خوانده همه شاگردان سر نماز حاضر شدند.
 روزنامه مبارکه دارالفنون از قراری است که عرض شده است مهر- جعفر قلی ابن
 رضا قلی - بالای گزارش - روزنامه مدرسه مبارکه دارالفنون از قراری است که
 بخاکبای مبارک عرض شده - مهر - اعتضاد السلطنه. (۲)

-
- ۱- از این گزارش نام بسیاری از استادان ورشته‌های درس دارالفنون شناخته می‌شود .
 گزارش با مهر جعفر قلی خان نیرالملک رئیس مدرسه (فرزند رضا قلی خان هدایت = لله باشی)
 و با گواهی «علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه شاهزاده دانشمند (فرزند فتحعلی شاه) نخستین
 وزیر علوم و سرپرست دارالفنون میباشد.
 - ۲- کتاب ۱۳ - اسناد وزارت امور خارجه .

سند هشتاد و هشتم

نامه گلداسمیت (۱) به میرزا معصوم خان انصاری (۲)
درباره امور مرزی

از مضمون مراسله مورخه ۲۸ محرم ۱۲۸۸ - آن گرامی دوست مشفق
مهربان آگاهی حاصل نمود، مرقوم رفته است که از قرار تلگرام جناب مستطاب
وزیر امور خارجه دولت علیه ایران که شب گذشته واصل گردیده تکلیف آندوست
مکرم مهربان موافقت دوستدار در کشیدن نقشه و دیدن اماکن لازم الملاحظه
و تحصیل اطلاعات از حالت بلوچستان است. در جواب زحمت افزا می شود
که البته در خاطر آن گرامی دوست مهربان خواهد بود که اراده اصلی دوستدار
در بمپور، در باب این فقرات ثلاثه چه نوع بود و بر ضمیر آندوست مشفق پوشیده
نیست که چون این اراده مذکوره صورت پذیر شد دوستدار خود منفرداً به
پیشین (۹) و مکان دیگر رفته و عالیجاه کاپیتان لاوت صاحب مهندس دولت بهیه
انگلیس را بجهت دیدن مکانهای طرف شمالی فرستاد، بالاخره نقشه صحیحه
موافق قراردادی که فیما بین دوستدار و آن گرامی دوست مهربان در بمپور
کشیده شد، در اینصورت دوستدار محتاج بدیدن اماکن مذکوره و برداشتن
نقشه ثانیاً نخواهد بود، درخصوص رفتن سیستان خود آندوست مکرم مهربان
می بینند اکنون که يك ماه از بهار رفته گرمای بلوچستان به چه درجه است و از این
میتوان قیاس کرد که بعد از يك ماه در بلوچستان و سیستان سیاحت و توقف
غیر ممکن خواهد بود، با اعتقاد دوستدار در اینصورت رفتن به سیستان را اولیای
دولتین ذیشوکتین تا پائیز هذه السنه مشکل است تجویز نمایند، قبل از این دوستدار

آن دوست مشفق مهربان را مستحضر ساخت که در هر روز بلکه هر ساعت منتظر رسیدن حکم از جانب دولت متبوعه معظمه خود برای حرکت و دانستن تکلیف خود می باشد ، چنانچه حکم مزبور شرف صدور یابد دوستدار مصمم رفتن به طهران و بردن نقشه مزبور خواهد بود زیاده زحمتی ندارد فی ۲۸ شهر محرم الحرام ۱۲۸۸ . (۳)

-
- ۱- ماجرجنرال گلداسمیت رئیس هیئت نمایندگان انگلیس که بعنوان داور ، مأمور تعیین خطوط مرزی ایران در قسمت سیستان و بلوچستان بود و عاقبت هم نقشه برداری گلداسمیت که به مصلحت دولت انگلستان انجام شده بوده ایران تحویل گردید .
 - ۲- میرزا معصومخان انصاری رئیس هیئت نمایندگان ایران
 - ۳- کتاب ۲۴- اسناد وزارت امور خارجه .

سند هشتاد و نهم

نامه میرزا معصوم خان انصاری به گلداسمیت

درباره مرز بلوچستان

دوستدار به بندر گواد (۱) محض بجهة همراهی آنجناب مکرم دوست مشفق مهربان در کشیدن نقشه و دیدن اماکن لازم الملاحظه در بلوچستان آمده است، امروز نزدیک به غروب عالیجاه مجدت همراه «کاپیتان اسمیت صاحب» نایب مخصوص آن جناب محمّد نصاب نقشه بلوچستان را که عالیجاه مجدت همراه «کاپیتان لوت» (۲) صاحب مهندس، زحمت کشیده برداشته است نزد دوستدار آورده بود (۳) بعد از ملاحظه آن یقین حاصل نمود که دیگر آن جناب محتاج مسافرت در چنین فصلی در بلوچستان وجهاً من الوجوه نخواهند بود و از قراری که چهار روز قبل از این میفرمودید که اراده دارید که به سیستان هم در پائیز تشریف ببرید در این صورت ماندن دوستدار زیاده از این در بندر گواد در صورتی که موفق خدمتی نمی‌تواند شد چه حاصلی دارد (۴) پس تکلیف دوستدار در این است که پس فردا بعون الله تعالی برآ اوبحرأ به چاه‌بهار مراجعت نموده و از آنجا عالیجاه میرزا علی اشرف خان را باتدارك لازمه برای انجام عمل نقشه خود روانه دارد بجهة اطلاع آنجناب شب ۲۵ شهر محرم الحرام زحمت داد زیاده زحمتی ندارد فی شب ۲۵ شهر محرم الحرام ۱۲۸۸ (۴)

۱ - گواد = گواتر بندری در منتهای الیه جنوب شرقی دریای عمان،

۲ - نقشه بردار انگلیسی

۳ - با اینکه در عمل مقرر بوده است علی اشرف خان مهندس ایرانی همراه نقشه بردار انگلیسی خط مرزی بلوچستان و کلات را از جالق تا دریا با همکاری هم دیگر تعیین کنند از این نامه پیداست که گلداسمیت رئیس هیئت نمایندگان انگلیس قبل از ورود هیئت نمایندگان ایران دستور داده است نقشه را بدله خواهان کلات تهیه کنند و همان نقشه آماده شده را به نماینده ایران ارائه داده است و سرانجام با سماعت الیسن وزیر مختار همان نقشه با اندک تغییری بردولت ایران تحویل گردید.

۴ - کتاب ۴ - اسناد وزارت امور خارجه.

سند نودم

گزارش میرزا معصوم خان انصاری به وزیر امور خارجه در باره گلداسمیت

فدايت شوم۔ اگر از حالت امروزه اين بنده اطلاع درستی داشته باشند به النجات آقائي و پدري که داشته و دارند بعد از اين خدمتگذاري را در اين اسفار بکمترين روا نمیدارند، هفت ماه تمام است در دست اين مأمور گرفتار و کمال اصرار را در اين داشته و دارد که اغماض از حق نموده و نان و نمک شاهنشاه ظل الله روحنا فداه را بر خود حرام نماید. جناب مستطاب خداوندگار اجل روحی فداه میفرماید: چرا تلگرافهای شما مختصر است (؟) واضحاً از حالت خود مرا مطلع نمائید.

عرض کنم تصدقت شوم، ممکن نیست که بتوسط تلگراف انگلیس عرض کند که مدعی ماکلاتی ها والله بالله نیستند، مدعی حکم ثالث است، آخر کمترين میدانستم که مقصود اين مأمور چیست، از اصفهان بعرض بندگان عالی رسانیدم که مقصود جنرال راه رفتن سیستان نیست و در بلوچستان اگر کاری بکند یا نکند دره گوا دره به کشتی دودی نشسته عازم طهران یا لندن خواهد شد.

دردول سايره از مأمور پلتیک اينطور شعور و حس را بسیار غنیمت می۔ شمارد، بفضل خدا و بينی و بين الله بی مداهنه و ملاحظه و منظور دیگر از من یا او، جناب فخواست نصاب وکیل الملك حکمران کرمان و بلوچستان (۱) به پختگی و تدبیر باطنیت این مرد را در نوشتجات رسمانه خود ظاهر ساخت و بعد از شرفیابی خواهند دانست که چقدر در این سفر بایغرضی و بی طمعی راه رفته و شکر خدا را سنداً بعد سند از مأمور انگلیس در دست دارم که مقصود او مغایر منظور اولیای

دولت علیه ایران بوده است و زیاد جهد نموده که کمترین را هم عقیده کنند شده و نخواهد شد، مطمئن باشند و بسفارت در کمال اطمینان جواب بدهند که نوشتجات طرفین دلیل درستکاری طرفین میتواند شد و بس، عرض کردم از حالت امروزه خودم، تب سبکی دارم نقلی نیست انشاء الله تعالی، امانور چشمانم میرزا موسی و فضل الله بحق خدا در حالتی افتاده اند که چه عرض کنم از یست نفر نوکریک پیش خدمت و قهوه چی و میرزا ناخوش نبوده مابقی همه مریض و بستری هستند هوای امسال معر که کرد، ده نفر نوکر مقرب الخاقان ابراهیم خان سرتیپ (۲) مشرف بموتند، فکری در حق ما بفرمائید که جاباید ماند و چطور باید کرد (۴) اگر بطهران احضارم فرمودند حکم عرض راه مرقوم و ارسال فرمائید. ۲ صفر ۱۲۸۸ پشت کاغذ مهر - معصوم الانصاری (۳).

۱ - وکیل الملک = اسمعیل

۲ - ابراهیم خان سرتیپ = حاکم بهور

۳ - کتاب ۲۴ = اسناد وزارت امور خارجه

سند نود و یکم

نامه میرزا معصوم خان به گلداسه میت

درباره کلات

در ضمن مراسله مورخه ۳ شهر صفر المظفر آن جناب مجدت نصاب مرقوم شده که کلاتی هادر گوادرحاضرند، دوستدار سبب حضور جمعیت کلاتی را در این بندر که دخیلی به خان کلات نداشته و نمیتواند میان دولت متبوعه دوستدار و خان کلات مطرح گفتگو واقع شود نمیتواند فهمید، از قرار تقریر آن جناب تنها عالیجاه مجدت همراه «سردار فقیر محمد خان» از جانب خان کلات (۱) مأموریت دارد و بس، سایر خوانین و جمعیت عالیجاه «ملاعطا محمد داروغه» چرا آمده اند (۲) و در صورتیکه در اقرب اوقات «کج» (۲) ملک مختص دولت علیه را معسکر قرار داده و بمغایر قرارداد وزارت امور خارجه سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خداالله ملکه و سلطانه و سفارت دولت بهیة انگلیس که بالصراحه قید فرموده اند، مادام تشکیل دیپلماتیکه نباید از ایران و افغان و کلاتی حرکات متجاسرانه ظاهر بشود. همین عالیجاه ملاعطا محمد داروغه چهارصد نفر سرباز و دو عراده توپ و سایر آلات حرب بآنجا آورده و اولیای دولت علیه ایران چنانچه شفاهاً هم باطلاع آنجناب رسانید بیرون شدن توپ و سرباز را از کج مطالبه میفرمایند و امید این را دارند که آن جناب نیز این فقره را تصدیق فرموده در این باب از اظهارات با فایده مضایقه و دریغ نخواهند داشت.

دیگر مأمور خان کلات و یا سایر خوانین و اعوان و انصار او به چه منظور در اینجا با این جاه و جلال حاضر و متمکن شده اند (۲) اگر از مقصود ایشان آن

دوست مشفق مهربان دوستدار را مطلع میفرمودید باعث امتنان می شد و همچنین در باب بیرون کردن سرباز و دوتوپ کلانی از کج، از عقیده و اراده آن جناب اگر مستحضر و زودتر بعرض مبارك اولیای دولت علیه می‌رسانید تکلف مأموریت خود را ادامی نمود. زیاده زحمتی ندارد ۳ شهر صفر ۱۲۸۸ پشت کاغذ - مهر - معصوم الانصاری (۳)



۱- خان کلات = خداداد خان - ۲- کج = روستا در شرقی بندر گواتر
۳- کتاب ۲۴ - اسناد وزارت امور خارجه

سند نود و دوم

نامه گلداسمیت به میرزا معصوم خان

در باره کلات

در ضمن مراسله مورخه ۳ شهر صفر المظفر ۱۲۸۸. آن دوست مشفق مهربان از سبب حضور مردم کلات در اینجا استفسار نموده اند، دوستدار از مضمون مراسلات و اظهارات سابقه و جدید خود متعجب است که آن گرامی دوست مشفق ملتفت نشده اند که عالیجاه سردار فقیر محمد خان (۱) مخصوصاً برای ملاقات آن دوست مکرم مهربان باینجا آمده اند و عالیجاه ملاعطا محمد داروغه مثل مترجم و امداد کننده عالیجاه مشارالیه است و دیگران اینجا آمده اند که شاید وجود آنها برای شهادت در این مأموریت لازم می شود و سایرین بغیر جمعیت بطور دوستانه متحمل زحمات زیاد برای آمدن باینجا شده اند. در باب بیرون شدن سرباز از کج از قراری که تحقیق بعمل آمده اگر هم بطور سرباز و غیره در آنجا آمده باشند یقیناً قبل از تعیین شدن و آمدن مأمور کلات برای این مأموریت خواهد بود و چون کج از متصرفات کلات است و بر رأس سرحد متصرفی حالیه شمرده نمی شود، دوستدار در این وقت خود را مختار نمی بیند که اینها را از کج بیرون نماید - زیاده زحمتی ندارد - فی ۳ شهر صفر المظفر ۱۲۸۸ (۲)

۱ - سردار فقیر محمد خان = نماینده خان کلات

۲ - کتاب ۲۴ - اسناد وزارت امور خارجه

سند نو دوسوم

نامه میرزا معصومخان به وزیر امور خارجه

درباره مرز بلوچستان

خداوند گارا- از بندر چاه بهار بتوسط تلغراف بعرض مبارك اولیای دولت علیه رسانید که مأمور مخصوص انگلیس موافقت با کمترین غلام و مطابقت با قرارداد وزارت جلیله امور خارجه و سفارت انگلیس ننموده و فدوی بی نیل مقصود بمراجعت پمپورتونف آنجا و عرض خیالات باطله مأمور مشارالیه بخاکپای اولیای دولت علیه ایران و انتظار جواب و فرمایش مطاع جناب مستطاب خداوند گاری مدضله العالی مجبور آمد، چون همه منظورات مأمور مزبور از تحریراتش معلوم و مشهود خاطر مرحمت ذخایر جناب مستطاب عالی دام اجلاله میگردد و لهذا بفرستادن کتابچه سئوال و جواب خود با مأمور انگلیس (۱) بحضور اولیای دولت علیه اکتفا کرد و جسارت می نماید که بنمک بامحك سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده قسم که این مأمور بجز حمایت و تقویت مأمور خان کلات (۲) و تحصیل سند که کج و تمپ و بلیده و مند و کوهک و اسپندار (۳) و بلکه بیشتر سرباز و دشت باهو (۴) تعلق به خان معزی الیه دارد خیال دیگر نداشته و از این کمترین نهایت دلخوری را دارد که مساعدتی در پیشرفت این منظور با مأمور مشارالیه نتوانست ظاهر نمود و در رفتن سیستم پیش از فراغت از امر بلوچستان اقدام نخواهد نمود. زیاده جسارتی ندارد فی ۲۹ شهر صفر المظفر ۱۲۸۸ - پشت کاغذ - مهر معصوم الانصاری (۵)

-
- ۱ - کتابچه سئوال و جواب میرزا معصومخان باکلد اسمیت اگر به دست میآید از اسناد ارزنده سیاسی و نمایشگریشرویهای استعمار انگلیس در مرزهای ایران بود.
 - ۲ - فقیر محمدخان نماینده خان کلات
 - ۳ - از روستاهای بخش هوکلات و سراوان
 - ۴ - سرباز و دشت باهو = بخش در شمال بندر گواتر
 - ۵ - کتاب ۲۴ اسناد وزارت امور خارجه

سندنود و چهارم

گزارش میرزا حسینخان سپهسالار

دربارهٔ سان قشون واختلاف مرزی باعثمانی

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم - روز سه شنبه صبح بعد از آنکه افواج همه حاضر مشق شدند فدوی خانه زاد با همراهان میان فوج رفته مشق بسیار خوبی که حقیقتاً موجب بتمجید همه گردید نمودند و از صمیم قلب آحاد و افراد قشون دعا بوجود مبارك همایونی روحانفاده از بابت فراهم بودن جمیع اسباب استراحت خودشان می نمودند غلام خانه زاد نیز وعدهٔ ادای وجه معتد به از بابت مواجب و غیره در همین روزها به نفرات و صاحب منصب ها نمودم و باعث کثرت وجد و دعا گوئی آنها گردید .

پس از اتمام مشق عازم نیاوران شدم اول ورود به آستان سرکار مهد علیا (۱) و ستر کبری دامت شوکتها مشرف گشته اظهار عبوریت نموده از سلامتی وجود مقدس ملوکانه روحانفاده سرکار ایشان و خدام حرم جلالت را بواسطه آغا باشی (۲) بشارت داده بمنزل آمدم و از شش ساعت بغروب مانده تاحال که سه ساعت از شب گذشته است بهمین قسم نشسته مشغول خواندن تحریرات وارده از داخله و خارجه می باشم و باین تفصیل نوشتجات تقدیم خاکپای مبارك گردید . پاکت وارده از کرمان (دیروز عرض شده بود قسط کرمان وارد شده است سهوی است که دبیر الملك نموده بود قسط هنوز نرسیده است) - پاکت حاجی محسن خان (۳) بعنوان فدوی خانه زاد - پاکت ایضاً بعنوان وزیر امور خارجه (۴) کتابچه حسنعلی خان (۵) بعنوان ناظم الملك (۶) بولتین تلگرافی روزنامه لائترکی

که اخبار ایران را نوشته است و قاعده است اخبار مهمه را که بعد از تقسیم روزنامه میرسد این قسم چاپ نموده میرسانند، تلگراف نامجات وارده از شیراز و همدان و کرمانشاه به روزنامه نظامی عساکر همه آنها که از لحاظ انور اقدس اعلی روحانفاده گذشت بهرچه امر شاهنشاهی شرف صدور یابد جواب نوشته خواهد شد.

مأموریت حاجی محسن خان را به اسلامبول بر حسب امر قدر قدرت همایون بخود او و بمیرزا احمد شارژد افر اسلامبول تلگراف کردم لکن به حاجی محسن خان نوشتم که عجلتاً از لندن حرکت نمایند تا دستور العمل مجدد بمشارالیه برسد، جواب تلگراف های «تولوزان» (۷) و غیره که رسیده بود همه را نوشته فرستادم.

عصر روز سه شنبه اشرف پاشا (۸) نزد فدوی آمده بعد از قدری صحبت از تبدیل صدارت اسلامبول و تعیین وکلای جدید دولت آنوقت تلگرافی فرانسوی العبارة ابراز نمود که سواد ترجمه آن درجوف عریضه عاجزانه از لحاظ مبارک همایونی خواهد گذشت، از روی تلگراف ایالت بغداد شکایت از شجاع الدوله (۹) و تحزیب قراولخانه و گل عنبر، و عدم تحقیق ماده حبس خانه خانقین نموده و مأموریت داده اند که تحصیل اطمینان از امنیت سرحدات از فدوی خانه زاد بخواند در این باب مشغول مذاکره بود که تلگرافی صاحب دیوان مشعر به جواب شجاع الدوله که تکذیب آقاویل عثمانی ها را کرده و خیالات تجاوزانه عثمانی در سرحدات ارومیه رسید همان تلگراف را بعینها نمودم و گفتم مأمورین شما آن قسم به بابعالی می نویسند و مأمورین ما این قسم به دولت اطلاع میدهند، بقدری که شما در صدق روایت آدمهای خود اصرار دارید بهمان اندازه در درست قولی مأمورین ایرانی من ثابت قدم، پس صحت این دو قول معلوم نمی تواند

شد مگر اینکه ماموری از من و شما بمحل وقوع رفته اختلاف اقوال را تحقیق نموده راهپورت نمایند تا قرار کار داده شود ، اما در خصوص خراب کردن قلعه فیما بین من و ناظم افندی (۱۰) در شهر رمضان قرار بر این شد که این قلعه بهمان حالت که در آنوقت بوده باقی بماند و بهیچوجه مباشرت در اتمام او نشود و عسکری هم سکنی ننماید تا تحقیق تصرف سابقه آن موقع فیما بین دولتین بشود ، مأمورین شما برخلاف آن قرارداد قلعه را تمام کردند و هم عسکراسکان دادند، اینکه نوشته اند دویست نفر سرباز رفته آنجا را خراب کرده است از روی یقین میتوانم شمارا اطمینان داد که دروغ است .

صاحب آن زمین که معتمدالدوله (۱۱) باشد کمال شکایت را از او دارد و چند مرتبه اورا احضار نموده و نیامده است بدون تشویش رفته خراب کرده است لکن از شما مکتوم نمیدارم که من کمال امتنان از این حرکت او حاصل کرده ام و اینکه نوشته اند از عسکر حس نموده و کشته اند و اسلحه آنها را برده اند دروغ است اگر برای تحقیق این فقره که سرباز ایران مداخله نداشتند است و از عسکر شما کشته نشده است و اسلحه آنها ضبط نگردیده است بخواهید مأموری فرستاده شود مضایقه ندارم و از جانب من بدولت خودتان اطمینان بدهید که امطر دولت علیه ایران بهیچوجه بمخالفت و برودت با دولت عثمانی یا تصرف يك وجب از املاك حقه شما ندارد و راضی به پنج قسم حرکت خلاف قاعده نسبت بمأمورین و رعیت شما نیست لکن بقدر ذره (نی) هم اغماض و سکوت نخواهد کرد .

جوابی به تلغراف صاحب دیوان (۱۲) در حضور اشرف پاشا نوشتم و فرستادم چون اصل تلغراف صاحب دیوان را نگاهداشتم که با شارژ دافر انگلیس مذاکره

نمایم سوادى از تلغراف صاحب‌دیوان و جوابی که باورده شده است لفاً تقدیم خاکپای مبارک نمود که ملاحظه فرموده بهره امر قدر قدر همایونی شرف صدوریابد اطاعت شود .

میرزا عیسی (۱۳) الآن از شهر وارد شد، حالت شهر را بهمه جهت خیلی خوب میگوید فردا از خارج استحضارات لازم را حاصل نموده مفصلاً در عرایض آتیه معروض سده سینه همایونی خواهد داشت. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - جمادی الثانی ۱۲۸۹ مهر - صدر اعظم . (۱۴)

- ۱- مهدعلیا = مادر ناصرالدین شاه .
- ۲- اغاهاشی = سرپرست خواجگان حرم مهدعلیا
- ۳- حاجی محسن خان = وزیر مختار ایران در لندن .
- ۴- وزیر امور خارجه = میرزا سعیدخان .
- ۵- حسنعلی خان = امیر نظام گروسی .
- ۶- ناظم الملك = میرزا محبعلی مهندس ناظم سرحدات .
- ۷- تولوزان = یزشك فرانسوی ناصرالدین شاه .
- ۸- اشرف پاشا = سفیر دولت عثمانی
- ۹- شجاع الدوله = حکمران ارومیه .
- ۱۰- ناظم افتدی = شارژ دافر سفارت عثمانی .
- ۱۱- متعمد الدوله = فرهاد میرزا .
- ۱۲- فتحعلیخان = صاحب‌دیوان شیرازی .
- ۱۳- میرزا عیسی = وزیر طهران .
- ۱۴- کتاب ۱۳ اسناد وزارت امور خارجه .

سند نود و پنجم
گزارش میرزا حسینخان سپهسالار
درباره اختلافات مرزی

قربان خاکهای جواهر آسای اقدس همایونت شوم - بعد از آنکه ادله معهوده در حقیت دولت علیه ایران به سیستان به مهر وزیر امور خارجه بسفارت انگلیس فرستاده شد فردای آن روز مستر طامسن (۲) نزد غلام آمد و خیلی بتمجید و توصیف از وضع تحریر ادله و اساس های اربعه که در تعلق آنجا به دولت علیه قرارداد شده است می نمود و یادداشتی بوزارت خارجه نگاشته و مجلس مذاکره بجهت امروز که شنبه پنجم است خواسته بود، سه ساعت به غروب مانده مجلس در وزارت خارجه منعقد خواهد شد و ناظم الملك هم (۳) حاضر خواهد گردید اصل عمل در يك یا دو یا سه مجلس تمام نخواهد شد و باید در مجالس متعدده مذاکره شود و باز از طرفین ادله مکتوبی مبادله گردد، ناظم الملك مشغول است و ادله حاضر می نماید ، اسنادی که در وازت خارجه موجود بود همه را مطالعه و ملاحظه نموده اسناد زیاد هم در دستگاه دبیر الملك باید موجود باشد مشارالیه را گفته ام بشهر برود و آنچه نوشتجات و اسناد که تعلق به سیستان و تبعیت آنها بدولت علیه ایران است حاضر نموده بیاورد که انشاء الله الرحمن از توجه خاطر خطیر ملوکانه روحنافداه این امر بطور خوب و با حفظ شأن دولت صورت انجام یابد .

در ملاقات اخیر شارژدافر انگلیس گفتم مقدمه سیستان بوجه من الوجوه مشابهت بمقدمه بلوچستان ندارد ، اگر در آنجا دیدید که دولت علیه ایران در تحدید حدود خود را مقید ننمود و بهرچه شما گفتید تمکین نمود دلایل وجهاتی چند داشت که از آن جمله یکی رضایت خاطر شما بود و ثانیاً نصیرخان کلانی (۴) قابل طرف مقابل نبود ، اگر قدری از اراضی غیرذی زرع بآنها واگذار شد درانظار تفضلاً و مرحمتاً می نمود، لکن فقره سیستان مخالف اوست و دولت علیه ایران هرگز نمی تواند برخود هموار نماید که مغلوب امیر شیرعلیخان شده باشد و یکوجب از ملك متصرفی خود را بمیل خاطر خود ترك نماید، برعهده شما که امروز مظهر دولت انگلیس در ایران هستند میباشد که ملاحظه اطراف را نموده طوری نشود که فردا کار بجهت خودتان مشکل و پرزحمت شود ، صرفه ایران را ملاحظه نمودن بجهت شما انفع است اگر مداخلات فرضی و موهوم و موقتی افغان را بخواهید وسیله حقیقت و ملکیت قرار بدهید از این اساس شما زیاده تر متضرر خواهید شد زیرا که لاهور و پیشاور و کشمیر مدتهای طولانی در دست افغان و در تحت حکومت مستقلة آنها بوده است و هم جنس و هم زبان و هم مذهب آنها هم می باشند، بقدری که از يك انگلیسی میتوان حرف و قول گرفت اطمینان از موافقت و مساعد بودن خودش بجهة ایران و از عدم حمایت جنرال گولد اسمیت از افغانها داد .

صورت مذاکره مجلس امروزی در ضمن عرایض آتیه بعرض خاکپای اقلس همایونی روحنا فدا خواهد رسید . الامر الاقلس الاعلی مطاع مطاع

مطاع بشت کاغذ مهر- صدراعظم .

نوشته ناصرالدین شاه پشت پاکت .

صدراعظم - کیفیت اخبار سیستان را بشیخ محسن خان (۵) هم تلگراف بکنید
از طامسون هم جواب تلگراف را بخواهید و از اخبار سیستان هر چه ظهور کند
طامسون با تلگراف بدهد. (۶)

۱- میرزا حسین خان مشیرالدوله صدراعظم .

۲- تامسن- وزیر مختار انگلیس

۳- میرزا محبعلی خان مهندس .

۴- نصیرخان = خان کلات

۵- شیخ محسن خان - وزیر مختار ایران در لندن .

۶- کتاب هفتم اسناد وزارت امور خارجه .

سند نود و ششم

تلگراف سهسالار از رشت بعد از مغزولی (۱)

درباره خریداری تفنگ از آلمان

در کمال عبودیت و خاکساری عرضه میدارد تلگرافی که بر حسب امر قدر
قدرهمایون ملوکانه به افتخار این غلام خانه زاد شرف صدور یافته بود زیارت
نمودم و از مضمون تلگراف «نظر آقا» (۱) مطلع شدم آبرو و اعتبار دولت علیه و
وفای «پرنس بیسمارک» (۲) جز بوعده هائی که نموده است موقوف به اجرای این
معامله تفنگ است. نه اینکه محتاج فروش این تفنگ ها باشند زیرا که در
خاکپای مبارک مکتوم نیست که دولت پروس عالماً و عامداً تفنگ ها را بقیمت
نازل بدولت علیه داده بلکه درجه قدرت و اعتبار دولت را در این جزئیات ملاحظه
نموده مبنای مراوده آتیه خود را از آن رو قرار میدهند، بر اولیای دولت از هر
کار واجب تر اتباع و آوردن این اسلحه ها است که هم رفع احتیاج از خود
نموده اند و هم قدرت و اعتبار خود را در دولت پروس ثابت فرموده اند.

امرهمایون شرف صدور یافته بود که اتمام این کار را فدوی خانه زاد که
بصیرت تامه دارم بر عهده بگیرم و بهیچوجه عذر و تعلل از خانه زاد مسموع
نخواهد شد.

در خاکپای مبارک شاهانه پوشیده نیست که این غلام هیچوقت در خدمات
دولت و خاصه در انجام فرمایشات و اوامر ملوکانه نه عذر آورده ام و نه تعلل

کرده‌ام و نه تازنده‌ام خواهم کرد، چون مقرر شده بود که در این باب دستخط مشروحي بافتخار غلام شرف صدور يابد انشاءالله بعد از زیارت دستخط و تفکر عاجزانه جواب عرض خواهد نمود . غلام خانه‌زاد حسين - مهر تلگرافخانه مبارکه ولایت رشت نمره ۹۰ بتاريخ دوم شهر شعبان ۱۲۹۰ (۳)

۱- نظر آقا = يعين السلطنه وزير مختار ايران درباريس

۲- بيسمارك = صدراعظم و سياستمدار معروف آلمان

۳- كتاب ۲۳ - اسناد وزارت امور خارجه .

سند نود و هفتم
فرمان ناصرالدین شاه
درباره مشورت خانه وزیران

اولاً وزراء ، وزیر داخله - وزیر خارجه - وزیر عدلیه - وزیر علوم - وزیر جنگ - وزیر فوائد - وزیر وظایف و اوقاف - وزیر طرق و گمرک و تجارت. این وزرا هر يك كار مختصی دارند كه باید انجام بدهند و هیچيك مأذون نیستند كه در خانه های خودشان مشغول رتق و فتق باشند. باید هر يك در منزل در خانه (محل وزارت) مشغول امور باشند و هر يك منزل در خانه نداشته باشد باید مهیا شود .

هفته ای دوروز بر حسب المرتبه روز شنبه و روز سه شنبه را در دربار اعظم باید حاضر بشوند و مشغول گفتگو در امور دولت باشند، اگر فرمایش مخصوص باشد در آن باب حرف میزنند و الا در نظم و ترقی دولت صحبت بکنند. بغیر از این دوروز مستمر اگر کاری فوری در دولت رود یا حکمی شود باید مجتمع شده گفتگو بکنند. (۱)

حق جلوس در مشورت خانه وزرائی دارند كه صاحب شغل هستند (۲) دیگر علاوه بر صاحبان شغل از شاهزادگان و وزرای بی شغل كه حاضر باید بشوند،

شاه باید بخط خود بنویسد، ایشك آقاسی مشورت خانه آنها را هم حاضر بکند.
مشورت خانه يك نفر ایشك آقاسی (۳) لازم دارد باید معین شود. شعبان ۱۲۹۰ (۴)



۱- این فرمان نخستین دستور سازمان یافتن وزارت خانها وتشکیل هیئت وزیران می باشد که باخط ناصرالدین شاه نوشته شده و پیداست که هفته ئی دوروز جلسه درحضورشاه فراهم می شده است .

۲- در دوره قاجاریه وزیرانی بوده اند که عنوان النخاری وزارت داشته اند ولی شاغل مقام وزارت نبوده اند.

۳- مسئول تنظیمات و تشریفات .

۴- کتاب ۲۳ اسناد وزارت امور خارجه .

مندنود و هشتم
از یادداشت‌های ناصرالدین شاه
درباره امور مختلف کشوری

- ۱- احضار کل وزرا در اینکه هفته‌ای يك شب خودشان تعیین بکنند برای رسیدگی امورات کشوری
- ۲- در دربار اعظم گفتگو بکنند و امورات هفته و کارهایی که باید کرد مذاکره شود.
- ۳ - در باب تفنگ پروس مشیرالدوله (۱) چه تلگراف کرد (۲) باید همه این پول را تفنگ بخرد توپ را انشاءالله بدمی خریم.
- ۴ - بانصدتومان از پولی که پیش میرزا علی خان (۲) است به آقا سید صادق (۳) بدم
- ۵ - نصرت الدوله (۴) برود جیره و مواجب و طلب آخر سال قشون سیستان را معین کند.
- ۶ - مأمورین مخصوص از مهندس و از وزارت خارجه بروند سیستان از روی نقشه حدود را معین بکنند و آنچه متعلق به ایران است معلوم کنند که چقدر نفوس و چقدر آبادی و دهات است صورتش را بدهند.
- ۷ - دواب دیوانی را باربندی کنند برای آوردن غله خالصه دیوانی به انبار (۵).
- ۸ - کمیسیون سرحد باید معین شده بروند میرزا محبعلی (۶) و چند نفر دیگر.

۹- هرجا تلگراف حرف می‌زند حکام آنجا را حاضر کنند خودم حرف بزنم بخصوص با فارس و کرمانشاهان.

۱۰- عکس‌هایی را که عکاسباشی از فرنگستان جمع کرده است همه را حاضر کنند برای اندرون که زن‌ها تماشا کنند. شعبان ۱۲۹۰ (۷)

-
- ۱- مشیرالدوله = میرزا حسین‌خان سپهسالار .
 - ۲- میرزا علی‌خان = منشی حضور = امین‌الدوله .
 - ۳- سید صادق = مجتهد = پدر سید محمد طباطبائی چهره معروف تاریخ مشروطه
 - ۴- نصرت‌الدوله = فیروز میرزا = پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه .
 - ۵- انبار = انبار گندم طهران پس از قحطی ۱۲۸۸ - از طرف ناصرالدین شاه برای ذخیره مصرف نان پایتخت گسترش بیشتر جهت .
 - ۶- میرزا محبعلی مهندس از مأموران وزارت خارجه و کارشناسان امور مرزی.
 - ۷- کتاب ۱۹ اسناد وزارت امور خارجه .

سند نود و نهم

گزارش سپهسالار (۱)

درباره مخالفت روس‌ها با قرارداد رویتر (۲)

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم - بر حسب امر و اراده ملوکانه روحانفاده روز شنبه هشتم شهر حال در سفارتخانه دولت بهبه روسیه با وزیر مختار دولت مشارالیه ملاقات نموده بعد از تعارف رسمیه بسر مطلب رفتیم، وزیر مختار شرحی از مضرای نه این راه آهن بجهة دولت روس داشت بیان نمود، فدوی خانه زاد گفتم از دقیقه‌ئی که «پرنس قارچاقوف» (۳) اظهار مطلب در خاکپای همایون نمود و اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحانفاده دریافت فرمودند که اعلیحضرت امپراطور و اولیای دولت روس مایل بعمل راه آهن نیستند بر خود مخمر فرمودند اینکه نه تنها در این عمل مساعدت لازمه را بعمل نیاورند بلکه بطور حتم قرارنامه حاضره را لغو و باطل بفرمایند و از همان روز تا این دقیقه فرمایشات و دستور العمل ملوکانه به من در این مرکز بوده است و متصل تا کیدات همایونی بوقوع میرسد تا اینکه دیدید و الان بمشاهده شما میرسانم که ابطال و امضای قرارنامه را بموجب تلغراف بخود «بارون رایتر» (۴) و بموجب نوشتجات رسمیه بوکیل او در دارالخلافة اعلام نمودیم و مصنف روزنامه ایران هم این اعلان را بجمع اهالی داخله و خارجه اخبار نمود و همه روزه هم من مشغول مبادله نوشتجات با وکیل رایتر هستم و هر کاغذ را از کاغذ اول سخت‌تر و باثبات‌تر می‌نویسم و خیال دارم در این روزها به رشت تلغراف نمایم که اگر چند نفر عمه در راه کار می‌نماید مانع شده و نگذارند، از این بیانات ظاهر آ و باطناً مسرور شد و گفتم: اگر دولت روس راضی و مایل به این راه آهن نبود برای دولت ایران نافع نبود.

فدوی گفت: این مسئله‌ئی است طویل‌الذیل عجالتاً مجال دخول در این بحث نداریم لکن بطور یقین اعلیحضرت ملوکانه روح‌نفاذ محض عدم میل امپراطور این قرارنامه را برهم زدند نه خیال و تصور دیگر. بعد گفتم شبهه شما در کجا بوده است بگویند تا من بقدری که فهمیده‌ام در صدد رفع آن توانم برآمد.

گفت: در فصل ۸ که می‌نویسد: اگر تا ۱۵ ماه از تاریخ امضای قرارنامه شروع بکارنشود یکصد هزار تومان مرهونه ضبط خواهد شد. بارون رایتز بهمین کاری که کرده است خواهد گفت من شروع کرده‌ام. فدوی گفتم: در آخر فصل می‌گوید اگر تأخیر در شروع از بابت جنگ در ممالک خارجه و غرق و تأخیر در حمل و نقل بهم نرسیده باشد، اگر شروع همین تسطیح يك ربع فرسنگ زمین بود که حالا کرده‌اند از برای همینقدر کار بهیچوجه محتاج فرنگستان نبودند که از آنجا چیزی حمل و نقل نمایند که غرق و تأخیر حمل و نقل آنها را معاف تواند داشت.

وزیر مختار مشارالیه بهیچوجه متوجه این فقره نشده بود از استماع و دریافت این دلیل خیلی مشعوف شد و گفت: خوب عذرو بهانه بدست آورده‌اند. گفتم همینقدر نیست، از بارون رایتز نوشته دارم که در ایام مسافرت همایونی در فرنگستان با کمال اصرار شش ماه دیگر از من تمدید مدت می‌خواست اعلیحضرت همایون شاهنشاهی روح‌نفاذ بنا بفرمایشی که به پرنس قارچاقوف فرموده بودند راضی نشدند و مهلت مرحمت نفرمودند علاوه بر این دو دلیل فصل ۲۳ صراحتاً می‌گوید که کمپانی مجبور و متعهد است که شروع به راه‌آهن و معادن و مباحث جنگل‌ها را دفعتاً واحده نماید و به اقرار و اعتراف خودش بآن سه فقره اخیر بهیچوجه شروع نکرده است، مثل این است که در هیچیک شروع

نموده است و مقصود ما حاصل است، علاوه بر آنچه شفهاً بشما گفتم نوشتجاتی که در این باره بین من و وکیل را برتر مبادله شده است و ادله را واضحاً و مشروحاً آنجا نوشته‌ام همراه خود آورده‌ام که اگر بخواهند ملاحظه نمایند. از این فقره زیاد ممنون شد و از من خواهش کرد که نوشتجات را نزد او بگذارم آنشب بدقت درست ملاحظه نموده گفت خودم برداشته می‌آورم و بشما تسلیم می‌نمایم و گفت: در روز شرفیابی قرار شد که بعد از ملاقات باشما اعلیحضرت همایون شاهنشاه دستخطی مرحمت فرمایند که از روی آن من تلغراف رمز به پرنس قارچاقوف بفرستم، گفتم از این فقره من اطلاعی ندارم و فرمایش بمن نشده است.

خواهش کرد که در عرض و تقدیم را برت عاجزانه بخاکپای اقدس اعلی این فقره را نیز عرض نموده و جواب بمشارالیه بدهم، به امر قدرت همایونی از وزرای مختار انگلیس و عثمانی و اتریش و فرانسه هم بازدید نمودم چون امر فرموده بودند که صورت مجلس ملاقات با وزیر مختار روس را بواسطه عریضه عرض دارم جسارت نمودم - الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع - غلام خانه زاد - حسین (۵).

۱- سه سالار = میرزا حسینخان.

۲- قراردادی که در ۱۸ جمادی الثانی ۱۲۸۹ بین دولت ایران و بارون ژولیس روتربنجه انگلیس برای ایجاد راه آهن و استخراج معادن ایران به امضای رسید.

۳- قارچاقوف = کرچکوف - وزیر خارجه روسیه تزاری.

۴- از این گزارش پیداست که ناصرالدین شاه در روسیه قول لغو قرارداد را به

امپراطور روس داده و باین مناسبت میتوان احتمال داد که تظاهرات برای لغو قرارداد هنگام بازگشت ناصرالدین شاه به ایران بتحریر خود او بوده است.

۵- کتاب ۲۳ - اسناد وزارت امور خارجه.

سند صدم

گزارش فرهاد میرزا معتمدالدوله والی فارس (۱)

درباره خود سری ایلخانی

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم درباب محمدحسین-
خان بویراحمدی (۲) مکرر تفصیل را به عرض پیشگاه حضور آفتاب ظهور
مبارک رسانیده که با وجود صفرسن چهاربرادر بی گناه خود را در وسط مملکت
کشته و پدر پیر خود را حبوس ساخته و حالا باطمینان حسینقلی خان ایلخانی (۳)
بدون وحشت و باکمال آزادی در پناه اورا می رود و مطلقاً اندیشه از مواخذة
اولیای دولت قاهره ندارد، این اوقات میرزا زکی خان سرتیپ فوج اردبیل و
مشگین کاغذی باین غلام آستان همایونی نوشته و سواد آن را ملفوف رقعہ علیحدہ
خدمت جناب اشرف امجد سپهسالار اعظم (۴) دام اقباله العالی فرستاده از نظر
مهر اثر مبارک روحی فداہ می گذرد تا حقیقت امر بر عاکفان حضور همایونی
مکشوف گردد که حسینقلی خان ایلخانی محمدحسین خان را با هزار خانوار ایل
نگاہداشته و نزد خود پنهان کرده است، بالصراحہ عرض و جسارت می نماید که
این امر در وسط و بجبوحہ مملکت اتفاق افتاده و چشم و گوش الوار بهبهان و
ایلات عربستان و لرستان و فارس جملگی براه است و منتظرند که مؤدی و منجر
بکجا می شود، اگر اولیای دولت روزافزون قاهره صرف نظر و اغماض فرمایند
رفته رفته بدخواهد شد و اسباب اغتشاش سایر ایلات خواهد گشت، ملاحظہ
حالت و نظم مملکت الزم از ملاحظہ احوال این غلام و دیگران است هرگاه

تنبيه و تدمیر محمدحسینخان را حالا معوق و موقوف خواهند فرمود حکومت بهبهان را مقرر فرمایند به حسینقلی خان مرحمت فرمایند، اقلاً نظم کلی می دهد که دیگر کسی نتواند اسباب شرارت شود و یقیناً همان روز که بهبهان را به او مرحمت فرمایند همین محمدحسینخان را که حالا از او حمایت می کند و پناه می دهد خواهد کشت که دیگری باینگونه امور نتواند اقدام کند. انشاءالله تعالی این عرایض عاجزانۀ این غلام در پیشگاه حضور مرحمت دستور مبارک موقع قبول یافته بدانچه رأی آفتاب ضیای مبارک قرار گیرد؛ امر و مقرر فرموده او امر علیه شرف صدور خواهد یافت. امر امر جهان مطاع همایون است ربیع الاول ۱۲۹۵ پشت کاغذ - مهر - فرهاد (۵)

۱- فرهاد میرزا = معتمدالدوله فرزند عباس میرزا از هاهزادگان با کفایت و صاحب قلم دوره قاجاریه .

۲- محمدحسین خان بویر احمدی فرزند خداکرم خان بویر احمدی از رؤسای ایل بویر احمدی در بهبهان.

۳- حسینقلی خان ایلخانی بختیاری فرزند جعفرقلی خان ایلخانی .

۴- میرزا حسینخان سپهسالار.

۵ - کتاب ۱۳ - اسناد وزارت امور خارجه .

پا یان اسناد

پیوست های کتاب

میں نے اپنے

خان صاحب راضی ہو کر فرمایا کہ اگر

دیکھو اور دیکھا اور ہم پروردگار کے چرخِ غافلہ میں گمراہ ہو کر رہے ہیں

نقد، اینک در عهد پرشای دیگر، (مضامین)

ملک منجندہ شاہ در محراب الدیوان (نور مؤرخ)

یاد رفتن خود را از خط برادر کعبه

سجده خالص شروع، بحضور نظر کا دم، ایک لکھ مراد باریک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱- در این کتاب که در دسترس
 ۲- است و در این کتاب که در دسترس
 ۳- است و در این کتاب که در دسترس
 ۴- است و در این کتاب که در دسترس
 ۵- است و در این کتاب که در دسترس
 ۶- است و در این کتاب که در دسترس
 ۷- است و در این کتاب که در دسترس
 ۸- است و در این کتاب که در دسترس
 ۹- است و در این کتاب که در دسترس
 ۱۰- است و در این کتاب که در دسترس



کاریکاتور به قلم ناصرالدین شاه - حالت میرزا آقاخان نوری و فرزندان و کارگذاران
مخصوص او را پس از شنیدن خبر برکناری از صدارت نشان داده است مربوط به سند بیست و هفتم

مسافر

✓

قبله لا چدر قبر عرض کرده بهم که این کس بیار غر و کوفت
 بکس محبت داشته گفته بود که میفرست لبها و ایضاً ندیش شمر را
 مرقم فرستم بعد که اگر کرد زنا را حلاقت تمام با آنکه مظهر
 بشود و اگر بعد از یک فرستم که که لطفانه خود پر زدن نیاید و هم حلاقت
 معترانه عدا که را خا شد و پت ظهیر را در دو پا نهم و از آن
 و در آن و خود افخاص خواند میفرست اندکس و این بود باره و این
 که اگر بر این اگر گفته به و این شنبه و چون پاینده و جان شوم
 محبت خدای عز و جل و آن در کس نهم و بعضی تغییر است و نیز زلف
 بعد پا نهم که بر خفا و ام شنبه نامه چقدر قبر خواب بر زلف و سر
 از رها و بر این رضای بخیر و آن عدا گفته بود که میفرست لبها و
 و در غم و آن خود را از زلف قبول و در غم و از زلف و آن و در غم
 با حق و در غم و میفرست لبها و آن عدا که که بیان غم و آن عدا

۱۰۰۰
مبلغ ۱۰۰۰ ریال
در تاریخ ۱۳۰۲/۰۵/۰۵
از طرف آقای محمد علی
در حضور آقایان
۱- آقای محمد علی
۲- آقای محمد علی
۳- آقای محمد علی
۴- آقای محمد علی
۵- آقای محمد علی
۶- آقای محمد علی
۷- آقای محمد علی
۸- آقای محمد علی
۹- آقای محمد علی
۱۰- آقای محمد علی

**کتابهای اسناد سیاسی که تاکنون بکوشش ابراهیم صفالی
تالیف و تحقیق و چاپ شده است .**

- ۱ - اسناد سیاسی دوران قاجاریه
 - ۲ - گزارش های سیاسی علاءالملک
 - ۳ - اسناد مشروطه (گزارش های وکیل الدوله)
 - ۴ - اسناد نویافته
 - ۵ - نامه های تاریخی
 - ۶ - برگ های تاریخ
 - ۷ - اسناد برگزیده
 - ۸ - پنجاه نامه تاریخی
 - ۹ - یکصد سند تاریخی
- بجز این کتاب ها، اسناد سیاسی و تاریخی بسیار از طرف مؤلف در جلد اول و دوم «رهبران مشروطه» و در نشریه «انجمن تاریخ» و در برخی از مجلات ضمن مقالات تحقیقی و تاریخی منتشر گردیده است .

فهرست انتشارات بابک

- | | |
|--|---|
| سفرنامه حاجی پیرزاده دوره کامل | بکوش حافظ فرما نفرمائیان
با مقدمه ایرج افشار ۱۷۵۰ ریال |
| مثنویهای حکیم سنائی با نضمام شرح
سیرالعباد الی المعاد | با تصحیح سید محمد تقی مدرس
رضوی ۶۲۵ |
| سفرنامه کرمان و بلوچستان فیروز
میرزا فرما نفرما | بکوش خانم منصوره
اتحادیه نظام مافی ۲۱۵ |
| مکاتبات ایران و انگلیس | بکوش میرهاشم محدث ۱۵۵ |
| سفرنامه خراسان ناصرالدینشاه قاجار | علینقی حکیم الملک ۸۰۰ |
| سفرنامه مازندران ناصرالدینشاه قاجار | صنیع الدوله ۴۰۰ |
| سیاستگران دوره قاجار (اول و دوم) | نوشته مرحوم خان ملک
ساسانی ۸۷۵ |
| دولتهای ایران از آغاز مشروطیت تا
اولتیماتوم | بقلم . دکتر عبدالحسین
نوائی ۵۵۰ |
| فتنه باب تألیف ، اعتضاد السلطنه | مقالات بقلم دکتر عبدالحسین
نوائی ۳۷۵ |
| فتح تهران (گوشه‌هایی از تاریخ
مشروطیت ایران) | دکتر عبدالحسین نوائی ۵۰۰ |
| تاریخ عضدی تألیف . شاهزاده عضدالدوله
سلطان احمد میرزا | تصحیح دکتر عبدالحسین
نوائی ۵۵۰ |
| احسن التواریخ تألیف . حسن بیگ روملو
نوائی | تصحیح دکتر عبدالحسین
نوائی ۱۲۵۰ |

کتابهای زیر چاپ

- | | |
|------------------------------|------------------------|
| التفهیم ابوریحان بیرونی | استاد جلال‌الدین همائی |
| نصیحة الملوك امام محمد غزالی | استاد جلال‌الدین همائی |
| شرف‌النبی ابوسعید خرقوشی | دکتر محمد روشن |
| سفرنامه خراسان با خط کلهر | بکوش ایرج افشار |



انتشارات بابک

بهاء ۳۵۵ ریال